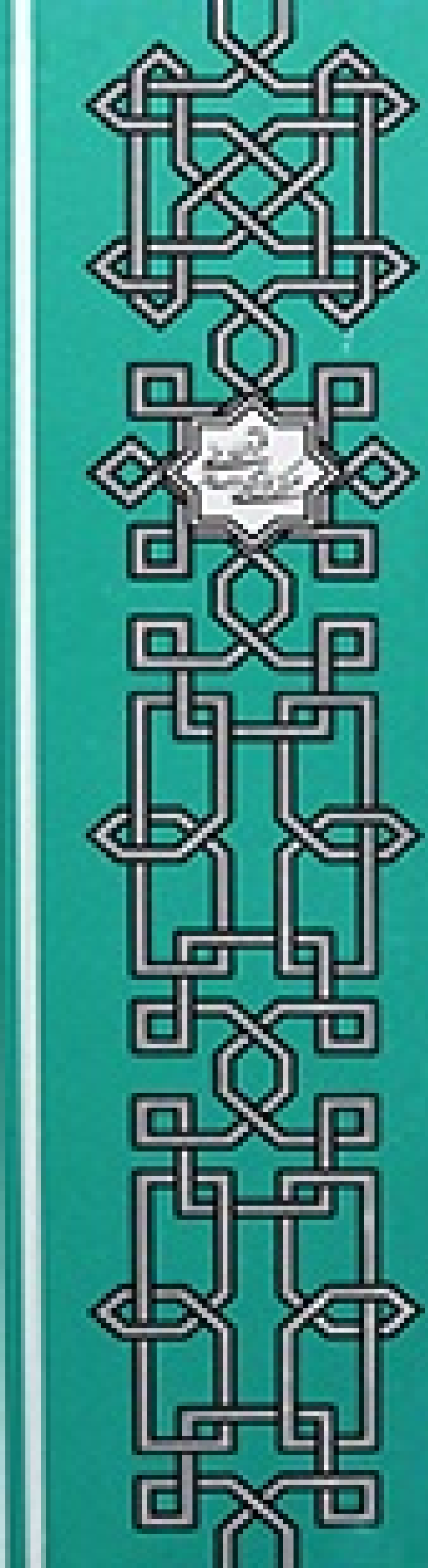
# خمس و زکات

محسن قرائتی



خمس و زکات

مشخصات کتاب

سرشناسه:قرائتی، محسن، 1324 -

عنوان و نام پدیدآور:خمس و زکات/ محسن قرائتی.

مشخصات نشر:تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، 1382.

مشخصات ظاهری:176 ص.

شابک:6000 ریال ؛ 7000 ریال: چاپ چهارم 964-5652-40-5 : ؛ 7000 ریال (چاپ پنجم) ؛ 8500ریال (چاپ ششم) ؛ 8500 ریال: چاپ هفتم 978-964-5652-40-9 :

یادداشت:چاپ چهارم: تابستان 1386.

یادداشت:چاپ پنجم: بهار 1387.

یادداشت:چاپ ششم: تابستان 1387.

یادداشت:چاپ هفتم: بهار 1388.

یادداشت:کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع:خمس

موضوع:زکات

رده بندی کنگره:BP188/6/ق4خ8 1382

رده بندی دیویی:297/356

شماره کتابشناسی ملی:م 82-25893

ص: 1

خمس » مقدّمه

با لطف خداوند متعال، تا کنون یک دوره اصول عقاید از توحید تا معاد و یک دور تفسیر قرآن کریم به نام تفسیر نور، و از فروع دین، کتاب های متعددی درباره نماز، حج و امر به معروف و نهی از منکر نوشته ام. آنچه پیش رو دارید یادداشت هایی درباره خمس و زکات است که تنظیم و ارائه می گردد.

تقریباً آنچه را نوشته ام ابتدا در صدا و سیما گفته و سپس اقدام به چاپ آن کرده ام.

با لطف خداوند، برای نماز و زکات و تفسیر و امر به معروف، ستادهایی تشکیل و اقداماتی انجام گرفت. آنچه انجام گرفته و آنچه نوشته شده، توفیق الهی بوده و آنچه مورد دغدغه است، آن است که به آنچه گفته و نوشته ایم، چقدر عمل کرده ایم و آنچه عمل کرده ایم، چقدر مورد قبول خداوند واقع شده است؛ زیرا مقدس ترین کارها که به دست مقدس ترین مردان خدا انجام گرفته است اگر قبول نشود، هیچ ارزشی ندارد. قرآن

می فرماید: حضرت ابراهیم علیه السلام پایه های کعبه را بالا می بُرد و اسماعیل هم او را کمک می کرد، امّا آنچه برای او مهّم بود قبول شدن این عمل به درگاه الهی بود و لذا فرمود: «ربّنا تقبّل منّا»(1)، با اینکه شخصی بالاتر از ابراهیم علیه السلام و یاوری بهتر از اسماعیل و کاری بالاتر از ساختن کعبه نیست، امّا اگر قبول نشود چه سود!

هدف ما در این کتاب، نه تحقیق عمیق است که بضاعت و فراغت آن را ندارم و نه نقل تمام اقوال، بلکه چون دیدم آنچه درباره زکات و خمس در دسترس مردم قرار دارد، یا فتاوای مراجع و احکام است که به صورت مسأله بیان شده است و یا کتب فنّی و فقهی و استدلالی است، و در این بین جای کتابی که دورنمائی از خمس یا زکات را برای عموم مردم ترسیم کند کم یاب است، لذا دست به این نوشتار زدم.

در این نوشته، محور مطالعه، قرآن و نهج البلاغه و روایات بوده است. از کتاب جامع الاحادیث آیهاللّه العظمی بروجردی و کتاب شریف بحارالانوار و

نکاتی که در تفاسیر، ذیل آیه خمس (آیه 41 سوره انفال) و آیه زکات (آیه 60 سوره توبه) و سایر آیات مربوطه آمده، بهره برده ام.

از سه کتابی که در این زمینه نگاشته شده، کتاب الخمس آیه اللّه نوری، کتاب خمس آیه اللّه حاج حسن امامی اصفهانی و کتاب خمس حجهالاسلام و المسلمین سیدمحمد ضیاءآبادی نیز بهره گرفتم.

با این حال همان گونه که خودم کمبودهایی دارم، نوشته هایم نیز کمبودهایی دارد. از خداوند متعال می خواهم کمبودها را جبران و سیئات را تبدیل به حسنه فرماید و از خوانندگان عزیز تقاضای تکمیل، تذکر و دعا دارم.

---

1- 1) سوره بقره، آیه 127.

یاوران

از دو فاضل ارجمند حجهالاسلام آیتی و حجهالاسلام جعفری، از دوستان مرکز تخصصی مهدویّت قم، که این یادداشت ها را تنظیم و تکمیل نمودند، تشکر می کنم.

از حجهالاسلام متوسل که در بازنگری و اصلاح نوشته ها و آقای متوسلی که در به ثمر رساندن کتاب های بنده رنج ها کشیده اند، متشکرم.

از حجهالاسلام واعظی نژاد نیز که یادداشت های اینجانب در موضوع انفاق را، با تتبّع و تکمیل خودشان، به صورت کتابی مستقل به نام «آینده ای بهتر در پرتو انفاق» به علاقه مندان عرضه کردند، نیز تشکر می کنم.

محسن قرائتی

تابستان 82

خمس » جایگاه خمس در اسلام- دورنمائی از فلسفه خمس و زکات

گرچه اسلام درآمدهایی را که از طرق نامشروع، همچون اختلاس، احتکار، کم فروشی، ربا، سرقت، رشوه و امثال آن بدست می آید، به شدّت حرام کرده و حکومت اسلامی را مسئول بازگشت این اموال به صاحبان اصلی آنها دانسته است، چنانکه امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: تمام اموالی را که در زمان خلیفه سوّم میان نورچشمی ها به ناحق تقسیم شده است، برخواهم گرداند، گرچه آن اموال در مهر زنان هزینه شده

باشد.(1) امّا با این حال به دلایل تفاوت های حکیمانه ای که خداوند میان انسان ها قرار داده است و به خاطر تلاش و تخصّص و ابتکار، برخی افراد درآمد بیشتری دارند که از طریق مشروع نیز کسب کرده اند، و برخی افراد با درآمد کم، توانِ اداره زندگی خود را ندارند.

تمام نظام های بشری برای کم درآمدها به فکر چاره بوده اند، زیرا اگر این خلاء به نحوی پر نشود، کینه و حسادتِ کم درآمدها نسبت به پردرآمدها شعله ور می شود و شعله اش ممکن است همه چیز را بسوزاند. اگر گرسنگان سیر نشوند، خطر بالارفتن آمار جنایات جدّی می شود و هر نظامی که به فکر گرسنگان نباشد، ماندنی نیست.



---

1- 2) واللّه لو وجدته قد تزوّج به النساء وملک به الاماء لرددتُه». نهج البلاغه، خطبه 15.

گرسنگیِ جمعی از مردم و پرخوری جمع دیگر را هیچ عقل و وجدان سالمی نمی پذیرد. به همین دلیل، برای حلّ این مسأله افراد و حکومت ها، طرحهای زیادی ارائه داده اند که رایج ترین آنها گرفتن مالیات و برقراری تأمین اجتماعی و ایجاد مؤسسات خیریّه و صندوق های قرض الحسنه و امثال آن است.

اسلام نیز که مکتبی جامع و اجتماعی است، برای فقرزدایی و حل مشکل محرومان جامعه، طرحهایی را ارائه داده که یکی از آنها، مسئله خمس است.

رسیدگی به فقرا به قدری مهم است که حضرت علی علیه السلام در حال نماز انگشتر خود را به فقیری که در مسجد از مردم تقاضای کمک می کرد و کسی به او پاسخ مثبتی نداد، عطا کرد و اشاره نکرد که صبر کند و بعد از نماز به او کمک کند بلکه در حال رکوع انگشتر خود را به او بخشید و آیه نازل شد: «انّما ولیّکم اللّه و رسوله و الّذین آمنوا الّذین یقیمون الصلوه و یؤتون الزّکاه و هم راکعون»(1)

البتّه در بحث خمس، تفاوت های خمس و زکات با مالیات مرسوم دولتی بیان شده است که ان شاءاللّه مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

خمس، نوعی تعدیل ثروت است که انسان با اراده خود و با قصد قربت، براساس ایمانی که دارد و اعتمادی که به او می شود، درآمدهای خود را بررسی و هزینه متعارف زندگی خود را از آن کاسته و بیست درصد از سودی که مازاد بر هزینه زندگی سالانه او است، به عالم ترین، متّقی ترین و بی هوس ترین افراد می پردازد تا او همچون وکیلی مورد اعتماد، در آنچه به صلاح جامعه می بیند، هزینه کند.

این تعدیل ثروت از طریق خمس و زکات، امری واجب است، ولی اسلام برای تعدیل ثروت راههای غیر الزامی دیگری نیز از قبیل وقف، هبه، صدقه، انفاق، وصیّت، کفّاره، نذر، عهد، ایثار و قرض الحسنه، قرار داده است.

تعدیل ثروت در بعضی از مکاتب اقتصادی همچون کمونیسم، از طریق نفی مالکیّت خصوصی و به انحصار دولت درآوردن همه چیز، آن هم به صورت اجبار صورت می گیرد که در این نوع تعدیل هیچ گونه آزادی و انتخاب و رشد وجود ندارد.

خمس » جامعیّت اسلام

آری، از امتیازات اسلام آن است که اقتصاد آن با اخلاق و عاطفه آمیخته است، همان گونه که سیاست و دیانت آن به هم آمیخته است. نمازجمعه با این که یک عمل عبادی است، یک مانور



---

1- 3) سوره مائده، آیه 55 .

سیاسی هم هست. اسلام حتّی در جهاد، به مسائل عاطفی، اخلاقی، اجتماعی و سیاسی نیز توجّه دقیق دارد.

این علی بن ابیطالب علیه السلام است که در بحبوحه جنگ به خورشید نگاه می کند تا مبادا نماز اوّل وقتش از دست برود! و فرزندش امام حسین علیه السلام ظهر عاشورا در برابر سیل تیر دشمن، نه تنها نماز واجب می خواند، بلکه به مستحبات نماز نیز از قبیل اذان، اقامه، جماعت، اوّل وقت و... توجّه کامل دارد. و باز می بینیم همین علیّ بن ابیطالب علیهما السلام در وسط جنگ، وقتی یارانش آب را در ظرفی

تَرک دار برای او می آورند، می فرماید: آشامیدن آب از ظرف ترک دار مکروه است. (چه بسا ذرّات آلوده ای که لابه لای آن ترک باشد و آب را غیربهداشتی کند.)

باز می بینیم در وسط جنگ بعضی از حضرتش می پرسند: نظر شما درباره فلانی و فلانی چیست؟ حضرت می بیند پاسخ این سئوال سبب فتنه و تفرقه می شود، سؤال کننده را توبیخ می کند و اجازه نمی دهد امّتی که به وحدت کلمه نیاز دارند دستخوش تفرقه شوند، و باز می بینیم به هنگام جنگ، شخصی از علی علیه السلام معنای توحید را می پرسد و رزمندگان از سؤال او ناراحت می شوند، حضرت می فرماید: جنگ ما برای توحید

است و سپس توحید را برای او معنا می کند.

به رزمندگان دستور می دهد آب آشامیدنی دشمن را مسموم نکنید، درختانشان را قطع و به فراریان تیراندازی نکنید، به زنان و کودکان و سالمندان کاری نداشته باشید. در کجای دنیا سراغ دارید که جنگ، سیاست، عبادت و اقتصاد اینگونه با مسائل اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، بهداشتی و عاطفی آمیخته باشد.

در نظام اسلامی رابطه میان مردم و رهبر الهی رابطه صلوات و درود است. به مردم فرمان می دهد که به پیامبرشان درود فرستند: «یا ایّها الّذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیماً»(1) و به پیامبر نیز دستور می دهد به پرداخت کنندگان زکات صلوات و درود فرستد: «خُذ من اموالهم صدقه و صَلِّ علیهم»(2)

در اسلام، روزهایی عید نامیده شده است که ضمن شادی و تبریک، رسیدگی به محرومان از طریق تقسیم گوشت قربانی در عید قربان و سیر کردن شکم گرسنگان در عید فطر از طریق زکات فطره مورد توجّه است. جامعیّت اسلام تا آنجاست که حتّی خوردن و آشامیدن، هدفمند طرّاحی شده است؛ در کنار جمله «کلوا» که فرمانِ خوردن است، یکجا می فرماید: «کلوا...و لاتسرفوا»(3) در خوردن زیاده روی نکنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و اشکروا»(4)



---

1- 4) سوره احزاب، آیه 56.
2- 5) سوره توبه، آیه 103.
3- 6) سوره اعراف، آیه 31.
4- 7) سوره بقره، آیه 172.

به خاطر خوردن از خداوند تشکّر کنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و اعملوا صالحاً»(1) با قدرتی که از غذاخوردن بدست می آورید کار نیک انجام دهید.

یکجا می گوید: «کلوا.... و لاتطغوا فیه»(2) از قدرتی که به وسیله غذا بدست آورده اید طغیان نکنید.

یکجا می فرماید: «کلوا... و آتوا حقّه»(3) بخورید و حقّ آن را اداء کنید.

و یکجا می فرماید: «فکلوا... اطعموا»(4) بخورید و به دیگران نیز اطعام کنید.

حتّی آنجا که به زنبور عسل الهام می کند شیره گل را بمک، دستور می دهد که عسل بساز، بنابراین اسلام، دین خوردن و خوابیدن نیست، بلکه خوردن و خوراندن و کار نیک انجام دادن و طغیان و زیاده روی نکردن است، همه با هم در نظر گرفته شده است. در کدام مکتب به این جامعیّت توجّه شده است.

به هر حال دنیا مالیات می گیرد و اسلام نیز خمس و زکات می گیرد، امّا شما در این کتاب به نکات و لطائفی برخورد خواهید کرد که نشان می دهد حساب مالیات های اسلامی از حساب انواع مالیات هایی که در دنیا گرفته می شود و قوانین آن بافته و ساخته فکر بشری است جداست. در قوانین اسلامی به تمام ابعاد توجّه شده است؛

از چه چیزی خمس و زکات گرفته شود؟

چه مقدار از سرمایه مشمول خمس و زکات شود؟

چگونه گرفته و چگونه پرداخت و چگونه مصرف شود؟

محاسبه اموال با چه کسی باشد، گیرنده یا پرداخت کننده؟

پرداخت کننده با چه انگیزه و هدفی بپردازد و گیرنده چه ویژگیهائی داشته باشد؟

چگونه مردم را به پرداخت خمس و زکات علاقمند کنیم؟

مسؤلین جمع آوری چه افرادی باشند و چگونه به سراغ مردم بروند. در کجا گردآوری شود و شرائط خزانه دار بیت المال چه باشد، با افرادی که سوءاستفاده می کنند، چگونه برخورد شود و دَه ها مورد دیگر که اگر میان مالیات هائی که در دنیا گرفته می شود با خمس و زکات مقایسه شود، معجزه بودن مقرّرات اسلامی روشن می شود، همان گونه که اگر مقایسه ای میان اذان و ناقوس کلیسا شود، مشخّص می گردد که جملات

اذان موزون، پرمحتوی، هدفمند و انگیزه آور، ولی در صدای ناقوس، چیزی مفهوم نیست. اگر مقایسه ای میان نماز اسلام با عبادات سایر ادیان شود، اگر مقایسه ای میان جهاد اسلامی و جنگهای دنیا شود، اگر مقایسه ای میان کنگره بین المللی حج



---

1- 8) سوره مؤمنون، آیه 51.
2- 9) سوره طه، آیه 81 .
3- 10) سوره انعام، آیه 141.
4- 11) سوره حج، آیه 28.

با سایر اجتماعات شود و اگر مقایسه ای میان نظام خانواده در اسلام با نظام خانواده در دنیا شود، جلوه اسلام بیشتر روشن خواهد شد.

خمس » خمس در قرآن

«وَ اعلَموا أنّما غَنِمتُم مِن شَی ءٍ فَاِنّ لِلّهِ خُمُسَه و لِلرَّسولِ ولِذِی القُربی وَ الیَتامی والمَساکینِ وابنِ السَّبیلِ اِن کُنتُم آمَنتُم بِاللّه...»(1)

«اگر به خدا ایمان دارید، بدانید هر چه را به عنوان غنیمت بدست می آورید، بی تردید یک پنجم آن برای خدا و رسول و خویشان و یتیمان و درماندگان و در راه ماندگان است.»

تاریخ نزول آیه

بعضی زمان نزول آیه را جنگ بنی قینقاع (15 شوال سال دوم هجری) می دانند،(2) برخی زمان نزول را جنگ اُحد (7 شوّال سال سوم هجری)(3) و بعضی جنگ بدر (رمضان سال دوم هجری) می دانند.(4) که خداوند از مجاهدان اسلام می خواهد خمس آنچه را در جنگ به غنیمت برده اند، پرداخت نمایند.

نگاهی دقیق تر به آیه خمس

نگاهی به آیه خمس اهمیّت آن را نشان می دهد زیرا:

1- در کمتر آیه ای مربوط به احکام، این همه تأکید پی در پی آمده است. کلمات «واعلموا، انّما، من شی، فانّ، للّه خُمُسه (بجای «خمسه للّه») و ان کنتم آمنتم» نشان تأکید است.

2- برای تهییج مردم می فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید. بنابراین پرداخت آن از لوازم ایمان شناخته شده است.



---

1- 12) سوره انفال، آیه 41.
2- 13) تفسیر طبری، ج 2، ص 173.
3- 14) تفسیر مجمع البیان، ج 4، ص 518 .
4- 15) کتاب خمس آیه اللّه حسن فقیه امامی، ص 36.

3- جمله «فانّ للّه خُمُسه» (که به اصطلاح جمله اسمیّه است) بیانگر این است که این حکم دائمی است، نه موقّت و موسمی. به علاوه چیزی که نشانه ایمان است نمی تواند موقّت باشد.

4- کلمه «واعلموا» در اول آیه به معنای آن است که باید خمس دادن باورتان بیاید و مسئله را جدی بگیرید. راستی عجیب است که شرکت در جبهه، کنار پیامبر بودن، اهل نماز و روزه بودن، عقاید سالم داشتن، از مهاجرین، انصار و سابقین بودن، مجروح شدن و بالاخره بر سپاه کفر پیروز شدن به تنهایی کافی نیست، زیرا با آن همه کمالات باز هم قرآن می فرماید: ای رزمندگان پیروز! اگر ایمان دارید خمس غنائم را بپردازید.

اگر به بعضی از دستورات مثل جهاد و نماز عمل کردید، ولی به دستور خمس عمل نکردید، ایمان واقعی ندارید.

یک نکته مهم

رسول خداصلی الله علیه وآله در شب جنگ بدر نخوابید و دائماً دعا می کرد و می فرمود: خدایا! این گروه اندک از مسلمین روی زمین مشابهی ندارند، اگر اینها شکست بخورند روی زمین بنده مؤمنی نخواهی داشت. (1) امّا قرآن خطاب به همین رزمندگان می فرماید: اگر ایمان دارید، خمس بدهید. یعنی چه بسا تعداد مؤمنان در جهان بسیار کم باشد، ولی حتّی همین تعداد کم که مشمول دعای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله نیز

هستند، اگر به تکلیف الهی و پرداخت خمس عمل نکنند، ایمان ندارند.

خمس » اهمیّت خمس

نه تنها در آیه 41 سوره انفال، پرداخت خمس شرط و لازمه ایمان شمرده شده، بلکه چهارمین آیه این سوره نیز نشانه مؤمنان واقعی را کمک به محرومان می داند و می فرماید: «مؤمنان کسانی هستند که هرگاه خداوند یاد شود دلهایشان می طپد و... از آنچه به آنها روزی کرده ایم انفاق می کنند. اینان همان مؤمنان حقیقی هستند.» آری، پرداخت خمس از جهات متعددی دارای اهمیّت است که ما به بعضی از آن جهات فهرست وار

اشاره می کنیم.

از نظر اعتقادی

همان گونه که در آیه خمس خواندیم: پرداخت خمس نشانه ایمان و اعتقاد واقعی است. «اِن کنتم آمنتم...»



---

1- 16) اللهم انّک ان تهلک هذه العصابه لا تعبد بعد الیوم». بحار، ج 19، ص 334.

از نظر عبادی

خمس از عبادات است و باید با قصد قربت پرداخت گردد و هرگونه ریاکاری و ناخالصی در انجام این فریضه اختلال به وجود می آورد.

از نظر سیاسی

پرداخت خمس به حاکم و فقیه جامع الشرائط سبب ارتباط مردم با جانشینان پیامبر می شود که این ارتباط در طول تاریخ لرزه بر اندام طاغوت ها انداخته است. پرداخت خمس کمک کردن به خط اهل بیت و تقویت بنیه مالی فقها و حوزه های علمیّه ای است که روشنگر مردم در طول تاریخ بوده اند. پرداخت خمس سبب تبلیغ و نشر تفکّر علوی به وسیله علما و فضلا و طلاّب و مرزبانی از حدود و ثغور دینی و مبارزه با انواع

انحرافات فکری و اخلاقی و سم پاشی ها و ایجاد تردیدها و وسوسه های بدخواهان مغرض و یا طرفداران ساده دل است.

به علاوه این پرداخت، رابطه عاطفی میان فقها و مردم را برقرار می کند و فقها را از وضعیّت اقتصادی جامعه آگاه می کند.

از نظر اقتصادی

پرداخت خمس راهی برای تعدیل ثروت، مبارزه با تکاثر و رسیدگی به محرومان و تهی دستان جامعه است.

از نظر اجتماعی

پرداخت خمس راهی برای ایجاد الفت و محبت میان طبقات مختلف و جلوگیری از ایجاد شکاف های عمیقِ اجتماعی است.

از نظر روانی

پرداخت خمس سبب می شود که انسان در خود احساس کند حامی اهل بیت و مراجع تقلید و حوزه های علمیّه و تبلیغات صحیح دینی است و این احساس همواره او را هوادار جبهه حق و مخالف جبهه های باطل و وسوسه های آنان قرار می دهد.

از نظر تربیتی

پرداخت خمس انسان را حسابگر، دقیق، وظیفه شناس، نسبت به محرومان جامعه مسئول و نسبت به حمایت از خط خدا و رسول و اهل بیت علیهم السلام، متعهّد تربیت می کند.

پرداخت خمس روح سخاوت و نوع دوستی را در انسان شکوفا می کند.

پرداخت خمس روحیه بی تفاوتی و دنیاپرستی را از انسان برطرف می کند.

کوتاه سخن آنکه پرداخت خمس؛

رابطه انسان را با خدا از طریق قصد قربت در پرداخت،

رابطه انسان را با محرومان از طریق کمک به ایتام،

رابطه انسان را با حاکم معصوم یا عادل از طریق کمک به فقهای عادل،

رابطه انسان را با جامعه از طریق تقویت حوزه های علمیه و اعزام اسلام شناسان به اطراف،

رابطه انسان را با خودش از طریق مهار کردن خوی حرص و بخل و بی تفاوتی،

رابطه انسان را با نسل آینده از طریق حلال کردن لقمه ها و مهریه ها،

و رابطه انسان را با پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش علیهم السلام از طریق رسیدگی به سادات محروم تنظیم و تصحیح و تقویت می کند.

خمس » آثار خمس

اگر به تعبیراتی که در آیات و روایات آمده است توجّه کنیم، به آثار پرداخت خمس بیشتر پی خواهیم برد. بعضی جملات و کلماتی را که برای فلسفه خمس آمده فهرست وار مطرح می کنیم.

1- نسل پاک

در روایات می خوانیم: «لتطیب ولادتهم»(1) پرداخت خمس، مال را پاک و مال پاک مقدمه نسل پاک است.

2- تقویت دین

امام رضاعلیه السلام فرمودند: «الخمس عوننا علی دیننا»(2) خمس، حق ما اهل بیت و پشتوانه مکتب و راه ما است.

3- نشانه وفا

در تعبیر دیگر می خوانیم: «المسلم من یفی اللّه بما عهد الیه و لیس المسلم من اجاب باللسان و خالف بالقلب»، مسلمان واقعی کسی است که به پیمان الهی وفادار باشد و کسی که با زبان جواب مثبت ولی در دل جواب منفی می دهد، در حقیقت مسلمان نیست.(3)

4- کمک به یاران

امام رضاعلیه السلام فرمود: خمس وسیله ای برای کمک ما بر بستگان و یاوران ماست. «ان الخمس عوننا علی عیالاتنا»(4)، «عوننا علی موالینا»(5)



---

1- 17) وسائل، ج 9، ص 547 .
2- 18) وسائل، ج 9، ص 538 .
3- 19) وافی، ج 10، ص 334.
4- 20) وسائل، ج 9، ص 538 .

5- 21) وافی، ج 10، ص 334.

5 - پاکی مال

امام صادق علیه السلام فرمود: من از گرفتن درهم شما هدفی جز پاک کردن شما ندارم، زیرا وضع مالی من امروز خوب است. «ما ارید بذلک الا ان تطهروا»(1)

6- گوارا بودن درآمد

در حدیث دیگری از امام صادق علیه السلام می خوانیم: هر کس خمس ما را بدهد باقی درآمدش برای او گواراست. «یودّی خمسنا و یطیب له»(2)

7- حفظ آبرو در برابر مخالفان

امام رضا علیه السلام فرمود: به وسیله خمس، ما آبروی خود و طرفدارانمان را در برابر تهدیدات مخالفان حفظ می کنیم. «و ما نبذله و نشتری من اعراضنا ممن نخاف سطوته»(3)

8 - فقر زدائی از خاندان رسالت

امام کاظم علیه السلام فرمود: خداوند نیمی از خمس را برای فقر زدائی از بستگان پیامبر که از زکات و صدقات محرومند قرار داد. «و جعل للفقراء قرابه الرسول نصف الخمس فاغناهم به عن صدقات الناس...»(4)

9- کفّاره گناهان و ذخیره قیامت

امام رضا علیه السلام فرمود: خارج کردن خمس مال، وسیله آمرزش گناهان و ذخیره قیامت و روز نیاز شماست. «فان اخراجه... تمحیص ذنوبکم و ما تمهدون لانفسکم لیوم فاقتکم»(5)

10- ضمانت بهشت

شخصی نزد امام باقر علیه السلام آمد و خمس مال خود را پرداخت، امام فرمود: بر من و پدرم لازم است که بهشت را برای شما ضمانت کنیم. «ضمنت لک علیّ و علی ابی الجنّه»(6)

11- شمول دعای امام

---

1- 22) وسائل، ج 9، ص 484.
2- 23) وسائل، ج 9، ص 488.
3- 24) وسائل، ج 9، ص 538 .
4- 25) وسائل، ج 9، ص 514 .
5- 26) وسائل، ج 9، ص 538 .
6- 27) وسائل، ج 9، ص 528 .

امام رضا علیه السلام فرمود: خمس، کمک ما بر حفظ مکتب است، سپس فرمود: تا می توانید خودتان را از دعای ما محروم نکنید. «ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه»(1)

12- کلید رزق

امام رضا علیه السلام فرمود: پرداخت خمس کلید رزق شماست. «فان اخراجه مفتاح رزقکم»(2)

13- نظم و حساب در سرمایه

کسی که حساب سال دارد و خمس می دهد، در واقع شخصی حسابگر، منظم و دقیق است و میزان درآمد و مصرفش مشخّص است.

امام باقر علیه السلام فرمود: «الکمال کلّ الکمال: التّفقه فی الدّین والصبر علی النائبه و تقدیر المَعیشه»(3) بالاترین کمال در سه چیز است: شناخت عمیق دین، پایداری در برابر ناملایمات و نظم و برنامه در زندگی.

14- عنایات ویژه

کسانی که اهل خمس هستند، یعنی در هر درآمد خود، سهم خدا، رسول، اهل بیت و سهم دیگران را در نظر دارند، قهراً خدا و اولیای او نیز به او عنایات ویژه دارند.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «فاذکرونی اذکرکم»(4) مرا یاد کنید، شما را یاد می کنم.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «ان احسنتم احسنتم لانفسکم»(5) اگر خوبی کنید به خودتان خوبی کرده اید.

مگر در قرآن نمی خوانیم: «اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها»(6) اگر شخصی نسبت به شما کریمانه برخورد کرد، شما بهتر از او برخورد کنید.

مگر قرآن وعده نداده که «ان تنصروا اللّه ینصرکم»(7) اگر شما خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می کند.

‟

مگر قرآن خبر از دوست داشتن نیکوکاران نداده است: «انّ اللّه یحبّ المحسنین»(8)



---

1- 28) وسائل، ج 9، ص 538 .
2- 29) وسائل، ج 9، ص 538 .
3- 30) تحف العقول، ص 301.
4- 31) سوره بقره، آیه 152.
5- 32) سوره بقره، آیه 152.
6- 33) سوره نساء، آیه 86.
7- 34) سوره محمّد، آیه 8 .
8- 35) سوره بقره، آیه 195.

آری، کسی که با پرداخت خمس، حق خدا و رسول و امام را می دهد، در حقیقت مشمول تمام آیاتی است که گفته شد. زیرا او هم خدا را یاد کرده، هم احسان کرده، هم اولیای خدا و محرومان را گرامی داشته و هم مکتب الهی را یاری نموده است و دریافت این همه عنایات در برابر 20% مازاد درآمد سال، سود بزرگی است.

یک نمونه از عنایات ویژه

زنی به نام شطیطه یک درهم پول و یک کلاف نخ را از نیشابور برای امام کاظم علیه السلام فرستاد و از کمی مال خود عذرخواهی کرد و گفت: «انّ اللّه لا یستحیی من الحق»

امام درهم و کلاف را پذیرفت و فرمود: سلام مرا به این خانم برسانید و این چهل درهم و این پارچه ای که جزو کفن خودم هست به او بدهید، او چند روزی بیشتر زنده نیست ولی همین که از دنیا رفت من برای نماز بر جنازه او به نیشابور خواهم آمد.(36) در این ماجرا امام چند درهم را از یک مسلمان مخلص می پذیرد و این همه او را مورد تفقد قرار می دهد ولی مبالغ سنگینی را از افراد نااهل نمی پذیرد.

خمس » خمس در روایات

امام کاظم علیه السلام فرمود: «لقد یسر اللّه علی المؤمنین ارزاقهم بخمسه دراهم جعلوا لربّهم واحداً واکلوا اربعه حلالا ثم قال هذا من حدیثنا صعب مستصعب لایعمل به ولا یصبر علیها الا ممتحن قلبه للایمان»(1) خمس مالتان را بدهید تا رزق شما حلال شود، سپس فرمود: این کلام سختی است که جز افراد با ایمانِ امتحان شده، تحمّل آن را ندارند.

نپرداختن خمس، در کنار شرک و قتل نفس، از بزرگ ترین گناهان کبیره شمرده شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «اکبر الکبائر سبع: الشرک والقتل واکل اموال الیتامی و عقوق الوالدین و قذف المحصنات و الفرار من الزحف وانکار ما انزل اللّه»، سپس فرمود: امّا خوردن مال یتیمان همان حقّ ما است که از ما ربوده و خوردند.(2)

امام زمان علیه السلام فرمود: «لعنه اللّه والملائکه والناس اجمعین علی مَن استحلّ من مالنا درهماً»(3)، لعنت خدا و فرشتگان و مردم بر کسی که یک درهم مال ما را حلال بشمارد و در روایت دیگر فرمود: ما دشمن این گونه افراد هستیم. «و نحن خصمائه»(4)



---

1- 37) وسائل، ج 9، ص 484.
2- 38) وسائل، ج 9، ص 536 .
3- 39) وسائل، ج 9، ص 541 .
4- 40) وسائل، ج 9، ص 540 .

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «هلک الناس فی بطونهم و فروجهم لانهم لم یؤدوا الینا حقّنا»(1)، مردم بخاطر اینکه حقّ ما را نمی دهند غذا و آمیزش آنان ناپاک شده و سبب هلاکت آنان می شود.

در بعضی احادیث می خوانیم: «من استحل منها شیئاً فامسکه فانما یاکل النیران»(2)، کسی که بخشی از خمس را حلال پندارد و آن را نپردازد، گویا آتش می خورد.

یاران واقعی اهل بیت علیهم السلام آنگونه ایمان داشتند که نپرداختن خمس را مساوی با حرام خوردن و قبول نشدن نماز و روزه می دانستند و در سؤال کتبی خود از آن بزرگواران می پرسیدند که خمس را چگونه بپردازیم تا جزو حرام خواران و کسانی که نماز و روزه شان قبول نیست نباشیم.(3)

امام باقرعلیه السلام فرمود: آسان ترین وسیله ای که انسان را به دوزخ می برد خوردن مال یتیم است، سپس حضرت فرمود: ما یتیم هستیم(4) (و نپرداختن خمس، به منزله خوردن مال یتیم است).

در حدیث دیگر می خوانیم: از سخت ترین شرائطی که مردم در قیامت دارند وضعیّت تارکان خمس است.(5)

در حدیثی می خوانیم: «الدنیا و ما فیها للّه و رسوله و لنا فمن غلب علی شیی ء منها فلیتّق اللّه و لیؤدّ حقّ اللّه و لیتبرّ اخوانه فان لم یفعل ذلک فاللّه و رسوله و نحن براء منه»(6)، هر کس بر مال دنیا دست یافت باید تقوی پیشه کند و حق خدا را بپردازد و به برادران ایمانی خود احسان کند و اگر این چنین نکرد خدا و رسول و ما اهل بیت از او بیزاریم.

امام رضا علیه السلام فرمود: «ان الخمس عوننا... فلا تزووه عنّا ولا تحرموا انفسکم دعاءنا ما قدرتم علیه»(7) خمس کمک به ماست آن را از ما دور نکنید تا از دعای ما محروم نشوید.

امام زمان علیه السلام فرمودند: «فلا یحلّ لاحد ان یتصرف فی مال غیره بغیر اذنه فکیف یحل ذلک فی مالنا من فعل شیئاً من ذلک لغیر امرنا فقد استحل منا ما حرم علیه و من اکل من مالنا شیئا فانما یأکل فی بطنه نارا و سیصلی سعیرا»(8)

---

1- 41) وافی، ج 10، ص 337.
2- 42) وسائل، ج 9، ص 550 .
3- 43) وسائل، ج 9، ص 503 .
4- 44) وسائل، ج 9، ص ص 483 و ص 536 .
5- 45) وسائل، ج 9، ص 545 .
6- 46) وافی، ج 10، ص 289 .
7- 47) وافی، ج 10، ص 334.
8- 48) وسائل، ج 9، ص 541 .

، با اینکه هیچ کس حق ندارد در مال غیر تصرّف کند، پس چگونه مردم در مال ما تصرف می کنند؟ هر کس بدون دستور ما در مال ما تصرف کند مرتکب گناه شده و هر کس ذره ای از مال ما را

بخورد پس گویا آتش در شکم اوست.

در روایات می خوانیم: «لا یعذر عبد اشتری من الخمس شیئاً ان یقول ربّ اشتریته بمالی حتّی یأذن له اهل الخمس»(1)، عذر کسی که از خمس چیزی خریداری کند پذیرفته نیست، مگر آنکه صاحبان خمس اجازه دهند.

امام باقر علیه السلام فرمود: برای هیچ کس حلال نیست مال خمس نداده ای را خریداری کند مگر آنکه حق ما را به ما برساند.(2)

اگر وارثانِ کسی که از دنیا رفته بدانند او خمس مال خود را نداده، باید مثل سایر بدهی ها خمس او را بدهند.(3)

امام خمینی در تحریرالوسیله می فرماید: هر کس درهمی از خمس را نپردازد جزء ستمگران بر اهل بیت و کسانی که حق آن بزرگواران را غصب کرده اند می شود.(4)

در کتب فقهی و رساله های مراجع بزرگوار مسائلی است که بر همه مقلدین دانستن آنها لازم است و ما چند جمله از کتاب شریف عروهالوثقی بیان می کنیم:

اگر انسان قبل از پرداخت خمس کنیزی بخرد حق تصرّف ندارد.(5)

تا مقدار خمس را با فقیه جامع الشرائط مصالحه نکرده، تصرّف در مال خمس نداده جایز نیست، حتّی اگر در نیّت خود قصد پرداخت مبلغ را داشته باشد.(6)

استفاده از لباس و مکانی که خمس آن داده نشده نماز را با مشکل مواجه می کند، چنانکه در حج، طواف با لباس احرامی که خمس آن داده نشده، باطل است.

خمس » خمس در زمان پیامبرصلی الله علیه وآله

1- در آیات و روایات نام زکات بیشتر از خمس آمده است، شاید بدلیل این که جز افراد نادر در مکّه و بعضی از قبایل که بازرگانی می کردند بیشتر مردم کشاورز و دامدار بودند، ولی با این حال پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله افرادی را برای گرفتن خمس به مناطق می فرستاد، چنانکه در تاریخ آمده است: مثلاً علیّ بن ابیطالب علیهما السلام و عمروبن حزم و معاذبن جبل را به یمن و مُحمیّه



---

1- 49) وافی، ج 10، ص 337 و تحریرالوسیله، ج 1، ص 334 با اندکی تفاوت.
2- 50) وسائل، ج 9، ص 484.
3- 51) عروهالوثقی، کتاب الخمس، مسئله 50 .
4- 52) تحریرالوسیله، ج 1، ص 334.
5- 53) عروهالوثقی، مسئله 80 .
6- 54) عروهالوثقی، مسئله 78.

را در بنی زبید برای گرفتن

خمس فرستاد. «بعثه رسول اللّه لاخذ الاخماس».(1)

2- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله برای هیأت هایی که به حضورش می رسیدند بعد از امر به ایمان در کنار نماز و زکات، خمس را نیز مطرح می فرمودند: «آمرکم بالایمان... و اقام الصلوه و ایتاء الزکاه و تعطوا الخمس من المغنم»(2)

3- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در نامه هایی که برای قبایل می فرستادند به موضوع خمس اشاره می کردند.(3)

4- مسلمانان همان گونه که زکات را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله می فرستادند، خمس را نیز خدمت حضرت می فرستادند.(4)

خمس » خمس پس از پیامبر

گرچه مسیری که پیامبر معین فرموده بود دچار انحراف گردید و خلفا غنیمت را منحصر در غنائم جنگی نمودند و اهل بیت پیامبر تا زمان امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام از خمس منع گردیدند، لیکن هنگامی که فضای تبلیغ برای این دو امام عزیز باز شد، به مسئله خمس پرداختند.(5)

بعد از امام صادق علیه السلام تا زمان غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام امامان معصوم در مناطق مختلف مثل بلخ، بخارا، ری، قم، نیشابور، شیراز، همدان، خراسان، قزوین، اهواز، عراق، یمن، موصل و بغداد برای گرفتن خمس نماینده داشتند.

دلیل پیدا شدن فرقه واقفیه این بود که خمسِ مردم نزد یکی از نمایندگان امام کاظم علیه السلام جمع شده بود و هنگامی که امام به شهادت رسید آن نماینده اعلام کرد بعد از امام هفتم امامی نداریم تا بتواند اموالی را که از خمس نزد او مانده تصرف کند.(6)

آری، نماینده امام معصوم نیز در معرض خطر انحراف است. در نهج البلاغه نمونه هایی از عزل شدگان حضرت علی علیه السلام به چشم می خورد که بعضی از آنها کینه حضرت رابه دل گرفتند



---

1- 55) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 110.
2- 56) صحیح بخاری، ج 1، ص 32، 33 و 131.
3- 57) طبقات ابن سعد، ج 1، ص 374.
4- 58) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 88، 110 و 745.
5- 59) کتاب خمس آیهاللّه نوری همدانی، ص 746.
6- 60) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 607.

و برای خود دار و دسته ای تشکیل دادند و همین که فهمیدند حسین بن علی علیهما السلام به کربلا رسیده نیروهای خود را برای قتل امام به کربلا اعزام کردند و با صراحت به امام می گفتند: ما با شما مسئله ای نداریم ولی کینه و بغض

پدرت را در دل داریم که ما را عزل کرد.(1)

خمس » وسوسه های شیطانی

وسوسه از راه وعده فقر

هنگامی که فردی تصمیم بر دادن حقّ اللّه می گیرد، شیطان به او وعده فقر می دهد(2) که اگر خمس بدهی مال تو کم می شود و فردا فقیر و محتاج می شوی، هنوز فرزندانت به سر و سامان نرسیده اند. ولی قرآن نیز در برابر وعده فقر شیطان وعده هایی دارد از جمله:

* آنچه در راه خدا بدهید، خداوند جایگزین می کند: «فهو یخلفه»(3) انفاق مثل مکیدن شیر مادر است که هرچه فرزند می خورد، خداوند دوباره سینه مادر را پر می کند.

* هر چه بدهید گم نمی شود و آن را نزد خداوند می یابید. «تجدوه عنداللّه»(4)

* کارهای خیر شما باقی می ماند و پاداش بهتر دارد. «والباقیات الصالحات خیر عند ربّک ثواباً»(5)

* هر چه نزد شماست فانی می شود، ولی اگر رنگ الهی پیدا کند و در راه او مصرف شود ابدی می گردد. «ماعندکم ینفد و ما عنداللّه باق»(6)

* در راه خدا از خرج کردن نترسید که او به شما وسعت می دهد. «و اللّه واسع علیم»(7)



---

1- 61) علاّمه میرزا خلیل کمره ای در یک تحقیق عمیقِ علمی، نام نمایندگان برکنار شده ای که علیه امام حسین علیه السلام نیرو به کربلا اعزام کردند (با تعداد آن نیروها) آورده است.
2- 62) سوره بقره، آیه 268.
3- 63) سوره سبأ، آیه 39.

4- 64) سوره بقره، آیه 110.
5- 65) سوره کهف، آیه 46.
6- 66) سوره نحل، آیه 96.
7- 67) سوره بقره، آیه 261.

* مثال آنچه در راه خدا می دهید مثال دانه گندمی است که در خاک پنهان می شود، ولی چیزی نمی گذرد که از آن دانه، هفت خوشه و در هر خوشه صد دانه ظاهر می شود.(1)

نوع دیگری از وسوسه

اگر شیطان در مرحله اول حریف انسان نشد کمی تخفیف داده و می گوید: خمس واجب است ولی حالا صبر کن. عجله درست نیست هنوز آخر کار نشده و معلوم نیست سود و زیان چقدر است، ممکن است بعضی از سرمایه های تو نقد نشود، ممکن است بعضی از جنس های فروخته شده برگردد، امسال سود بردی، شاید سال آینده زیان کنی و... .

قرآن در برابر این تأخیر، سفارشاتی دارد و تذکراتی می دهد از جمله:

1- در قرآن بارها کلمه «بغته» بکار رفته است، یعنی ممکن است مرگ ناگهانی فرا رسد و توفیق عمل خیر نداشته باشی.

2- تاریخ افراد و اقوام و گروه هایی در قرآن مطرح شده که ناگهان گرفتار قهر الهی شدند.

3- قرآن صحنه هائی از آرزوی برگشتن به دنیا و انجام کار خیر را نقل می کند که البتّه هرگز به این آرزو پاسخ مثبتی داده نمی شود.

4- قرآن در آیه 14 سوره حدید گفتگوی دوزخیان را با بهشتیان در قیامت اینگونه بیان می فرماید: منافقان التماس می کنند که نگاهی به ما کنید تا از نور شما استفاده کنیم. وقتی جواب رد می شنوند می گویند: آیا ما در دنیا با شما نبودیم؟ بهشتیان می گویند: چرا ولی شما خودتان را فریب دادید و در کار خیر، امروز و فردا کردید.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان انسان را وسوسه می کند که چرا نتیجه دسترنج و علم و ابتکار و خلاقیّت تو نصیب دیگران شود. همان گونه که قارون می گفت: سرمایه من بخاطر علم و تخصّص و مدیریّتی است که دارم، «انّما اوتیتُه علی علمٍ عندی»(2)



---

1- 68) سوره بقره، آیه 261.
2- 69) سوره قصص، آیه 78.

خداوند در پاسخ می فرماید: آیا قارون نمی داند که ما قوی تر از او را نابود کردیم. چه بسیار افرادی از صاحبان سرمایه که با سواد، زرنگ، قوی و زحمت کش بودند، ولی به جایی نرسیدند.

آری، هرگز داده های الهی را به حساب تخصّص و علم و تلاش و مدیریّت و هنر خود نگذاریم.

وسوسه دیگر

گاهی شیطان وسوسه می کند که خدا خواسته گروهی فقیر و گروهی در رفاه باشند، اگر خدا بخواهد به فقرا نیز ثروت می دهد. «انطعم من لو یشاء اللّه اطعمه»(70) گویا این افراد غافلند که دادن ها و گرفتن های الهی برای آزمایش مردم است تا کسی که ثروت دارد از خود سخاوت و کسی که ندارد از خود صبر و قناعت نشان دهد. اگر همه مردم یکسان باشند روحیه ایثار، سخاوت، صبر و قناعت، در انسان محو می شود.

وسوسه دیگر

گاهی انسان بر اثر وسوسه شیطان می گوید: من کارهای خیر زیادی کرده ام به فقراء کمک می کنم، به بستگان سر می زنم اموالی را وقف یا وصیّت می کنم، بنابراین خمس دادن لازم نیست.

در حالی که اگر انسان هزار مستحب انجام دهد جبران یک واجب نمی شود. ما بنده خدا هستیم و باید هرچه را او گفت و هر گونه که او خواست عمل کنیم، نه آنچه را سلیقه خودمان تشخیص می دهد و بدتر آنکه سلیقه خودمان را به جای حکم خدا حساب کنیم.

وسوسه دیگر

افرادی می گویند: برخی از کسانی که خمس را به آنها می پردازیم، خود در رفاه هستند چرا ما به آنان خمس بدهیم؟ در پاسخ باید گفت: اسلام می فرماید: خمس را به فقیه عادلی بپردازید که اهل دنیا نباشد، اگر شما گیرنده خمس را اهل دنیا دیدید می توانید گیرنده را عوض کنید نه آنکه از پرداخت خمس سرباز زنید. شرط مرجعیّت در اسلام دوری از هوای نفس است و در روایات سفارش شده است که اگر عالمی را دیدید که دنیا

گراست از او دوری نمائید و به سراغ عالم زاهد و پارسا بروید.

علاوه بر آنکه ممکن است رفاهِ گیرنده خمس، بخاطر ارث و یا درآمدهای شخصی باشد و زندگی او از خمس نباشد.

وسوسه دیگر

بعضی می گویند: خمس ما مبلغ قابلی نیست، خودمان به فقرا می دهیم.

پاسخ آن است که ما باید به وظیفه عمل کنیم و کاری به کم و زیاد آن نداشته باشیم. همان گونه که گاهی یک برگ زرد در حوض آب، کشتی چندین مورچه می شود، ممکن است مبلغ ناچیز شما چند گره را از کار مسلمانان باز کند. خداوند به مبلغ نظر ندارد، بلکه او به اخلاص می نگرد چنانچه سوره «هل اتی...» به خاطر چند قطعه نان که در راه خدا خالصانه انفاق شد نازل گردید.

وسوسه دیگر

گاهی می گویند ما هنوز مشکل مسکن و همسر و مرکب و اشتغال خود یا فرزندانمان را حل نکرده ایم که خمس بپردازیم.

پاسخ: اسلام، خمس را پس از تأمین هزینه های متعارف و متعادل زندگی قرار داده است. تأمین نیازهایی مانند ازدواج خود یا فرزندان، تهیه مسکن و مرکب و سفرهای تفریحی و زیارتی و هدایا و مهمانی ها و انواع هزینه هایی که در آن ریخت و پاش نیست و در نظر عموم مردم بجاست، مقدم

بر خمس است ولی متأسفانه بعضی از مردم اسراف کاری و بلند پروازی و تجمّل گرایی و چشم هم چشمی را بهانه نپرداختن خمس قرار می دهند.

به هر حال خمس پس از تأمین زندگی عادی است. مثلاً اگر پنج میلیون تومان درآمد سال شما و چهار میلیون تومان خرج زندگی سالانه شما باشد، تنها خمس یک میلیون تومان یعنی دویست هزار تومان بر شما واجب است و از پنج میلیون تومان سود، نپرداختن دویست هزار تومان، بی انصافی است. راستی اگر باغ انگوری را به انسان ببخشند و بگویند در هر سال چند کیلو از انگور این باغ را به صاحبش بدهید، بی اعتنایی به این

خواسته خلاف هر وجدان بیدار نیست؟

وسوسه دیگر

بعضی می گویند: ما خمس را خودمان به فقرا می دهیم و نیازی نیست که به فقیه جامع الشرایط بپردازیم، این افراد نمی دانند که خمس عبادت است و در عبادت تعبّد و مراعات دستور ضروری است. قرآن با صراحت، گیرنده خمس را «ذی القربی» یعنی امام معصوم دانسته و امام معصوم فقیه عادل را جانشین خود قرار داده که باید مجاری امور به دست او باشد و در حوادث واقعه به او مراجعه کرد و او حرف آخر را بزند.

وسوسه دیگر

گاهی می گوید: بسیاری از مردم خمس نمی دهند، ما نیز مثل همه.

پاسخ آن است که در قیامت هر کس باید پاسخگوی رفتار خود باشد و حساب افراد، جداگانه بررسی می شود. قرآن صحنه های تلخی از گفتگوی مجرمان در قیامت را بیان می فرماید که یکی از آنها این است که بعضی به دیگران می گویند: اگر شما نبودید ما ایمان می آوردیم. (شما ما را

منحرف کردید) آنان می گویند: هرگز چنین نیست بلکه شما خود ایمان آور نبودید. «لولا انتم لکنا مؤمنین قالوا بل لم تکونوا...»(1) بنابراین

ملاک عمل باید عقل و دستور خداوند باشد نه جامعه. جمله معروف: «خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو» بسیار نابجاست. اگر یک کشتی در حال غرق شدن بود و اکثر مسافرانش بخاطر ندانستن شنا غرق شدند، آیا صحیح است که چند نفری که شنا می دانند خودشان را غرق کنند و بگویند: خواهی نشوی رسوا همرنگ جماعت شو!!

حضرت علی علیه السلام می فرمود: «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهله»(2) از رفتن در راه حق بخاطر کمی افراد نترسید. مگر حضرت ابراهیم یک موحّد در برابر انبوه مشرکان نبود. مگر پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در آغاز بعثت تنها نبود. به هرحال غفلت اکثریّت از خمس و زکات، دلیل سرباز زدن دیگران نمی شود.



---

1- 71) سوره سبأ، آیه 21.
2- 72) نهج البلاغه، حکمت 201.

به علاوه در برابر افرادی که اهل خمس و زکات نیستند، افرادی جان و مال و آبروی خود را در راه اسلام دادند که قرآن از آنان تجلیل می نماید و می فرماید: «و یطعمون الطعام علی حبّه...»(1) و «و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصه»(2)

خمس » تفاوت خمس و زکات با مالیات

گاهی می گویند: ما که به دولت اسلامی مالیات می دهیم، دیگر خمس و زکات برای چه؟

در پاسخ به این سؤال، به تفاوت هایی که میان خمس و زکات با مالیات است اشاره می کنیم:

تفاوت اول

مالیات، هزینه ای است که شما می پردازید تا دولت، رفاه شما را بیرون منزل تأمین کند. مثلاً بیرون منزل شما بوستانی احداث کند همان گونه که خود نیز در منزل باغچه احداث می کنید.

هر کسی حیاط منزل خود را موزائیک یا سنگ می کند، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزلش را اسفالت کند.

درب منزل خود را قفل می زند، به دولت نیز مالیات می دهد بیرون منزل پلیس بگمارد.

در منزل لامپ روشن می کند، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزل، کوچه و خیابان را روشن کند.

در منزل کپسول آتش نشانی دارد، به دولت نیز مالیات می دهد تا بیرون منزل ماشین آتش نشانی را آماده داشته باشد.

بنابراین مالیات، خرج خود شما می شود و نظیر پولی است که شما در منزل برای زندگی شخصی هزینه می کنید. با این تفاوت که آنچه در منزل خرج می کنید مستقیم است و آنچه در بیرون خرج می شود به واسطه مالیاتی است که به دولت می دهید.

تفاوت دوم

پرداخت خمس و زکات، به عنوان یک عبادت است و در آن قصد قربت لازم است که اگر نباشد عمل قبول نمی شود. بر خلاف مالیات که قصد قربت نمی خواهد و نوعاً با اکراه پرداخت می گردد.

تفاوت سوّم



---

1- 73) سوره انسان، آیه 8.
2- 74) سوره حشر، آیه 9.

خمس، زیر نظر عالم ترین، محبوب ترین، با تقوی ترین فردی که با تحقیق انتخاب شده، یعنی فقیه عادل مصرف می شود، بر خلاف مالیات که چنین شرطی در آن نیست و لذا گاهی غیر عادلانه هزینه می شود. به علاوه اتصال طبقه محروم با عالم ربانی زمینه پندپذیری و اطاعت از خدا و رسول است و فقرا و سایر گیرندگان، چون خمس را از دست جانشین امام زمان علیه السلام می گیرند احساس حقارت نمی کنند.

تفاوت چهارم

در خمس و زکات به پرداخت کننده اعتماد می شود، یعنی اولاً خودش حساب مال خود را می کند نه

بازرس و مأمور دولت. ثانیاً کسی را که می خواهد مال خود را به او بدهد انتخاب می کند که کدام مرجع و عالم متّقی تر باشد. ثالثاً از مصرف آن زیر نظر مجتهد عادل آگاه است و می داند در کجا هزینه می شود.

تفاوت پنجم

در خمس و زکات هدفِ گیرنده، رشد و پاک کردن مردم و هدفِ پرداخت کننده قرب به خداست.

خمس را از مازاد مخارج سالانه می گیرند، ولی مالیات از اصل درآمد مردم گرفته می شود.

خمس » راه مقاومت در برابر وسوسه ها

ما باید در برابر وسوسه ها و القائاتی که می شود، جمله امام رضا علیه السلام را فراموش نکنیم که فرمود: خمس وسیله حفظ و تبلیغ مکتب ما و کمک برای بستگان و دوستداران ماست.(1)

و فرمود: «فعلی کلّ من غنم... فعلیه الخمس فان اخرجه فقد ادّی حقّ اللّه ما علیه و تعرض للمزید و حل له باقی ماله و طاب و کان اللّه اقدر علی انجاز ما وعده العباد من المزید و التطهیر من البخل علی ان یغنی نفسه مما فی یدیه من الحرام الّذی بخل فیه بل قد خسر الدنیا والاخره... فاتّقوا اللّه واخرجوا حقّ اللّه مما فی ایدیکم یبارک اللّه لکم فی باقیه و یزکو فانّ اللّه عزّوجلّ الغنی و نحن الفقراء و قال

اللّه: «لن ینال اللّه لحومها ولا دمائها و لکن یناله التّقوی منکم»(2) فلا تدعوا التقرّب الی اللّه بالقلیل والکثیر علی حسب الامکان و بادروا بذلک الحوادث واحذروا عواقب التسویف فیها فانما هلک من هلک من الامم السابقه بذلک»(3)، اگر خمس بدهید حق خدا را داده و باقی مال برای شما حلال می شود و در معرض اضافه شدن قرار می گیرید و خداوند بر انجام وعده ی لطفی که به پرداخت کننده داده از هر کس تواناتر

است، ایمان و توکل بر وعده های الهی از تکیه بر مال حرامی که در دست دارد و بخل می کند بهتر است



---

1- 75) وسائل، ج 9، ص 538 .
2- 76) سوره حج، آیه 37.
3- 77) مستدرک الوسائل، ج 7، ص 279 .

زیرا او با نپرداختن خمس، خسارت دنیا و آخرت را برای خود کسب کرده است. پس، از خداوند پروا کنید و از آنچه در دست دارید، حق خدا را بپردازید تا خداوند در باقی مال شما برکت دهد و شما تزکیه شوید. (و بدانید که) خداوند بی نیاز و ما فقیر هستیم. قرآن (به کسانی که قربانی می کنند،) می فرماید: خداوند از گوشت و خون

حیوانات قربانی سهمی نمی برد، ولی شما با این عمل روحیه تقوی و قرب خودتان را به او نشان می دهید پس خود را از قرب به خدا محروم نکنید خواه کم باشد یا زیاد و بدینوسیله حوادث تلخ را از خود دور کنید و از عواقب سوء تأخیر بترسید (و بدانید) دلیل هلاکت امت های سابق همین تأخیرها بوده است.

# خمس » موارد ومصارف خمس- خمس برای کیست؟

در آیه 41 سوره انفال موارد خمس چنین بیان شده است: «واعلموا انّما غنمتم من شی ء فانّ لِلّه خُمُسَه و للرسول و لذی القربی» بدانید هر چه را که بدست آوردید پس قطعاً یک پنجم آن برای خدا و رسول و ذی القربی است.

از امام رضا علیه السلام درباره این آیه سؤال شد که سهم خدا را به چه کسی بدهیم؟ فرمود: سهم خدا، به رسول خدا می رسد و هر چه برای رسول خداست برای امام است.(1)

ناگفته پیداست که سهم خدا و رسول و امام، امروزه باید در راه معرّفی مکتب و احکام آن و عزّت و نجات پیروان آن صرف شود.

## خمس » سهم پیامبر و امام برای شخصیّت حقوقی آنان

اموالی که به عنوان خمس در اختیار پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش علیهم السلام قرار می گیرد، جزو اموال شخصی آنان نیست که بعد از شهادت یا رحلت به وارثانشان منتقل شود، بلکه در اختیار مقام رسالت و امامت و جایگاه حقوقی آنان است، البتّه این منافاتی ندارد که آنان برای اداره زندگی خودشان به مقدار متعارف از آن استفاده کنند. دلیل ما مواردی است از جمله:

1- از امام هادی علیه السلام پرسیدند: گاهی چیزی می آورند و می گویند: این برای امام جواد علیه السلام است که نزد ما مانده، آن را چه کنیم؟ حضرت فرمود: «ما کان لابی بسبب الامامه فهو لی و ما کان غیر ذلک فهو میراث علی کتاب اللّه و سنّه نبیّه»(2)،



---

1- 78) وسائل، ج 9، ص 512 .
2- 79) وسائل، ج 9، ص 537.

هر چه را که به عنوان امامت برای پدرم آورده اند باید به امام بعدی (یعنی من) تحویل دهید ولی اگر به عنوان امامت نباشد، طبق قانون قرآن و سنّت پیامبر میان

وارثان (همسر و سایر فرزندان) تقسیم کنید.

2- رسول خدا صلی الله علیه وآله که الگوی سادگی و زهد بود، چگونه ممکن است یک پنجم تمام سودها صرف زندگی شخصی او شود. آری، سهم رسول برای صرف کردن در راه و اهداف رسالت است.

3- چگونه پیامبری که می فرماید: من اجر و مزدی از شما نمی خواهم، بخش قابل توجّهی از درآمد مردم را برای خودش اختصاص می دهد؟

4- همان گونه که سهم خداوند برای آن است که در راه حاکمیّت قانون الهی هزینه شود، سهم رسول خدا و امام نیز باید صرف پاسداری از مکتب رسالت و امامت شود.

5 - با اینکه در روایات اسلامی به ما سفارش کرده اند از عالمی که تمایلات مادّی بر او چیره شده دوری کنید، پس چگونه سهم عظیمی از درآمدها برای زندگی شخصی رسول و امام در نظر گرفته شده باشد.

6- پیش شرط مقاماتی که خداوند به اولیای خود می دهد، زهد در دنیاست وگرنه خداوند آن مقامات را به آنان عطا نمی کند. در دعای ندبه می خوانیم: «و شرطتَ علیهم الزهد فی درجات هذه الدنیا الدنیّه و زخرفها و زبرجها فشرطوا لک ذلک و علمتَ منهم الوفاء به فقبلتهم و قرّبتهم و قدّمتَ لهم الذّکر العلیّ والثناء الجلیّ»، خدایا! تو با اولیای خود شرط کردی که در دنیا زاهد باشند و آنان آن شرط را پذیرفتند و تو

به وفاداری آنان علم داشتی و به همین دلیل به آنان توجّه و عنایت مخصوص نمودی.

## خمس » ذی القربی کیست؟

بر اساس آیه خمس، بخشی از خمس برای خدا و رسول و بخشی برای ذی القربی است، که مراد از آن، امام معصوم است، زیرا:

1- در روایات بسیاری از شیعه و بعضی از اهل سنّت می خوانیم که مراد از ذی القربی در آیه خمس، امام معصوم از اهل بیت پیامبر است که مقام رهبری جامعه را دارد و خمس برای مقام رهبری اوست.(1)

2- کسی که نامش در کنار نام خدا و رسول آمده است باید مقام و فکر و راه و هدفش در کنار خدا و رسول باشد. «فانّ للّه خُمُسه و للرسول ولذی القربی» چنانکه در آیه «اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم»(2) نیز ما این عقیده را داریم که آنکه نامش در



---

1- 80) تفسیر نور، ج 4، ص 327.
2- 81) سوره نساء، آیه 59 .

کنار خدا و رسول مطرح و اطاعت بی قید و شرطش در کنار اطاعت خدا و رسول واجب شده جز معصوم نمی تواند باشد.

3- کلمه «ذی القربی» مفرد است و در هر زمان تنها به یک نفر از خاندان رسالت این سهم می رسد. آری، اگر به جای ذی القربی، ذوی القربی بود معنای جمعی داشت که باید خمس به همه بستگان پیامبراکرم برسد.

4- کلمه «قربی» صیغه مبالغه و در موردی بکار می رود که نزدیک ترین نزدیکی را داشته باشد و نزدیک ترین فرد به پیامبر از نظر وراثت و نسبت و تربیت، حضرت فاطمه وعلی وفرزندان معصومشان علیهم السلام است. امّا خلفای بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خمس را از بنی هاشم منع و آن را به بیت المال اضافه کردند و زکات هم که برای بنی هاشم حرام بود، در نتیجه برای خاندان رسالت نه خمس ماند و نه زکات و

امروزه در کتب فقهای اهل سنّت عنوانی به نام خمس مطرح نیست.(1)

کوتاه سخن آنکه در آیه 41 سوره انفال برای خمس شش مصرف نام برده شده که برای سه مصرف اول، حرفِ لامِ ملکیّت آمده است، «للّه خمسه وللرسول ولذی القربی» امّا برای سه مصرف دوم، یعنی یتیمان، مساکین و در راه ماندگان، حرف لام نیامده است، «والیتامی والمساکین وابن السبیل» و شاید این رمز آن باشد که این سه گروه از شاخه ها و فروعات همان ذی القربی (اهل بیت) باشند نه آنکه مستقل و دسته ای جدا باشند.(2) و

در روایاتی این معنا تأیید می شود، چنانکه امام سجاد علیه السلام فرمود: مراد، یتیمان و مساکین وابن السبیل از خاندان ماست.(3)

سؤال:

آیا پرداخت نیمی از خمس به یتیمان و مساکین و در راه ماندگان سادات، تبعیض خویشاوندی و امتیاز نژادی نیست؟

پاسخ:

1- اولاً خمس برای سادات فقیر است و هر کدام بالفعل یا بالقوه توان کار کردن دارند باید کار کنند و حق گرفتن خمس را ندارند.

ثانیاً: تنها به مقدار رفع نیاز، داده می شود، آن هم نیاز یکسال نه بیشتر. «ما یستغنون به فی سنّتهم»(4)

ص: 24

---

1- 82) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 4.
2- 83) کتاب خمس آیه اللّه فقیه امامی، از زبدهالمقال.
3- 84) وسائل، ج 9، ص 518 .
4- 85) وسائل، ج 9، ص 520 .

ثالثاً: استفاده از صندوق خمس به خاطر آن است که سادات فقیر از صندوق زکات محرومند، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «لما حرم علینا الصدقه انزل لنا الخمس»(1)

بنابراین تمام خمس برای سادات نیست، بلکه نیمی از خمس، آنه هم برای سادات فقیر است، آن هم به اندازه یک سال، و مازاد خمس در اختیار حاکم اسلامی است. البتّه اگر نصف خمس، سادات فقیر را بی نیاز نکرد حاکم اسلامی می تواند از سایر اموال و اختیاراتی که دارد آنان را سیر کند.(2) همان گونه که اگر مقدار زکات بیش از نیاز فقرا بود، در اختیار والی قرار می گیرد و به خزانه بر می گردد، امّا اگر زکات کم آمد

والی باید از منابع دیگری که در اختیار دارد فقراء را سیر کند.(3) آنچه مهم است این است که در حکومت اسلامی گرسنه نباید وجود داشته باشد، لکن گرسنگان خاندان رسالت از صندوق خمس و سایر گرسنگان از صندوق زکات تأمین می شوند و هر صندوقی زیاد آورد باید به خزانه بر گردد و هر صندوقی کم آورد از سایر منابع جبران شود.

2- زکات از اموال عمومی و خمس از بودجه های حکومتی است و این خود یک سیاست بسیار عالی است که رسول اکرم صلی الله علیه وآله خواسته تا دست بستگانش را از اموال عمومی (زکات) دور نگه دارد تا نگویند پیامبر اسلام خویشان خود را بر اموال عمومی حاکم کرد و اگر فقیری از بستگان حضرت بود حاکم معصوم یا عادل به قدر رفع نیاز، مشکل او را حل کند.

3- نتیجه جدا شدن صندوق زکات از صندوق خمس، جدا شدن سادات و بستگان پیامبر از دیگران است تا نسب پیامبر در جامعه محو نشود.

4- شناخته شدن سادات رمز احترام بیشتر مردم به آنان و این سبب قرب مردم به رسول اللّه صلی الله علیه وآله است زیرا که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «المکرم لذریّتی من بعدی والقاضی لهم حوائجهم والساعی لهم فی امورهم والمحبّ لهم بقلبه و لسانه»(4)، من کسانی را که بعد از من ذریه مرا تکریم کنند یا حوائج آنان را بر آورند یا در رفع مشکلات آنان تلاش نمایند یا آنان را با قلب و زبان دوست دارند،

شفاعت می کنم.

5 - راستی اگر ما به ذریّه ی فقیر پیامبری که ما را از شرک به توحید و از توحّش به تمّدن فرا خواند، از صندوقی خصوصی، غیر از صندوق فقرا عادّی کمکی کنیم تبعیض است؟ تبعیض آن است که ما میان دو فرد یا دو گروه یکسان، دو گونه عمل کنیم. امّا آیا احترام استاد با غیر استاد یکسان است، این تفاوت است و هر تفاوتی بی عدالتی نیست.



---

1- 86) وسائل، ج 9، ص 483.
2- 87) وسائل، ج 9، ص 520 .
3- 88) وسائل، ج 9، ص 226.
4- 89) بحار، ج 8، ص 49.

انگشتان دست با هم تفاوت دارند ولی این تفاوت حکیمانه است. در حدیث می خوانیم: دلیل آنکه فقرای خاندان رسالت از صندوق خمس استفاده می کنند برای وابستگی آنان به پیامبر است و تکریم نسل او تکریم او به حساب می آید.(1)

گروهی از امام رضا علیه السلام حلال کردن خمس را درخواست کردند، امام فرمود: «ما امحل هذا تمحضّونا المودّه بالسنتکم و تزوون عنّا حقّنا جعله اللّه لنا و جعلنا له و هوالخمس»(2)، چه مردمی که با زبان اظهار علاقه می کنند، ولی خمس که حق ماست نمی پردازند.

بنابراین اگر شنیده اید که امامی در زمانی خمس را بخشیده دلیل خاصی داشته است. زیرا کنیزانی که از جنگ ها نصیب مسلمانان می شد، جزو غنائم بود و اگر خمس آنان پرداخت نمی شد آمیزش با آنان نامشروع و نسل مؤمن، نااهل می شد، یا رساندن خمس به اهل بیت پیامبرعلیهم السلام سبب گرفتار شدن شیعه به دست حکام بنی عباس می شد، لذا برخی امامان می فرمودند: ما خمس را بخشیدیم تا جان شما سالم و نسل شما پاک

بماند.

امّا این امر در یک دوره کوتاه بود و به طور طبیعی امامان معصوم وکلائی در مناطق مختلف داشتند که یکی از وظائف آنان گرفتن خمس از مردم و فرستادن برای آن بزرگواران بود.

16- خمس مربوط به چه چیزهایی است؟

خمس » خمس مربوط به چه چیزهایی است؟

در آیه 41 سوره انفال خواندیم: «واعلموا انّما غنمتم من شی ء...»، هرگونه غنیمتی که بدست آورید خمس آن را بپردازید.

در اینکه مراد از غنیمت چیست، دو نظریه مطرح است: یکی نظر فقهای شیعه که می گویند غنیمت شامل هرگونه کسب و درآمد می شود و خمس بر هرگونه درآمدی است و دیگری نظر مفسرین و فقهای اهل سنّت که می گویند: خمس تنها در غنائم جنگی است و به همین دلیل مسئله خمس را در کتاب جهاد مطرح کرده اند.

دلیل اهل سنّت چند مطلب است:

1- آیه در جنگ بدر نازل شده و مراد از غنیمت، غنائم جنگی است.

پاسخ: اگر منظور از «غنمتم» تنها غنائم جنگی بود، می بایست بگوید: «غنمتم من الحرب» نه آنکه بگوید: «غنمتم من شی ء»

به علاوه اگر بخواهیم به مورد نزول آیه که جنگ است توجّه کنیم و بگوییم مراد از غنیمت، غنائم جنگی است، پس باید خمس، تنها در غنائم جنگ بدر باشد، نه دیگر جنگ ها، در حالی که هیچ کس حکم خمس را مخصوص جنگ بدر ندانسته است.



---

1- 90) وسائل، ج 9، ص 513 .
2- 91) کافی، ج 1، ص 548.

در قرآن نمونه های زیادی داریم که به مناسبت خاصی قانونی صادر شده، امّا آن قانون در همه جا جاری می گردد. مثلاً قرآن در مورد شیر دادن دایه می فرماید: «لا تکلّف نفس الا وسعها»(1) یعنی جز به مقدار توان به کسی تکلیف نمی شود. لکن این موضوع به صورت یک اصل و قانون کلی در همه جا ملاک و معیار قرار می گیرد، به گونه ای که شرط هر تکلیفی قدرت بر انجام آن است. راستی اگر بنا باشد آیات قرآن تنها در موارد

نزولش مصداق داشته باشد هرگز کتابی جاودان و جهانی برای همه نسل ها و عصرها نخواهد بود، بلکه کتاب تاریخی خواهد شد که زمان مصرفش گذشته است.

خمس » سنّت پیامبر در کنار کتاب خدا

بر فرض که این آیه مربوط به خمس غنائم جنگی باشد، ما از روایات، خمس سایر موارد را به دست می آوریم. زیرا قرآن می فرماید: «ما اتاکم الرّسول فخذوه»(2) هر چه را پیامبر برای شما آورد بگیرید و عمل کنید. بنابراین سند ما تنها قرآن نیست، بلکه سنّت رسول خدا نیز هست. مثلاً در قرآن آمده که طواف واجب است، امّا تعداد طواف در قرآن نیامده و ما آن را از حدیث فرا می گیریم. در قرآن فرمان به اقامه نماز صادر

شده، امّا تعداد رکعات در قرآن نیامده که ما آن را از سخنان پیامبر به دست آورده ایم.هیچ مانعی ندارد که خمس غنائم جنگی در قرآن و خمس سایر درآمدها در روایات مطرح شده باشد.

همان گونه که اهل سنّت بخاطر روایات، در سود گنج و معدن، خمس را واجب می دانند. در حدیث می خوانیم که امام صادق علیه السلام در ذیل آیه خمس فرمودند: «هی واللّه الافاده یوماً بیوم»(3) سوگند به خدا که مراد آیه، خمس درآمدهای روزمرّه مردم است.

2- گاهی می گویند: غنیمت در لغت، تنها غنائم جنگی است.

در حالی که در لغت غنیمت در برابر غرامت است و همان گونه که غرامت به هر نوع ضرر گفته می شود، غنیمت نیز به هر نوع درآمد گفته می شود. چنانکه در بعضی آیات قرآن، مراد از غنائم هر نوع درآمدی است.(4) به علاوه ما در تفسیر قرآن باید به همتای قرآن که اهل بیت پیامبرند مراجعه کنیم که می فرمایند هر نوع درآمدی غنیمت است. چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: «الهَمّ نصف الهرم والسّلام نصف الغنیمه»(5) غم و

اندوه نیمی از پیری و سلامتی نیمی از درآمد است.

3- گاهی می گویند: اگر خمس بر هر درآمدی واجب است پس چرا خلفا و سلاطین آن را نمی گرفتند؟

1- 92) سوره بقره، آیه 233.
2- 93) سوره حشر، آیه 7.
3- 94) تهذیب، ج 1، ص 390.
4- 95) نظیر آیات 15، 18 و 19 سوره فتح.
5- 96) بحار، ج 78، ص 93.

در پاسخ باید گفت: حجّت ما کلام خدا و سنّت رسول اوست و ما هیچ دلیلی نداریم که رفتار دیگران برای ما ملاک باشد.

اگر در تاریخ خلفا نشانی از گرفتن خمس نیست، امّا در تاریخ رسول خدا و ائمه اهل بیت نشانه های فراوانی از خمس هست. در نامه هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به قبائل و سران می نوشتند سخن از خمس است در حالی که در آن مناطق جنگی نبود که بگوئیم مراد خمس غنائم جنگی است.(1)

4- گاهی می گویند: اگر هر درآمدی خمس دارد، چرا کلمه «غنمتم» بکار رفت که افکار به سوی درآمدهای جنگی معطوف شود؟

پاسخ آن است که چون جایگاه نزول آیه جنگ بود باید تعبیری بکار رود که مورد نزول را به طور شفاف روشن کند.

خمس » دیدگاه شیعه

امّا از دیدگاه شیعه، به جز فعالیّت کشاورزی و دامداری که مشمول زکات می باشد، هرگونه فعالیّتِ درآمدزا، چه روی زمین، همچون استخراج معدن و کشف گنج و چه در دریا، همچون صید و غواصّی و چه فعالیّت های تجاری، خدماتی، صنعتی، آموزشی، درمانی، در سطوح کلان یا خرد، مشمول خمس می باشد و روایات بسیاری در این موارد وارد شده که فقهای بزرگوار بر اساس آنها، مسائل مربوطه را به تفصیل در رساله های

عملیّه بیان کرده اند.

به نمونه ای از روایات در این باره توجّه کنید:

از امام رضاعلیه السلام درباره خمس سؤال شد، حضرت فرمودند: «فی کلّ ما افاد الناس من قلیل او کثیر»(2)، در هر چیزی که مردم سود ببرند کم باشد یا زیاد، خمس واجب است.

امام جواد نیز می فرمایند: «الخمس بعد المؤنه»(3)، هزینه یک سال را به حساب آورید و اگر زیاد آمد، خمسِ همان مقدار زائد را بپردازید.

در خاتمه این بحث، حدیثی را نقل می کنیم که شخصی نزد حضرت علی علیه السلام آمد و گفت: من اموالی دارم که حلال و حرام آن به هم مخلوط شده است، امام فرمود: اگر صاحب اموال را می شناسی به خود آنان رد کن وگرنه یک پنجم آن را بپرداز تا باقی برای تو حلال می شود.(4)



---

1- 97) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 100 و 105.
2- 98) وافی، ج 10، ص 309.
3- 99) وسائل، ج 9، ص 500.
4- 100) وسائل، ج 9، ص 506 .

خمس » گیرنده خمس در زمان غیبت کیست؟

آیه 41 سوره انفال برای مصرف خمس شش مورد تعیین کرده است که سه مورد آن خدا و رسول و اهل بیت پیامبرند. ما در بحث های گذشته گفتیم حق خداوند به رسول داده می شود، آن هم نه برای زندگی شخصی، بلکه برای مقام رسالت و امامت و برای تبلیغ دین و عزّت اسلام.

ناگفته پیداست که اهداف الهی و نبوی برای زمان خاصی نیست و چون اهداف ابدی است نیاز به بودجه ابدی دارد. در این زمان که دست ما به پیامبر و امام نمی رسد سهم آنان را باید به کسانی بدهیم که نزدیک ترین افراد به پیامبر و امام باشند، علم و فکر، اعتقاد، زهد، شجاعت، بصیرت و تقوای آنان شبیه پیامبر و امام باشد، از علوم آنان بهره وافر داشته و اگر معصوم نیستند از حد اعلای عدالت برخوردار باشند.

در روایات برای فقهای متّقی تعبیراتی به چشم می خورد از جمله:

دژهای اسلام، اُمنای اسلام، وارثان انبیا، اُمنای پیامبران، کفیلان ایتام اهل بیت علیهم السلام(1) و کسانی که مجاری امور و احکام را در دست دارند و امین بر حلال و حرام هستند این تعبیرات ما را راهنمائی می کند که در این زمان حق خدا و رسول و امام را به این افراد که جانشینان پیامبرند بدهیم و آنان در راه تقویت عقائد و توسعه فرهنگ دینی و تبلیغ و ارشاد و عزّت اسلام و مسلمین و مصالح آنان صرف

نمایند.

امام هادی علیه السلام می فرماید: «لولا من یبقی بعد غیبه قائمناعلیه السلام من العلماء الداعین الیه و الدّالین علیه والذابّین عن دینه بحجج اللّه و المنقذین لضعفاء عباد اللّه من شباک ابلیس و مردته و من فخاخ النواصب لما بقی احد الا ارتد عن دین اللّه و لکنّهم الّذین یمسّکون ازمّه قلوب ضعفاء الشیعه کما یمسک صاحب السفینه سکّانها اولئک هم الافضلون عنداللّه عزّوجلّ»(2)

اگر فقهای با تقوی، مرزبان افکار و عقاید دینی مردم نبودند، شبکه های ابلیسی مردم را از دین خدا دور می کردند. این علما در عصر غیبت قائم

ماعلیه السلام همچون ناخدای کشتی محافظ مسلمانان آسیب پذیرند. در پایان امام هادی علیه السلام فرمود: این افراد نزد خدا با فضیلت ترینند.

ص: 29

---

1- 101) کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 740 به نقل از عوائد نراقی، وسائل و مستدرک الوسائل، ابواب صفات قاضی.
2- 102) بحار، ج 2، ص 60.

خمس » امتیازات پرداخت خمس به فقیه جامع الشرائط

1- خمس، حقّ حاکم شرع است، قهراً باید به حاکم اسلامی، فقیه عادلی داده شود که امور دین و دنیا بدست اوست.

2- فقیه در دین، به حکم خدا و سنّت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش در مورد مصرف خمس آگاه تر است.

3- از آنجا که عدالت و دوری از هوس شرط مرجع تقلید است، از ولخرجی و اسراف مصونیّت دارد.

4- فقیه، ضرورت ها و نیازهای دینی جامعه را بهتر می داند.

5 - تمرکز وجوهات نزد فقیه جامع الشرائط قدرت و عزّت و نفوذ کلام و استقلال او را در برابر طاغوت ها بیشتر می کند.

6- وحدت رویّه و امکان برنامه ریزی و جلوگیری از تشتّت ،از دیگر برکات جمع شدن خمس در یک جاست. آری مدیریّت واحد، برنامه ریزی واحد و تصمیم واحد، مانع کارهای تکراری و سوء استفاده افراد نااهل می شود.

7- در دنیایی که ما زندگی می کنیم، کشورهایی که اختلاف نژادی، زبانی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، صنعتی و جمعیّتی دارند، هم پیمان می شوند تا در منافع و خطرات حامی یکدیگر باشند و امروزه از دهکده جهانی سخن می گویند.

آیا در این شرائط هر برنامه و سیاستی که مسلمین و توان رزمی و اقتصادی آنان را متحد کند بهتر نیست؟ مگر امام رضاعلیه السلام نفرمود: «عوننا علی دیننا»(1)، خمس پشتوانه مکتب ماست. آیا لازمه چنین امری تمرکز بودجه نزد فقیه جامع الشرائط نیست؟

8 - در اسلام حل مسئله فقر به عهده حاکم اسلامی است. در روایات می خوانیم: حاکم باید فقرا را بی نیاز کند به گونه ای که اگر زکات کافی نبود، والی باید از بودجه های دیگری که در اختیار دارد مسئله فقر را حل کند. «و ان نقص او عجز عن استغنائهم کان علی الوالی ان ینفق من عنده بقدر ما یستعفون»(2)

بنابراین باید حقّ اللّه (خمس و زکات و...) بدست او باشد تا بتواند به وظیفه خود عمل کند.

9- در سیره پیامبر اسلام و اهل بیت معصومش، خمس به صورت متمرکز جمع آوری شده است.

در موارد متعددی می بینیم که آنان افرادی را در مناطق منصوب و مسئول جمع آوری خمس و متمرکز کردن آن نزد خود می کردند تا طبق کتاب خدا و سنّت نبوی در جای خود مصرف نمایند.

مثلاً در فرمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به عمربن حزم می خوانیم که او مأمور گرفتن خمس مردم بود. «امره ان یأخذ من الغنائم خمس اللّه»(3)



---

1- 103) وافی، ج 10، ص 334.
2- 104) وسائل، ج 9، ص 530 .
3- 105) کتاب خمس آیهاللّه نوری همدانی، ص 107.

از توصیه هائی که به سلمان و ابوذر و مقداد شد این بود که خمس مردم باید نزد حاکم اسلامی فرستاده شود. «و اخراج الخمس من کل ما یملکه احد من الناس حتّی یرفعه الی ولی المؤمنین و امیرهم»(1)

در ماجرای فدک نیز به مسئله گرفتن خمس اشاره شده است. «واخذ منهم اخماسهم»(2)

در تاریخ می خوانیم که رسول خدا گاهی افرادی را که برای گرفتن خمس منصوب کرده بود احضار می فرمود.(3)

در مسند احمد بن حنبل آمده که حضرت علی علیه السلام به عنوان مأمور گرفتن خمس از غنائم جنگی فرستاده شد.(4)

10- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر اشخاص ابتکار و طرحی دارند که برای تبلیغ و ارشاد و یا هر امری که برای عزّت اسلام و مسلمین مفید است به همان مرکز رجوع می کنند، چون می دانند قدرت مالی در کجاست، با نشاط و امید طرح خود را مطرح می کنند و اگر برنامه ریزی و مدیریّت صحیحی در کار باشد طرح را بررسی و اجرا می کند، ولی اگر حق اللّه در میان صدها و هزاران نفر پخش شد طرح ها در ذهن ها کور و

مبتکران متحیر و ناامید می شوند.

11- از برکات دیگر تمرکز آن است که گیرندگان حقّ اللّه می دانند به کجا مراجعه کنند و نزد هر کس گردن خم نمی کنند و آبروی خود را نمی ریزند.

12- از برکات دیگر تمرکز آن است که اگر حقّ اللّه نزد مجتهد جامع الشرائط و حاکم عادل اسلامی جمع شد، تمام محرومانی که از آن بهره مند می شوند به آن مرجع وابسته و در راه اهداف والای آن مجتهد عادل جان فشانی می کنند و ناگفته پیداست که او بخاطر عدالت مردم را فدای هوسهای خود نمی کند زیرا که اگر مجتهد و حاکم عادل به سراغ گناه و هوسهای نامشروع خود رود بدون آنکه کسی او را عزل کند خود به خود عزل

می شود.

البتّه تمرکز خمس به معنای محروم کردن و خالی گذاشتن دست دیگران نیست، بلکه افراد زیادی که مورد اعتماد و متّقی هستند، می توانند به نمایندگی از مقام مرجعیّت و ولایت، حقّ گرفتن و هزینه کردن خمس را در مواردی که قرآن فرموده داشته باشند. همان گونه که در سیره ائمه



---

1- 106) وسائل، ج 9، ص 553 .
2- 107) بحار، ج 29، ص 117.
3- 108) کتاب خمس آیهاللّه نوری همدانی، ص 110.
4- 109) ما این بخش را از کتاب خمس آیه اللّه نوری همدانی، ص 88 تا 110 و آیه اللّه حسن فقیه ایمانی ص 82 تا 90 استفاده کرده ایم.

اهل بیت علیهم السلام مشاهده می کنیم نمایندگانی که در بلاد اسلامی منصوب می شدند چنین می کردند.

خمس » چگونگی تقسیم خمس

از امام رضا علیه السلام درباره نحوه ی تقسیم خمس سؤال شد که اگر عدد یکی از اصناف شش گانه، بیشتر بود، چه باید کرد؟ حضرت فرمود: تقسیم آن مربوط به نظر امام است، همان گونه که رسول اللّه صلی الله علیه وآله آن گونه که صلاح می دانست خمس را عطا می فرمود.(1)

در حدیث دیگری می خوانیم که اگر مشاهده کردید امام معصوم تمام بیت المال را به یک نفر داد، نباید در قلب شما چیزی خطور کند، زیرا کار معصوم به امر پروردگار است، (نه سلیقه شخصی.)(2)

نکته: هر دستوری سه حالت می تواند داشته باشد:

1- ضد عقل.

2- طبق عقل.

3- فوق عقل.

در اسلام هرگز دستوری ضد عقل نیست (البتّه عقل سلیم، نه آنچه زاییده خیال ها، پندارها، اطلاعات محدود، عادات و رسوم و حدسیّات است). امّا لازم هم نیست تمام دستورات دین طبق عقل ما باشد، بلکه ممکن است بعضی از فرمان ها فوق عقل باشد.

اکنون که این مطلب را می نویسم، در هواپیما نشسته ام. این هواپیما گاهی برفراز ابرها و گاهی لابه لای ابرها حرکت می کند. اگر یک قرن قبل می گفتند: انسان می تواند بر ورق های آهن سوار



---

1- 110) وسائل، ج 9، ص 519 .
2- 111) وسائل، ج 9، ص 520 .

شده و در آسمانها پرواز کند، برای مردم آن زمان، باور کردنی نبود و آن را ضد عقل می پنداشتند، ولی آیا این دستور ضد عقل است؟

علمای قدیم وقتی به این آیه می رسیدند: «و کایّن من آیه فی السموات و الارض یمرّون علیها و هم عنها معرضون»(1) چه بسیار نشانه های الهی در آسمان ها که مردم بر آن مرور می کنند در حالی که از آن غافل و اعراض کننده هستند؛ چون هواپیما و امثال آن نبود، در فهمِ (مرور بر آسمان ها) «یمرّون علیها» می ماندند و می گفتند: مراد از مرور، نگاه کردن به آیات آسمانی است، همان گونه که وقتی می گوئیم کتاب را

مرور کردم یعنی نگاه کردم، ولی امروزه ما به راحتی شاهد مرور بر آیات آسمانی هستیم.

بنابراین ما نباید هر چه را که نمی فهمیم ضد عقل بدانیم، بلکه بسیاری از مسایل که در دید ساده ما ناشدنی است، از نظر عقل، مانعی برای شدنش نیست.

قرآن در ماجرای حضرت موسی و خضر چند صحنه نقل می کند که تمام آنها در دید حضرت موسی غیر منطقی بود ولی خضر برای کار خود دلیل و استدلال داشت. اولیای خدا به خصوص آنان که معصومند، کاری را بدون اذن الهی انجام نمی دهند، گرچه ما برای کار آنها توجیهی نداشته باشیم.

خمس » مقدار پرداخت

در روایات می خوانیم: نیمی از خمس که برای یتیمان و مساکین و در راه ماندگان است، طبق کتاب خدا و سنّت پیامبر تقسیم می شود و مقدار آن باید در حدّی باشد که تا یکسال این افراد بی نیاز باشند. «ما یستغنون به فی سنّتهم»

در روایت دیگری می خوانیم: تقسیم خمس می تواند در حدّی باشد که گیرندگان را علاوه بر کفاف، توسعه هم بدهد.(2)

خمس » آداب پرداخت

آداب پرداخت خمس شبیه آداب پرداخت زکات است، ولی چون خمس حقّ رسول خدا و امام است، و به تعبیر روایات پولی است که برای کمک به راه خدا، دین خدا و عزّت اولیای خدا قرار داده شده، باید در پرداخت آن کرامت بیشتری از خود نشان داد و به نکات ذیل توجّه نمود:

1- بدانیم که مال از خداوند است، «مال اللّه»(3)، و به ما روزی کرده است، «رزقکم اللّه»(4)، پس بخشی از آن را به راحتی برای خدا بدهیم. آری، اگر کسی مال و ثروت را نتیجه تدبیر و قدرت و تخصّص خود بداند، تفکّر قارونی دارد. او بود که می گفت: سرمایه من محصول علم و تخصّص من است.«انّما اوتیتُه علی علم عندی»(5)



---

1- 112) سوره یوسف، آیه 105.
2- 113) وسائل، ج 9، ص 521 .
3- 114) سوره نور، آیه 33.
4- 115) سوره یس، آیه 47.
5- 116) سوره قصص، آیه 78.

2- گمان نکنیم که خدا و رسول محتاج ما هستند. امام صادق علیه السلام می فرمود: من از گرفتن خمس شما هدفی جز پاک کردن شما و مالتان ندارم. «ما ارید بذلک الا ان تطهروا»(1)

و در حدیثی دیگر فرمود: «مَن زَعم ان الامام یحتاج الی ما فی ایدی الناس فهو کافر و انما الناس یحتاجون ان یقبل منهم الامام»(2) هر کس گمان کند که امام محتاج اوست، کافر است. این مردمند که به قبول کردن امام نیازمندند.

هنگامی که این آیه نازل شد: «مَن ذا الّذی یقرض اللّه قرضاً حسناً»(3) کیست به خدا قرض بدهد؛ بعضی از یهودیان گفتند، خدا فقیر است و ما اغنیاء و به همین دلیل او از ما قرض خواسته است.(4)

حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید: خدایی از شما قرض خواسته که خزائن آسمانها و زمین به دست اوست. بنابراین درخواست قرض الهی یک نوع دعوت به حمایت از مستضعفین و آزمایش مردم است.

3- با اشتیاق و رغبت بپردازیم. قرآن از کسانی که مال خود را با اکراه می پردازند، به شدّت انتقاد کرده و می فرماید: «و لاینفقون الا و هم کارهون»(5)

4- گرفتار غرور نشویم. قرآن از کسانی ستایش می کند که هم با میل و رغبت مال خود را می دهند و در عین حال نگران نپذیرفتن آن نیز هستند. «و الّذین یؤتون ما آتوا و قلوبهم وجله أنّهم الی ربّهم راجعون»(6)

5 - بر گیرنده منّت نگذاریم زیرا که منّت، پاداش پرداخت را از بین می برد.

6- در پرداخت عجله کنیم زیرا عجله در کار خیر یک ارزش است و چه خیری بهتر از حمایت مکتب اهل بیت و کمک به فقرا از ذریّه پیامبر.

7- کار خود را بزرگ نپنداریم، انسان اگر توجّهی به جهان هستی و عظمت قدرت الهی و ضعف های خود کند، هرگز دچار بزرگ بینی خود و کار خود نمی شود. امام سجاد علیه السلام در پاسخ کسانی که به کثرت عبادت او انتقاد داشتند، می فرمود: عبادت من کجا و عبادت جدّم علیّ بن ابیطالب

علیهما السلام کجا؟ و پیامبرصلی الله علیه وآله می فرمود: «ما عبدناک حقّ عبادتک و ما عرفناک حقّ معرفتک»(7)

ص: 34

---

1- 117) وسائل، ج 9، ص 484.
2- 118) کافی، ج 1، ص 537 .
3- 119) سوره بقره، آیه 245.
4- 120) سوره آل عمران، آیه 181.
5- 121) سوره توبه، آیه 54.
6- 122) سوره مؤمنون، آیه 60.
7- 123) بحار، ج 68، ص 23.

8 - هنگام حساب سال، مال خود را با دقّت حساب کنیم. در حدیثی از امام صادق چنین نقل شده است: وای بر کم فروشان که هنگام خمس دادن، از آل محمّد کم می گذارند.(1)

«والحمدللّه ربّ العالمین»

زکات » مقدّمه

«الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین»

«الّذین اِن مَکّنّاهم فی الأرض أقاموا الصّلوه و آتوا الزکاه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و للّه عاقبه الأمور»(2)

«(مؤمنان) کسانی (هستند) که اگر در زمین به آنان قدرت بخشیم، نماز را برپا دارند و زکات دهند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و پایان همه کارها از آن خداست.»

به دنبال سرنگونی حکومت شاهنشاهی، با اراده الهی و به رهبری امام خمینی و پیروی مردم ایران و برقراری نظام جمهوری اسلامی، حرکت های فرهنگی زیادی صورت گرفت. در بدنه نظام، دانشگاه ها، کتابخانه ها، مدرسه ها، مؤسسات تحقیقاتی، انتشارات، روزنامه ها و شبکه های صدا و سیما توسعه یافت و در کنار نظام، رشد حوزه های علمیه، نماز جمعه ها، نماز عیدها، توجّه به قرآن و احکام و مسائل دینی و تشکیل

تشکّل های مذهبی در مدارس و دانشگاه ها و وزارت خانه ها و کارخانه ها و پادگان ها مشهود شد.

امّا با گذشت ده سال از انقلاب اسلامی، مشاهده شد هنوز کارهای واجبِ فرهنگی متعددی انجام نشده است که طیّ نامه ای به رهبر معظم انقلاب فهرست آن کارها را نوشتم. ایشان مرقوم



---

1- 124) بحار، ج 93، ص 189
2- 125) سوره حج، آیه 41.

فرمودند که بنده افراد دلسوزی را پیدا کرده و آن کارها را دنبال نمایم. (دست خط ایشان موجود است.)

یکی از این کارها توجّه ویژه به نماز بود. گرچه مردم نماز را در مساجد برپا می داشتند، ولی اقامه نماز در مدارس، دانشگاه ها، مراکز عمومی، جادّه ها، ظهر تاسوعا و عاشورا، زمین های ورزشی، ادارات و... جلوه ای نداشت.

با لطف خداوند ستاد اقامه نماز تشکلیل شد و هر سال اجلاس باشکوهی در یکی از استان ها با پیام رهبر عزیز انقلاب و حضور رئیس جمهور و برخی وزرا و نمایندگان مجلس و شخصیّت های سیاسی فرهنگی برگزار گردید و مسائل نماز دنبال شد. بیش از صد عنوان کتاب توسط ستاد اقامه نماز درباره نماز منتشر شد، بیش از صد مسجد در جادّه ها ساخته شد، بیش از هزار قطعه شعر سروده شد و بیش از پنجاه هزار نماز جماعت در مدارس

برگزار شد. هزاران جوان، آثار قلمی و هنری خود را درباره نماز ارائه دادند و بیش از ده هزار طلبه جوان در مدارس به اقامه نماز پرداختند.

بعد از نماز به سراغ مسأله امر به معروف و نهی از منکر رفته و در این باره نیز افرادی را به همکاری دعوت کردم و کتاب هایی نوشته شد و کارهای مثبتی انجام گرفت.

پس از آن به سراغ مسأله زکات رفته و کارهایی انجام شد، از جمله: حدود سی سفر به استان ها رفتم و نامه ها و ناله هایی را به ائمه محترم جمعه نوشتم. متأسفانه تا آن موقع کتابی فارسی برای ترویج و تبیین موضوع زکات در جامعه نداشتیم. بعد از آنکه اولین گردهمایی زکات را در استان خوزستان برقرار کردیم، کم کم مسأله زکات مطرح شد و آیه اللّه محسنی گرکانی امام جمعه محترم اراک و دانشمند عزیز آقای دهقان

دو کتاب درباره زکات (این واجب فراموش شده) نوشتند. برادر دانشمند دیگر، جناب آقای مجتبی کلباسی نیز مقالاتی را که در زمینه زکات نوشته شده بود بررسی و جمع آوری کردند و به نام «زکات در اندیشه ها» چاپ و منتشر شد.

امّا با کمال تأسف بعد از بیست و دو سال که از انقلاب اسلامی می گذرد، تنها سه یا چهار جلد کتاب زکات نوشته شده، و زکات از فراموشی بیرون نیامده است. اینجانب با لطف و توفیق الهی چند شب جمعه در برنامه تلویزیونی درسهایی از قرآن مسأله زکات را دنبال کردم و یاداشت هایی در این باره آماده شد. دو نفر از فضلا هم چند روزی از قم به تهران آمده، این یادداشت ها را تکمیل و بازنویسی کردند و این کتاب پیش روی

شما قرار گرفت.

محور کتاب، آیات و روایات و پاسخ به بعضی شبهات درباره زکات است. امیدوارم که مفید واقع شود و ذخیره قبر و قیامت همه ما باشد.

در ده ها سفری که برای زکات داشتم، طرح این بود که ستادهای زکات با ترکیبی از: عالم منطقه، استاندار یا فرماندار یا بخشدار، کمیته امداد، جهاد کشاورزی، تعاونی روستا، شورای استان و افرادی که در میان مردم محبوبیّت دارند تشکیل شود و شیوه کار این گونه باشد که مسأله زکات

طرح و تبلیغ شود و مردم زکات خود را نزد افراد مورد اطمینان جمع آوری کنند و زیر نظر عالم منطقه در همان منطقه و در راه هایی که

قرآن فرموده، هزینه شود.

در بعضی مقرّرات جمهوری اسلامی نیز چنین آمده که اگر مردم منطقه ای، به خصوص روستاها، پولی جمع آوری کردند، دولت نیز به همان اندازه به آن بودجه اضافه کند و در نیازهای مشروع همان منطقه مصرف شود. این حمایت دولت خود می تواند تشویقی برای انجام کار باشد. گرچه مردم مسلمان خود می دانند که انجام تکلیف شرعی و بهره گیری از برکات دنیوی و اخروی زکات نباید مشروط بر حمایت های این و آن باشد. یعنی

حتّی اگر دولت کمک نکرد ما باید به وظیفه خود عمل کنیم.

به هر حال هنوز در آغاز کاریم و از کوتاهی هایی که شده است عذرخواهی می کنیم.

از خداوند عذر می خواهم که چرا مسأله زکات را آن گونه که باید تبلیغ نکردم. اگر ما همان گونه که برای دفاع مقدس تبلیغ کردیم و بر اثر آن مردم جوانان خود را به جبهه ها فرستادند، مسأله زکات را جدّی می گرفتیم، بسیاری از مسلمانان به راحتی زکات مال خود را می پرداختند.

از فقرا و مساکین و همه گرفتارانی که می توانستند مشکلات خود را از طریق زکات حل کنند، عذرخواهی می کنم.

از قرآن که با آن همه عنایت مسأله زکات را تذکر داد و من بی اعتنا بودم، عذرخواهی می کنم.

خداوندا ! من غافل شدم و فکرم را در بسیاری از مسائل غیرواجب صرف کردم، ولی واجبات که جزو ارکان اسلام بود، مورد غفلتم واقع شد.

خدایا ! می توانستم با دعوت از هنرمندان، فیلم ها و سرودهایی درباره چگونگی حل مشکلات مناطق محروم از طریق زکات بسازم ولی غافل شدم. می توانستم به محضر علما بروم و با اصرار از آنان بخواهم که مسأله زکات را از نظر علمی و فقهی مورد بحث و دقت قرار دهند و مسأله زکات را در حوزه های علمی رونق ببخشم ولی غافل شدم.

خدایا ! تو می دانی که اگر مردم به مسأله زکات و خمس عمل می کردند، ما از برکات آسمان و زمین محروم نمی شدیم. به هر حال رسماً استغفار و عذرخواهی می کنم و از خداوند آرزوی جبران غفلت های گذشته و از همه عاشقان برای انجام این امر مهم استمداد می کنم.

محسن قرائتی

ص: 37

زکات » زکات در ادیان پیشین آسمانی

زکات مخصوص اسلام نیست بلکه در ادیان پیشین نیز بوده است.

زکات و نماز از مشترکات همه ادیان آسمانی است.

حضرت عیسی علیه السلام در گهواره به سخن آمد و گفت: «اَوصانی بالصّلوه و الزّکاه»(1) خداوند مرا به نماز و زکات سفارش نموده است.

حضرت موسی علیه السلام خطاب به بنی اسرائیل فرمود: «اقیموا الصّلوه و آتوا الزّکاه»(2) نماز به پا دارید و زکات دهید.

قرآن درباره حضرت اسماعیل علیه السلام می فرماید: «کان یأمر أهله بالصّلوه و الزّکاه»(3) او خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می داد.

درباره عموم پیامبران نیز آمده است:

«و جعلناهم ائمّه یَهدون بأمرنا و أوحینا الیهم فعل الخَیرات و اقام الصّلوه و اِیتاء الزّکاه»(4) آنان به فرمان ما مردم را هدایت می کردند و ما انجام کارهای نیک و به پا داشتن نماز و پرداخت زکات را به آنان وحی کردیم.

بر اساسِ آیه «و ما أُمروا الاّ لیعبدوا اللّه... و یقیموا الصّلوه و یؤتوا الزّکاه و ذلک دینَ القیّمه»(5) نیز، در تمام ادیان آسمانی، قرین و همتای نماز، زکات بوده است.

مرحوم علاّمه طباطبایی در مبحثی پیرامون زکات می فرماید: هر چند قوانین اجتماعی به صورت کاملی که اسلام آورده، سابقه نداشته، لکن اصل آن ابتکار اسلام نبوده است. زیرا فطرت بشر به طور اجمال آن را درمی یافت. لذا در آیین های آسمانی قبل از اسلام و قوانین روم قدیم، جسته و گریخته چیزهایی درباره اداره اجتماع دیده می شود و می توان گفت که هیچ قومی در هیچ عصری نبوده، مگر آن که در آن حقوقی مالی برای

اداره جامعه رعایت می شده است. زیرا جامعه هر جور که بود در قیام و رشدش نیازمند هزینه مالی بوده است.(6)

زکات » زکات در اسلام

واژه زکات سی و دو مرتبه در قرآن کریم آمده است؛ که بر اساس آن.

ص: 38

---

1- 126) سوره مریم، آیه 31.
2- 127) سوره بقره، آیه 43.
3- 128) سوره مریم، آیه 55 .
4- 129) سوره انبیاء، آیه 73.
5- 130) سوره بیّنه، آیه 5 .
6- 131) تفسیر المیزان، ج 9، ص 408.

پرداخت زکات، نشانه ایمان به خدا و روز قیامت است. «مَن آمن باللّه و الیوم الاخر و اقام الصّلوه و آتی الزّکاه...»(1)

راه پذیرش توبه و آمرزش گناهان، اقامه نماز و ادای زکات است. «فان تابوا و اقاموا الصّلوه و آتوا الزّکاه فاخوانکم فی الدّین»(2)

برپایی نماز و زکات، نشانه حکومت صالحان است. «الّذین ان مکّناهم فی الارض اقاموا الصّلوه و آتوا الزّکاه»(3)

نشانه مردان الهی، تجارت و داد و ستد، همراه با انجام نماز و ادای زکات است. «رجال لا تلهیهم تجاره و لا بیع عن ذکر اللّه و اقام الصلوه و ایتاء الزّکاه»(4)

انکار زکات، برابر با کفر است. «الّذین لا یؤتون الزّکاه و هم بالآخره هم کافرون»(5)

در سوره های مکّی فراوانی به مسأله زکات اشاره شده است، از جمله سوره های اعراف آیه 156، نمل آیه 3، لقمان آیه 4، فصّلت آیه 7. برخی مفسّران این آیات را مخصوص زکات مستحب می دانند(6) و برخی دیگر می گویند: حکم زکات در مکه نازل شد، امّا به علت کمی مسلمانان، پول زکات جمع نمی شد و مردم خودشان زکات را می پرداختند.(7) امّا پس از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، مسأله گرفتن زکات و واریز کردن آن به

بیت المال و تمرکز آن توسط حاکم اسلامی با نزول آیه «خُذ من أموالهم صَدقه»(8) مطرح شد.

این آیه در ماه رمضان سال دوم هجری در مدینه نازل شده و پیامبر دستور داد تا ندا دهند که خداوند زکات را همچون نماز واجب ساخت. پس از یک سال نیز فرمان داد که مسلمانان زکاتشان را بپردازند.(9)

در واقع پس از تشکیل حکومت اسلامی و تأسیس بیت المال، زکات تحت برنامه مشخصی قرار گرفت و نصابها و مقدارهای معیّنی برای آن قرار داده شد.(10)

برخی بر این باورند که پس از مأموریّت پیامبر صلی الله علیه وآله به اخذ زکات، مصارف زکات به طور دقیق در آیه 60 سوره توبه بیان گردید و

جای تعجب نیست که تشریع اصل زکات در آیه 103 سوره توبه باشد و ذکر مصارف آن در آیه 60، زیرا می دانیم آیات قرآن به فرمان پیامبر صلی الله علیه وآله هر کدام در محل مناسبی قرار داده شده است.(11)



---

1- 132) سوره توبه، آیه 18.
2- 133) سوره توبه، آیه 11.
3- 134) سوره حج، آیه 41.
4- 135) سوره نور، آیه 37.
5- 136) سوره فصّلت، آیه 7.
6- 137) تفسیر نمونه، ج 8، ص 9.
7- 138) تفسیر نور، ذیل آیه 60 سوره توبه.
8- 139) تفسیر نور، ج 5، ص 87.
9- 140) تفسیر نور، ج 5، ص 137.
10- 141) تفسیر نمونه، ج 14، ص 197.
11- 142) تفسیر نمونه، ج 8، ص 9.

# زکات » تفاوت زکات در اسلام با ادیان دیگر

با بررسی آیات و روایات درمی یابیم که زکات در اسلام مانند زکات در دیگر ادیان الهی نیست که صرفاً یک وصیّت و سفارش اخلاقی و موعظه باشد تا مردم به برّ و نیکی رغبت پیدا کنند و از بخل و امساک بپرهیزند، بلکه فریضه ای الهی است و بی اعتنایی به آن فسق است و منکر آن، کافر محسوب می شود.

در اسلام، موارد و شرایط زکات و کیفیّت ادای آن به طور دقیق مشخص شده و مسئولیّت اخذ آن بر عهده دولت اسلامی است وکسانی که از پرداخت زکات امتناع ورزند، بازخواست می شوند و می توان با متمرّدین آن در صورتی که منجر به انکار ضروری دین گردد، مقابله کرد.(1)

زکات » اهمیّت زکات

علمای اسلام زکات را از ضروریات دین و منکر آن را کافر دانسته اند.

روزی امام صادق علیه السلام آداب و نحوه گرفتن زکات را که در نامه 25 نهج البلاغه نیز آمده است، از قول حضرت علی علیه السلام نقل فرمود. سپس گریه کرد و فرمود: به خدا سوگند حرمت ها را شکستند و به کتاب خدا و سنّت پیامبرش عمل نکردند.(2)

زکات، درمان دردهای اقتصادی جامعه است و همان گونه که اگر برای عضوی از بدن کسی ناراحتی پیش بیاید او را از حرکت می اندازد، در جامعه نیز اگر گروهی با مشکلات روبرو شوند، حرکت آن جامعه فلج می شود و زکات برای حلّ مشکلات جامعه است.

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند به من نعمت هایی داده است که دائماً نگران آن هستم تا حقوقی را که خداوند نسبت به آنها بر من واجب کرده است، پرداخت کنم. سؤال شد: شما نیز با آن مقام بزرگی که دارید به خاطر تأخیر زکات از خدا می ترسید؟ فرمود: بله.(3)



---

1- 143) فقه الزکاه، دکتر یوسف القرضاوی، ج 1، ص 85 - 86 .
2- 144) وافی، ج 10، ص 156.
3- 145) جامع الأحادیث، ج 9، ص 42.

رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کرد که جز مشرک کسی در مورد پرداخت زکات خیانت نمی کند.(1)

و نیز فرمود: یا علی! ده گروه از امت من کافر می شوند که یکی از گروه ها کسانی هستند که زکات نمی پردازند.

در آخرین خطبه خود نیز فرمود:

ای مردم! زکات اموال خود را بپردازید. پس هر کس زکات نپردازد، برای او نه نمازی است و نه حجّی و نه جهادی.(2)

در روایات متعددی زکات به عنوان یکی از پایه های دین اسلام شمرده شده است و فرموده اند: بنای اسلام بر پنج پایه استوار است: نماز، حج، زکات، روزه و ولایت.(3)

در روایات می خوانیم: زکات، نشانه بی نقص بودن و کمال اسلام و ایمان است. «تمام اسلامکم اداء الزّکاه»(4)، «... سبعه من کنّ فیه فقد استکمل حقیقه الایمان... و ادّی الزّکاه ماله»(5)

پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله به حضرت علی علیه السلام فرمود: علامت و نشانه مؤمنان و شیعیان ما سه چیز است: نماز، روزه و زکات.(6)

زکات » معنای زکات

زکات در لغت به معنای رشد و پاکیزگی است. آری دلسوزی برای محرومین و کمک به آنها سبب رشد معنوی انسان و پاک شدن روح از بخل و حرص و تکاثر است.

زکات در اصطلاح فقهی، به معنای پرداخت مقدار معیّنی از مال به محرومان و نیازمندان است.

زکات در قرآن، هم به معناب لغوی آمده است، چنانکه خداوند می فرماید: ما به حضرت یحیی از ناحیه خود رحمت و پاکی بخشیدیم و او فردی پرهیزکار بود. «و حَناناً من لدُنّا و زکاهً و کان تَقیّاً»(7)



---

1- 146) بحار، ج 96، ص 29.
2- 147) مستدرک الوسائل، ج 1، ص 507 .
3- 148) کافی، ج 2، ص 18 و وسائل، ج 1، ص 13.
4- 149) کنزالعمّال، ج 6، ص 96.
5- 150) جامع الأحادیث، ج 9، ص 45.
6- 151) جامع الأحادیث، ج 9، ص 35.
7- 152) سوره مریم، آیه 13.

و هم به معنای اصطلاحی آمده که البتّه معنای عامی دارد و به کمک های واجب و مستحب هر دو گفته می شود.

30- چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

زکات » چه کنیم که مردم خمس و زکات مال خود را بپردازند؟

ابتدا باید به سراغ ریشه های اعتقادی و فکری و فرهنگی رفت:

اگر کسی باور کند مالی که در اختیار اوست، امانت و هدیه خدایی است،

اگر باور کند امتیازی بر دیگران ندارد و همه با هم برادرند،

اگر باور کند ارزش جذب دل محرومان، بیش از ارزش جمع مال است،

اگر باور کند دعای محرومان، مشکل های زندگی او را حل می کند،

اگر باور کند ممکن است فردا خودش یکی از محرومان جامعه باشد،

اگر باور کند که خدا جای آنچه را انفاق می شود، پر می کند،

اگر باور کند انفاق او همچون دانه ای است که تبدیل به خوشه های متعدد و صدها دانه می شود،

اگر باور کند فقیر، کمک مالی او را برای قیامتش حمل می کند،

اگر باور کند سیر شدن فقرا، یک لذّت معنوی و آرامش درونی به همراه دارد،

اگر باور کند کمک امروز او به صورت چهره زیبایی در برزخ مونس او خواهد بود،

اگر باور کند حل مشکل مسلمین، حل مشکل رسول خدا صلی الله علیه وآله است،

اگر باور کند بی تفاوتی نسبت به محرومان جامعه ممکن است سبب انفجار و انقلاب و از دست دادن کل اموال او شود،

اگر به آثار و برکات و پاداش های کمک به دیگران ایمان داشته باشد،

و اگر خطرات بی تفاوتی، کنزاندوزی، بخل و حرص را بداند و با تاریخ ثروتمندان بی تفاوت آشنا شود، خود را برای پرداخت خمس و زکات و انفاق و... آماده می کند.

اگر بدانیم خدایی از ما قرض خواسته و فرموده است: «مَن ذا الّذی یُقرِض اللّه قَرضاً حَسناً»(1) که خزینه های آسمان ها و زمین به دست اوست، خواهیم فهمید که هدف از این قرض در حقیقت شکوفایی روحیه سخاوت و انسان دوستی در انسان است.(2) اگر ما همچون حضرت سلیمان دارایی های خود را از فضل خداوند بدانیم و بگوییم: «هذا من فضل ربّی»(3)، هرگز در پرداخت خمس و زکات مال خود بخل نمی کنیم.

اگر ما نعمت های خداوند را وسیله رفاه و غفلت و سرمستی ندانیم، بلکه همان گونه که قرآن می فرماید: «لیبلونی ءاشکر ام اکفر»(4)



---

1- 153) سوره بقره، آیه 245.
2- 154) نهج البلاغه، خطبه 183.
3- 155) سوره نحل، آیه 40.
4- 156) سوره نحل، آیه 40.

، آنها را وسیله آزمایش خود بدانیم که آیا با بکارگیری صحیح آنها شکر عملی نعمت های خدادادی را به جا می آوریم و یا کفران نعمت می کنیم،

اگر همان گونه که امام رضا علیه السلام فرمود، بدانیم که خداوند مسئولیّت افراد زمین گیر را به عهده متمکنین قرار داده است،

اگر بدانیم هستی ما و فکر و علم و قدرت و ابتکار و توفیقی که داریم، از خداوند است و حتّی در کشاورزی نقش ما تنها بذرافشانی و آبیاری است، امّا جذب آب توسط زمین و شکوفایی بذر در درون آن، جذب نور و هوا، شکفتگی زمین و خروج خوشه ها از خداست و به تعبیر قرآن: «ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون»(1)، هرگز بخل نخواهیم ورزید.

اگر بدانیم دریافت کنندگان کمک های ما در ظاهر فقرا هستند، ولی در واقع خداوند است که صدقات را تحویل می گیرد، «یأخذ الصّدقات»(2)، به راحتی کمک می کنیم و همان گونه که در روایات آمده دست خود را نیز می بوسیم.

اگر بدانیم بی اعتنایی به فقرا ما را به سرنوشت قارون ها گرفتار می کند که خود و خانه و سرمایه اش یک جا به زمین فرو رفتند، «فخسفنا به و بداره»(3) این همه بخل در کار نخواهد بود. قارون می گفت: اموال من از خدا نیست، بلکه به وسیله علم و تخصص و ابتکار و نبوغ خودم، آن را به دست آورده ام. «انّما اُوتیتُه علی علم عندی»(4)

اگر به داستان باغی که سوخت توجّه کنیم، خواهیم دید که چگونه باغ کسانی که تصمیم گرفتند فقرا را از نعمت های الهی محروم کنند، یک جا سوخت. «فاصبَحَت کالصَّریم»(5)

اگر بدانیم بی توجّهی به یتیمان ممکن است سبب یتیم شدن فرزندان خود ما شود.

اگر بدانیم کمک های امروز ما در مواردی دو برابر و در مواردی چند برابر و در مواردی ده برابر و در مواردی هفتصد برابر می شود و به ما برمی گردد، هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر به سخن امام صادق علیه السلام ایمان داشته باشیم که فرمود: خداوند مهم تر از زکات چیزی را بر مردم سخت نگرفته است و بسیاری از

مردم به خاطر نپرداختن آن هلاک شده اند، «ما فرض اللّه علی هذه الامّه شیئاً اشدّ علیهم من الزکاه و فیها تهلک عامتهم»(6) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم آن که ما را از فقر آینده می ترساند، شیطان است: «الشیطان یعدکم الفقر»(7)،



---

1- 157) سوره واقعه، آیه 64.
2- 158) سوره توبه، آیه 104.
3- 159) سوره قصص، آیه 81.
4- 160) سوره قصص، آیه 78.
5- 161) سوره قلم، آیه 20.
6- 162) وافی، ج 10، ص 33.
7- 163) سوره بقره، آیه 268.

هرگز از وسوسه های تهدیدآمیز شیطان نمی ترسیم.

اگر بدانیم ما جانشین خدا هستیم و حیف است تنها به مادیّات راضی باشیم، هرگز به مادیّات دلخوش نمی شویم «أرضیتم بالحیاه الدّنیا»(1)

اگر بدانیم ریشه جمع مال، پندار باطل ابدی بودن آن است، «الّذی جمع مالاً و عدّده یحسب أنّ ماله أخلده»(2)، هرگز از پرداخت خمس و زکات طفره نمی رویم.

اگر بدانیم هر چه بیشتر داشته باشیم، مسئولیّت ما بیشتر است. خداوندی که به پیامبرش کوثر و خیر کثیر می دهد، برای او ذبح گوسفند را کافی نمی داند، بلکه باید شتر نحر نماید.(3) آری کسی که بیشترین دریافت را دارد، باید کمک او نیز بیشتر باشد.

اگر بدانیم با پرداخت زکات، سلام و صلوات پیامبر را دریافت می کنیم، به راحتی زکات خواهیم داد. خداوند به پیامبرش می فرماید: زکات مردم را بگیر و بر آنها درود بفرست.(4)

اگر بدانیم حضرت علی علیه السلام انگشتر خود را در نماز به فقیر داد و حتّی صبر نکرد نماز تمام شود و اگر بدانیم ارزش کمک به محرومان همچون بوسیدن کعبه و حجر الأسود است، هرگز آن را به دیگری واگذار نمی کنیم و حتماً مسئولیّت آن را خودمان به عهده می گیریم. گاهی یاران امامان از آنان می خواستند که حمل غذا به خانه فقرا را به آنان واگذار نماید، ولی امامان معصوم ما نمی پذیرفتند.

اگر بدانیم که دوزخیان در پاسخ بهشتیان می گویند: یکی از عوامل سقوط ما به دوزخ بی تفاوتی نسبت به فقرا بوده است، «و لم نک نطعم المسکین»(5)، نسبت به آنان احساس مسئولیّت خواهیم کرد.

اگر باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: روزی برای شما فرا خواهد رسید که از هر کس محتاج تر خواهید بود، هرگز بخل نخواهیم کرد.(6)

اگر باور کنیم این سخن خدا را که فرمود: افراد بخیل گمان مبرند که اموالشان برای آنان خیر است، بلکه برای آنها شر است،(7)

اگر باور کنیم که قرآن می فرماید: آنچه نزد شماست، نابود می شود و آنچه برای خدا و در راه او داده می شود، باقی می ماند، «ما عندکم ینفد و ما عند اللّه باق»(8)

ص: 44

---

1- 164) سوره توبه، آیه 38.
2- 165) سوره همزه، آیات 2 - 3.
3- 166) سوره کوثر، آیات 1 - 2.
4- 167) سوره توبه، آیه 103.
5- 168) سوره مدّثر، آیه 44.
6- 169) جامع الأحادیث، ج 9، ص 32.
7- 170) سوره آل عمران، آیه 180.
8- 171) سوره نحل، آیه 96.

اگر باور کنیم که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند فقرا را در اموال اغنیا شریک قرار داده است و نباید حق فقرا در غیر آنان هزینه شود،(1)

اگر باور کنیم که خداوند از بنده اش می پرسد: آیا نسبت به فرمان من بخل می کنی؟! یا مرا متهم می کنی؟ یا گمان می کنی که من از جبران آنچه انفاق کرده ای عاجزم؟!، خود را برای کمک به محرومان آماده تر خواهیم کرد.(2)

اگر بدانیم که نپرداختن زکات از گناهانی است که سبب ندامت و حسرت می شود(3) و لحظه مرگ، انسان از خداوند می خواهد که به دنیا برگردد و حق فقرا را بدهد،(4)

اگر بدانیم که زکات ندادن، انسان را از مدار ایمان واسلام خارج می کند، (5)

اگر بدانیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در سایه کعبه به ابوذر فرمود: کسانی زیانکارترند که زکات نمی دهند،(6)

اگر بدانیم هر روز هزار فرشته، ثروتمندی را که زکات نمی دهد به آتش بشارت می دهند،(7)

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله کسانی را که پرداخت زکات را خسارت می پندارند به انواع قهرهای الهی (باد سخت، زلزله و دگرگونی چهره) وعده داده است،(8)

اگر بدانیم حضرت مهدی علیه السلام با کسانی که زکات مال خود را نمی پردازند مانند زناکارانِ همسردار برخوردکرده وگردنشان را می زند،(9)



---

1- 172) جامع الأحادیث، ج 9، ص 243.
2- 173) جامع الأحادیث، ج 9، ص 325.
3- 174) جامع الأحادیث، ج 9، ص 58 .
4- 175) جامع الأحادیث، ج 9، ص 58 .
5- 176) من منع قیراطاً من الزکاه فلیس بمؤمن و لا مسلم». جامع الأحادیث، ج 9، ص 58 .

6- 177) مستدرک الوسائل، ج 1، ص 508 .
7- 178) جامع الأحادیث، ج 9، ص 43 .
8- 179) جامع الأحادیث، ج 9، ص 57 .
9- 180) جامع الأحادیث، ج 9، ص 44.

اگر بدانیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله سوگند یاد کردند که نپرداختن زکات خیانت به خدا و شرک است،(1)

اگر بدانیم که خداوند نام کسانی را که زکات نمی دهند در میان نام مشرکان و کافران قرار داده است،(2)

اگر بدانیم که زکات از ضروریات دین و انکار آن به منزله کفر است،(3)

اگر بدانیم که در زمان ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند (به نام اصحاب ردّه) برخورد نظامی شد، بر علیه آن افراد لشگرکشی شد و حضرت علی علیه السلام نیز در آن جبهه شرکت فرمودند،(4)

اگر بدانیم که امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس حتّی اگر مقدار کمی از زکات خود را ندهد، یهودی یا نصرانی می میرد،(5)

اگر بدانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرمود: مالی که زکات آن پرداخت نشده است، ملعون است، ملعون،(6)

اگر بدانیم امام صادق علیه السلام به کسی که زکات نمی داد لقب سارق دادند،(7)

اگر بدانیم دست کسانی که زکات نمی دهند در قیامت به گردنشان بسته می شود و با سخت ترین کلمات مورد توبیخ فرشتگان قرار می گیرند،(8)

اگر بدانیم و باور کنیم که رسول خدا صلی الله علیه وآله و اهل بیت معصومش علیهم السلام صحنه هایی از شکنجه تارکان زکات را در قیامت این گونه بیان کرده اند که مار بزرگی به گردن آنان آویخته می شود و این همان است که قرآن می فرماید: «سیطوق ما بخلوا»(9) همان مالی که بخل شد، در قیامت طوق گردن می شود،(10)



---

1- 181) بحار، ج 96، ص 29.
2- 182) و ویل للمشرکین الذین لایؤتون الزّکاه و هم بالاخره هم کافرون». سوره فصّلت، آیه 7.
3- 183) مبسوط شیخ طوسی، ج 1، ص 190.

4- 184) تفسیر نمونه، ج 8، ص 11.
5- 185) جامع الأحادیث، ج 9، ص 63.
6- 186) وافی، ج 10، ص 44.
7- 187) وافی، ج 10، ص 44.
8- 188) وافی، ج 10، ص 40.
9- 189) سوره آل عمران 7 آیه 180.
10- 190) جامع الأحادیث، ج 9، ص 39.

اگر باور کنیم که قرآن می فرماید: روز قیامت اموال کنز شده را داغ می کنند و بر پیشانی و پهلو و کمر کسانی که زکات نداده اند می گذارند و به آنان گفته می شود: این همان چیزی است که در دنیا ذخیره کردید و حق محرومان را نپرداختید،

اگر باور کنیم که نپرداختن زکات از گناهان کبیره ای است که خداوند در مقابل آن وعده عذاب داده است،

آری اگر این باورها را داشته باشیم، لحظه ای در پرداخت حق الهی درنگ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکات در برزخ در کنار نماز تجسم یافته و مونس انسان می شود، به راحتی آن را خواهیم پرداخت.(1)

اگر بدانیم که با پرداخت زکات، پاداش های چندین برابری که تعداد و عمق آن را کسی جز خدا نمی داند، دریافت خواهیم کرد،(2) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که با پرداخت زکات درهای بهشت را به روی خود باز می کنیم، (3) هرگز بخل نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که در قیامت از کسی که زکات مال خود را کامل می پردازد و در جای خود مصرف می کند، نمی پرسند که اموال خود را از کجا آورده ای،(4) انگیزه پرداخت زکات زیاد خواهد شد.

اگر بدانیم که پرداخت زکات در دنیا، کلید دریافت رحمت الهی در روزی است که از همه محتاج تریم و نپرداختن امروز، عامل بیشترین خسارت است،(5) لحظه ای در پرداخت آن درنگ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم پاداش هر دانه گندم و جو و امثال آن که به قصد زکات داده می شود، قصرهایی از طلا، نقره، لؤلؤ، زبرجد، جواهر و نور است(6)، لحظه ای در پرداخت آن دریغ نخواهیم کرد.

اگر بدانیم که زکاتِ عاشقانه کفّاره گناهان است(7)، در پرداخت آن شتاب خواهیم کرد.

اگر بدانیم زکات دهنده در هر یک از آسمان های هفت گانه به نام مقدسی خوانده می شود، در آسمان اوّل به نام «سخیّ»، در آسمان دوم «جواد»، در آسمان سوم «معطی»، و در آسمان های دیگر «مبارک»، «محفوظ»، «منصور» و «مغفور» نامیده می شود(8)،



---

1- 191) جامع الأحادیث، ج 9، ص 46.
2- 192) جامع الأحادیث، ج 9، ص 53 .
3- 193) جامع الأحادیث، ج 9، ص 45.
4- 194) جامع الأحادیث، ج 9، ص 33.
5- 195) جامع الأحادیث، ج 9، ص 32.
6- 196) جامع الأحادیث، ج 9، ص 32.
7- 197) جامع الأحادیث، ج 9، ص 33.
8- 198) جامع الأحادیث، ج 9، ص 34.

هرگز این نام های نیک را به آسانی از دست نخواهیم داد.

اگر بدانیم سیر کردن فقرا، رمز سیر بودن در قیامت و سیراب کردن تشنگان، رمز سیراب شدن در قیامت و پوشاندن فقرا، رمز پوشیده بودن در رستاخیز است(1)، تا آنجا که می توانیم با پرداخت خمس و زکات به گرسنگان و تشنگان و برهنگان خدمت خواهیم کرد.

زکات » آثار زکات

الف: آثار فردی زکات

درمان بخل

بخل عیبی است که عیوب دیگری را به دنبال می آورد. بی اعتنایی به مردم، سنگدلی، عذرتراشی، دروغ پنداشتن ادعای فقرا، از دست دادن دوستان خوب، سخت گیری نسبت به خود و بستگان، سوءظن به وعده های خداوند، تحقیر شخصیّت خود در جامعه، به جای توکل بر خدا توکل بر مال خود، گوشه ای از آثار بخل است.

قرآن می فرماید: افرادی که به فکر رستگاری خود هستند، باید خود را از این عیب دور بدارند: «و مَن یُوقَ شُحّ نفسه فأولئک هم المفلحون»(2)

یکی از امامان معصوم را دیدند که از اول شب تا صبح در حالی که مشغول طواف کعبه بود، تنها یک دعا می کرد و آن این بود که خدایا! مرا از بخل دور بدار.(3)

شاید مراد از آیه 103 سوره توبه که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله دستور می دهد: «خُذ من أموالهم صدقه... تطهرهم و تزکّیهم»، زکات مردم را بگیر و آنان را پاک کن، مراد پاک کردن مردم از بخل و حبّ دنیا باشد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «من ادّی الزکاه... فقد وقی من الشح»(4) هر کس زکات مال خود را بپردازد، قطعاً از بخل حفظ شده است.

زکات، وسیله تقرّب انسان به خداوند است. «الزّکاه جعلت مع الصّلوه قرباناً لأهل الاسلام»(5)



---

1- 199) جامع الأحادیث، ج 9، ص 684.
2- 200) سوره حشر، آیه 9 و تغابن، آیه 16.

3- 201) تفسیر نورالثقلین، ج 5، ص 346.
4- 202) جامع الأحادیث، ج 9، ص 48.
5- 203) وسائل، ج 6، ص 6.

زکات، پل اسلام است. «الزّکاه قنطره الاسلام»(1)

زکات، بعد از شناخت دین و نماز، بالاترین ارزش هاست. «ما من شی ء بعد المعرفه و الصلاه یعدل الزّکاه»(2)

زکات، نشانه بندگی خداست. «للعابد ثلاث علامات: الصّلوه و الصّوم و الزّکاه»(3)

زکات، موجب رستگاری است. «قد أفلح من تزکّی»(4)

برکت رزق

هر یک از کلمات «زکات» و «برکت» و واژه های مربوط به این دو، 32 بار در قرآن آمده و این نشانه آن است که زکات، مساوی برکت است. آری بریدن شاخه های درخت انگور، در ظاهر کوتاه کردن درخت است، ولی در واقع سبب رشد آن می شود.

در قرآن می خوانیم: «یَمحق اللّه الرّبا و یُربی الصّدقات»(5). خداوند ربا را محو می کند، ولی صدقات را رشد می دهد.

در روایات زیادی می خوانیم: «الزّکاه تزید فی الرّزق»(6) زکات روزی انسان را زیاد می کند.

بیمه مال

امام کاظم علیه السلام فرمود: «حصّنوا أموالکم بالزّکاه»(7) اموال خود را از طریق زکات بیمه کنید.

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حق خدا را بپردازید، من ضامن هستم که اموال شما در دریا و خشکی تلف نشود.(8)

محبوبیّت نزد خدا

امام صادق علیه السلام فرمود: محبوب ترین فرد نزد خداوند، سخاوت مندترین است و سخاوت مندترین مردم کسی است که زکات مال خود را بدهد و از آنچه که خدا در مال او واجب نموده است، در مورد مؤمنین بخل نکند.(9)

---

1- 204) امالی طوسی، ج 2، ص 136.
2- 205) فروع کافی، ج 4، ص 62.
3- 206) بحار، ج 96، ص 62.
4- 207) سوره اعلی، آیه 14.
5- 208) سوره بقره آیه 276.
6- 209) جامع الأحادیث، ج 9، ص 52 و 69.
7- 210) جامع الأحادیث، ج 9، ص 49.
8- 211) جامع الأحادیث، ج 9، ص 50 .
9- 212) جامع الأحادیث، ج 9، ص 65.

امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زکات را همراه با نماز وسیله تقرّب به خود قرار داد.(1)

دریافت رحمت خاص خداوند

در قرآن می خوانیم: «و رحمتی وسعت کل شی ء فساکتبها للّذین یتّقون و یؤتون الزکاه...»(2) رحمت پروردگار بر هر چیزی گسترده است، ولی دریافت قطعی آن مخصوص کسانی است که اهل تقوی و زکات باشند.

خداوند می فرماید: «انّی معکم لئن اقمتم الصّلوه و آتیتم الزّکاه و آمنتم برسلی»(3) اگر شما نماز را به پا دارید و زکات را پرداخت کنید و به پیامبران من ایمان آورید، قطعاً من با شما هستم.

باز شدن گره ها

قرآن می فرماید: «و امّا مَن اعطی و اتّقی و صَدّق بالحسنی فسنُیسّره للیُسری»(4) هر کس بخششی نماید و پرهیزگار باشد و حقیقت را تصدیق نماید، ما کارهای مشکل او را آسان می کنیم.

کفّاره گناهان

حضرت علی علیه السلام می فرماید: «اللّه اللّه فی الزّکاه، فانّها تطفی ء غضب ربّکم»(5) شما را به خدا، شما را به خدا درباره زکات (دقت کنید) که همانا زکات غضب پروردگار را فرو می نشاند.

خداوند می فرماید: اگر نماز به پا دارید و زکات بپردازید، من بدی های شما را می پوشانم.(6)

خدایی شدن انسان

همان گونه که خداوند رحمت خود را بر همه گسترانده است، زکات دهنده لطف خود را بر فقرا سرازیر می کند و بدین گونه اخلاق خدایی را در خود شکوفا می کند و مظهر رحمانیّت پروردگار می شود.

رهایی از کیفر

1- 213) جامع الأحاديث، ج 9، ص 33.
2- 214) سوره اعراف، آیه 156 و توبه، آیه 71.
3- 215) سوره مائده، آیه 12.
4- 216) سوره لیل، آیه 7.
5- 217) وسائل، ج 6، ص 10.
6- 218) سوره مائده، آیه 12.

کفّار، با توبه و نماز و زکات می توانند خود را از کیفر برهانند. قرآن می فرماید: «و ان تابوا و اقاموا الصّلوه و آتوا الزّکاه فخلّوا سبیلهم»(1)

گشایش برای مردگان

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: برادرم از دنیا رفته است و زکات زیادی به عهده اش بود، من آنها را پرداخت کردم، امام فرمود: با این عمل مشکل او برطرف می شود.(2)

استجابت دعا

در روایتی می خوانیم: هر کس می خواهد دعای او مستجاب شود، لقمه خود را حلال کند و یکی از راه های حلال کردن لقمه، پرداخت حق خدا از خمس و زکات است. امام صادق علیه السلام فرمود: اگر حق آنچه را که خداوند رزق شما کرده است بپردازید، باقیمانده آن برای شما طیّب و حلال است. «یطیب اللّه لکم بقیّته»(3)

قبولی نماز

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: زکات اموال خود را بپردازید تا نمازتان قبول شود. «زکّوا اموالکم تقبل صلاتکم»(4)

جاودانگی اموال

زکات در حقیقت ذخیره قیامت می شود، بنابراین مال فانی را جاودانه می کند. کامیابی های احتمالی و موقت و پردردسر دنیا را می توان از طریق پرداخت زکات به کامیابی های قطعی و دائمی و بی دردسر تبدیل نمود.

زندگی شیرین

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مردم حقوق خود را ادا کنند، قطعاً در زندگی شیرینی به سرخواهند برد: «لوانّ الناس ادّوا حقوقهم لکانوا عایشین بخیر»(5)

خواب راحت

به امام معصوم گفتند: فلانی در خواب به مشکلات و ناگواری هایی برمی خورد، حضرت فرمود: این به خاطر آن است که زکات خود را در راه صحیح مصرف نمی کند.(6)



---

1- 219) سوره توبه، آیه 5.
2- 220) جامع الأحادیث، ج 9، ص 223.
3- 221) جامع الأحادیث، ج 9، ص 53 .
4- 222) جامع الأحادیث، ج 9، ص 29.
5- 223) جامع الأحادیث، ج 9، ص 70.
6- 224) جامع الأحادیث، ج 9، ص 273.

ب: آثار اجتماعی زکات

برادری

قرآن در یک جا می فرماید: مؤمنان با یکدیگر برادرند: «انّما المؤمنون اخوه»(1) و در جایی دیگر می فرماید: هر گاه مخالفان شما توبه کنند و نماز به پا دارند و زکات بپردازند، آنها هم برادر دینی شما می شوند: «فان تابوا و اقاموا الصلوه و اتوا الزکاه فاخوانکم فی الدین»(2) بنابراین شرط برادری، در کنار توبه و نماز، پرداخت زکات است.

ایجاد یا تعمیق روابط

در آداب دوستی، صدها روایت به چشم می خورد که آنچه سبب ایجاد دوستی یا تعمیق وتوسعه آن می شود، خوش نیّتی، خوش رفتاری، انصاف، کرم، ایثار، سخاوت، احسان، محبت، زهد، صله رحم، هدیه وتفقّد از یکدیگر می باشد که در پرداخت زکات همه آن آثار به روشنی نهفته است.

کینه زدایی

با پرداخت زکات، کینه محرومان برطرف و به محبت و دوستی تبدیل می شود و این محبت و دوستی در تعاون و یاری یکدیگر و تولید بهتر و بیشتر و حفاظت از دستاوردهای جامعه اسلامی نقش مهمی دارد.

به صحنه کشاندن واماندگان

فقر و گرسنگی، انسان را به انزوا و گوشه گیری و بدبینی و ناامیدی و حقارت پذیری می کشاند، امّا زمانی که با پرداخت خمس و زکات و سایر انفاقات مشکلات اقتصادی مردم حل شود، تلاش، نشاط، دلسوزی و حضور مردم در صحنه های مختلف بیشتر می شود.

تقویت بنیه دینی مردم

امام رضا علیه السلام فرمود: فلسفه و دلیل پرداخت زکات، قوت فقرا و... و تقویت آنان و کمک رسانی در امور دینی آنها است.(3)

از محل زکات می توان مدارس، کتابخانه ها، مساجد و سایر مراکز دینی و فرهنگی را ایجاد نمود و یا آنچه را که قبلاً احداث شده است، توسعه داد و با دعوت از کارشناسان دینی و علما و اساتید مناطق دیگر، پایگاه علمی و اعتقادی مردم را تقویت نمود.

ایجاد همدلی در جامعه



---

1- 225) سوره حجرات، آیه 9.
2- 226) سوره توبه، آیه 11.
3- 227) وافی، ج 10، ص 51

پرداخت زکات، دل ها را به هم نزدیک می کند و جامعه را برای حل همه مشکلات آماده می سازد. اگر فقرا خود را در سود اغنیا شریک بدانند، در برابر نابسامانی ها و مشکلات و آفات با تمام توان به پا خواهند خاست و تا آنجا که بتوانند در حل مشکلات کوشش خواهند نمود.

زکات دهنده علاوه بر کسب رضای خداوند و برکات معنوی و اخروی، دل های دیگران را نیز به سوی خود جذب می کند و به خاطر همین محبوبیّتی که در جامعه پیدا می کند، دیر یا زود از حمایت های مردمی در امور مختلف برخوردار می شود.

آری بعضی از افراد سرمایه خود را با خرید جمادات (خانه، ماشین، مزرعه، فرش، لباس و...) هزینه می کنند تا شاید بتوانند دل های مردم را به خود جذب کنند، ولی از آنجا که دل های مردم در اختیار خداوند است، این دسته افراد معمولاً در جامعه منفور دیگرانند، امّا کسانی که بخشی از سرمایه خود را (به جای جمادات) در راه نجات انسان ها، رشد استعدادهای فراموش شده، تأمین هزینه ازدواج و مسکن و کارآموزی به

افرادی که صاحب حرفه نیستند، صرف میکنند، هم در تمام ارزش ها و پاداش هایی که بر اثر آن کمک های خالصانه به دست می آید خود را شریک می کنند و هم محبت و حمایت مردم را در اختیار خواهند داشت. در اینجا باید ببینیم آیا گروه اوّل عاقلند که با صرف هزینه در خرید جمادات خود را منفور خلق و خالق می کنند، یا بندگان خالص خدا که با پرداخت حقوق الهی، خود را محبوب خالق و خدا می نمایند. آری، اغنیا

می توانند عقل و لیاقت خود را با انتخاب یکی از این دو راه بیازمایند.

تربیت نسل پاک

در بسیاری از کتاب های تربیتی و روان شناسی، به هسته مرکزی تربیت که انتخاب همسر و لقمه حلال است، کمتر توجّه شده است. اسلام برای تربیت نسل آینده، به مسأله انتخاب همسر و پس از آن به نقش لقمه حلال بسیار توجّه و تأکید دارد.

پرداخت زکات، سبب پاک و حلال شدن رزق است و لقمه ها را از حق محرومان پاک می کند و نقش لقمه پاک در جامعه و نسل آینده از طریق گرایش به خوبی ها و کمالات و تنفّر از بدی ها بر کسی پوشیده نیست.

## دفع بلا از امّت

در قرآن می خوانیم: «و لولا دفع اللّه النّاس بعضهم ببعض لفسدت الأرض و لکن اللّه ذو فضل علی العالمین»(1)

امام صادق علیه السلام ذیل این آیه فرمود: قطعاً خداوند به خاطر کسانی از شیعیان ما که زکات می دهند، انواع بلاها و خطرات را از سایرین نیز دفع می کند و اگر زکات این گروه نبود، همه یکجا نابود می شدند.(2)



---

1- 228) سوره بقره، آیه 251.
2- 229) جامع الأحادیث، ج 9، ص 56 .

فقرزدایی

یکی از مسایل مهم جامعه، وجود فقر و گرسنگی و سایر کمبودها است که یکی از راه های مبارزه با آن، توجّه جدی به مسأله پرداخت خمس و زکات و انفاقات است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «فما جاع فقیرٌ الاّ بما منع غنی و اللّه سبحانه و تعالی سائلهم عن ذلک»(1) هیچ فقیری گرسنه نمی ماند مگر به خاطر آن که توانمندی حق خدا را نمی پردازد و خداوند در روز قیامت توانمند را به همین دلیل بازخواست خواهد کرد. در روایات متعدد می خوانیم: اگر مردم زکات مال خود را بپردازند، فقیری باقی نمی ماند.(2)

امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ محتاج و گرسنه و برهنه ای در جامعه وجود نخواهند داشت، مگر به خاطر گناهان اغنیا.(3)

ایجاد اشتغال

یکی از مسائل مهم جامعه، وجود بیکاری است که زمینه ساز انواع فسادهاست. اگر مردم خمس و زکات خود را بپردازند، چرخ های اقتصاد به گردش در می آید و بخش مهمی از افراد بیکار شاغل خواهند شد. همان گونه که از طریق مضاربه یا قرض الحسنه می توان ایجاد اشتغال کرد، از طریق پرداخت خمس و زکات و یا بخشش های بلاعوض و یا ایجاد زمینه های تحصیل برای بیسوادها و کم سوادها و آموزش فن و حرفه و تأسیس و توسعه

مراکز فرهنگی و احداث جادّه ها و پل ها و آبادانی های دیگر نیز می توان ایجاد اشتغال کرد. بنابراین در احیای خمس و زکات، حلّ مسأله اشتغال و توسعه اقتصادی و فرهنگی و پر کردن ایّام فراغت و جلوگیری از مفاسدی که در اثر بیکاری به چشم می خورد، نهفته است. به علاوه کار و اشتغال سبب دلگرمی به مکتب، به امّت، به نظام اسلامی و سبب شکوفایی استعدادها و نبوغ ها و مانع انواع افسردگی های فرد و جامعه

است و در مقابل آن بیکاری باعث تبهکاری، افسردگی، سوءظن، رکود، ایجاد عقده و زمینه ساز انواع فتنه ها و آشوب ها است که اگر شعله آن برافروخته شود، همه را در خود می سوزاند. شاید به همین دلیل باشد که

در قرآن جمله «لاتلقوا بأیدیکم الی التّهلکه»(4) یعنی خودتان را با دست خود به هلاکت نیندازید، بعد از دستور انفاق مطرح شده است.

آری اگر در جامعه، مردم در قالب خمس و زکات و سایر کمک ها دست از انفاق بردارند و بر فقرا فشار وارد شود، این فشارها تبدیل به آشوب و فتنه ای می گردد که فقیر و غنی در آن می سوزند.

وسیله اقتدار امّت



---

1- 230) سفینه البحار، ج 3، ص 474.
2- 231) وافی، ج 10، ص 50 .
3- 232) وافی، ج 10، ص 50 .
4- 233) سوره بقره، آیه 195.

اگر کمبودها از طریق مالیات های اسلامی و خمس و زکات تأمین شود و افراد جامعه به یک نوع رفاه نسبی دست یابند، دل ها نسبت به هم مهربان می شود، نیروها متمرکز می گردند و همه پشتیبان یکدیگر خواهند بود. چنین جامعه ای دارای صلابت و اقتدار خواهد بود و در مقابل هر وعده و وعید و یا هر تهدید و تطمیعی بیمه می شود. بخصوص که در پرداخت خمس وزکات قصد قربت در کار است وهیچ گونه تحقیر ومنّتی روانیست.

آری، جبران کمبودها از طرف پرداخت کنندگان مخلص و اجرای این امر الهی از طریق مراجع دینی محبوب ومتّقی، سبب آرامش و دلگرمی و اتّصال به علمای ربّانی خواهد شد که این امر خود وسیله اقتدار و عزّت ملّی و اسلامی است.

البتّه ممکن است مؤسسات خیریه یا افراد نیکوکار از طریق صندوق ها و بانک ها کمک هایی به محرومان اختصاص دهند، امّا مگر تنها هدف اسلام سیر کردن گرسنگان است؟ در طراحی و مهندسی اسلام، علاوه بر رسیدگی به فقرا آثار و اسرار زیادی نهفته است، از جمله اینکه:

اولاً: کمک کنندگان نیّت خالص داشته باشند و هیچ گونه ریا، خودنمائی، شهرت طلبی در کار آنها وجود نداشته باشد و انتظار مدح و ستایش و جبران از کسی نداشته باشند.

ثانیاً: مالی که می پردازند از جنس مرغوب، عالی، حلال وبی منّت باشد.

ثالثاً: نحوه پرداخت آگاهانه، عاشقانه، آزادانه باشد.

این شرایط در تربیت افراد مؤثر است و اتّصال آنان را به عالم ربانی که مرزبان مکتب اسلام است، روشن می کند و سبب یک اقتدار معنوی می شود زیرا هم سر و کار پرداخت کنندگان و هم سر و کار گیرندگان با علمای ربّانی خواهد بود.

کم شدن مفاسد اجتماعی

هم ازدیاد سرمایه زمینه ساز فساد است که با پرداخت خمس و زکات ثروت ها تعدیل و مفاسد مهار می شود و هم فقر ممکن است زمینه وقوع سرقت، دریافت رشوه، خیانت و امثال آن شود که دریافت خمس و زکات

و... این زمینه را می خشکاند و از بین می برد. بنابراین پرداخت خمس و زکات، در مهار مفاسد اجتماعی نقش مهمی دارد.

حفظ آبروی فقرا

در بسیاری از موارد فقر آبروی انسان را در جامعه در معرض خطر قرار می دهد و خمس و زکات، فقر را از بین می برد و آبروی انسان ها را حفظ می کند. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: شخصی که در خط فکری ما نیست، از دنیا رفته و اطفال فقیری را به جا گذاشته است، آیا می توانیم از زکات به آنها بدهیم؟

فرمود: بله، آن اطفال گرسنگانی هستند که تقصیری ندارند و باید آبرو و موقعیّت آنان در جامعه حفظ شود و زندگی آنها تا رسیدن به حدّ بلوغ و رشد لازم تأمین گردد. امّا، اگر این اطفال بالغ شدند

و حق را فهمیدند ولی با لجاجت دست از آن کشیدند، از زکات به آنها ندهید. (سزاوار نیست زکات از افراد مؤمن گرفته و به منحرفین لجوج داده شود).(1)

تعدیل ثروت

خمس و زکات، گامی برای مهار ثروت ها است.

اسلام از یک سو دست افراد قوی، مبتکر، پرکار و خلاّق را در مالکیّت باز گذاشته تا مانع رشد آنان نشود و از سویی درآمدهایی از قبیل ربا، سرقت، رشوه، اختلاس و... را ممنوع دانسته است و از سوی دیگر به مالکین درآمدهای حلال اجازه نمی دهد تا درآمد خود را هرگونه که خواستند مصرف کنند و آنان را از اسراف و تبذیر و ثروت اندوزی نهی فرموده است و از طرف دیگر با واجب نمودن خمس و زکات و کفّارات و سفارش اکید

به انواع کمک ها و صدقات، بخشی از اموال آنان را با علم، اراده، عشق و ایمان برای حل مشکلات طبقه محروم گرفته است.

جذب دیگران

اسلام، مصرف زکات را برای هشت گروه قرار داده است که یکی از آنها، سرشناسانی هستند که اگر حمایت های مالی از آنان به عمل آید، ابتدا خودشان و سپس قوم آنان به اسلام جذب می شود.

البتّه این جذب، مقدمه گرایش های فکری، فرهنگی و اعتقادی است، همچون جاذبه هایی که برای فرزندان در روزهای اول مدرسه ایجاد می شود و بدین وسیله ابتدا آنان را با مدرسه آشنا می کنند و سپس نماز علمی و فکری آنان در مدرسه و دانشگاه تأمین می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله سهمی از زکات را به رؤسای قبایل می داد و در هر زمان ولیّ امر مسلمین می تواند این کار را انجام دهد.(2)

از همین سهم که به نام «المؤلّفه قلوبهم» در قرآن مطرح شده است، می توان مقداری به مسلمانان ضعیف الایمانی پرداخت کرد که اگر به حال خود رها شوند، تبعات و وسوسه های دشمنان در آنان ایجاد شک می نماید.

اسلام برای پایداری آنان در دین، مشکلات اقتصادی آنان را حل می کند و این کار مقدمه ای برای انس بیشتر با مکتب خواهد بود.(3)

ج: آثار ترک زکات



---

1- 234) جامع الأحادیث، ج 9ص 285.
2- 235) جامع الأحادیث، ج 9، ص 24.
3- 236) جامع الأحادیث، ج 9، ص 24.  تلف شدن اموال

امام صادق علیه السلام فرمود: «ما ضاع مال فی البرّ و لاالبحر الاّ بتضییع الزّکاه»(1) هیچ مالی در خشکی یا دریا ضایع نمی شود، مگر به خاطر آنکه زکات آن پرداخت نشده است. آن حضرت در حدیث دیگری فرمودند: «حصّنوا اموالکم بالزّکاه و أنا ضامن لکل ما یتوی فی برّ او بحر بعد اداء حق اللّه فیه»(2) اموال خود را از طریق پرداخت زکات بیمه کنید و اگر بعد از پرداختن زکات مالی تلف شد، من ضامن آن هستم.

خسارت دو برابر

در روایات می خوانیم: «من مَنَعَ حقّاً للّه أنفق فی باطل مثلیه»(3) کسی که حق خدا را نپردازد و در راه حق مال خود را صرف نکند، دو برابر آن مقدار را در راه باطل صرف خواهد کرد.

هزینه در راه اشرار

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: «من مَنَعَ ماله من الأخیار اختیاراً صرّف اللّه ماله فی الأضرار اضطراراً»(4) کسی که مال خود را از مصرف در راه خوبان با اختیار خود باز دارد، خداوند مال او را در راه اشرار با اجبار صرف خواهد نمود.

هزینه در راه گناه

امام صادق علیه السلام فرمود: «و اعلم أنه من لم ینفق فی طاعه اللّه ابتلی بان ینفق فی معصیه اللّه و من لم یمش فی حاجه ولیّ اللّه ابتلی بان یمشی فی حاجه عدوّ اللّه»(5) آگاه باشید، کسی که مال خود را در راه اطاعت خداوند صرف نکند، به هزینه کردن آن در راه معصیت خداوند گرفتار می شود و هر کس در حل مشکلات ولیّ خدا گامی برندارد، خداوند او را بر تلاش و حرکت در راه حلّ مشکلات دشمن خدا گرفتار می کند.

کمبود و قحطی

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «لاتزال امّتی بخیر ما تحابّوا و اقاموا الصلوه و اتوا الزّکاه فاذا لم یفعلوا ذلک ابتلوا بالقحط و السنین»(6) امّت من تا مادامی که یکدیگر را دوست بدارند و اهل نماز و زکات باشند در خیر و سعادت به سر می برند، ولی اگر این گونه نباشند، گرفتار قحطی می شوند.

محروم شدن از تولیت و تعمیر مراکز دینی

قرآن می فرماید: مشرکان حقّ تعمیر مساجد را ندارند، بلکه تعمیر وآباد کردن آن تنها سزاوار کسانی است که اهل نماز وزکات وشجاعت باشند. (7)



---

1- 237) جامع الأحادیث، ج 9، ص 50 .
2- 238) جامع الاحادیث، ج 9، ص 50 .
3- 239) وافی، ج 10، ص 42.
4- 240) بحار، ج 96، ص 130.
5- 241) وسائل، ج 6، ص 25.
6- 242) جامع الأحادیث، ج 9، ص 48.
7- 243) سوره توبه، آیه 18.

رفع برکت از زمین

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «اذا مُنِعَت الزکاه مَنَعت الأرض برکاتها»(1) هر گاه زکات پرداخت نشود، زمین برکات خود را از مردم باز می دارد و در حدیث دیگری می خوانیم: اگر توانگران زکات مال خود را نپردازند، خداوند باران رحمت خود را از مردم باز می دارد.(2)

در حدیث دیگری از امام باقر علیه السلام می خوانیم: اگر زکات پرداخت نشود، برکت از کشاورزی و میوه ها و معادن برداشته می شود.(3)

مرگ چهارپایان

امام رضا علیه السلام فرمود: «اذا حُبست الزکاه ماتت المواشی»(4) هر گاه زکات پرداخت نشود، چهارپایان می میرند.

محروم شدن از رحمت

امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که حق خداوند را از مالش نپردازد، سزاوار است که خداوند رحمت خود را از او دریغ کند.(5)

اخراج از مسجد

امام باقر علیه السلام فرمود: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وارد مسجد شدند و با جمله «قم یا فلان، قم یا فلان، قم یا فلان» پنج نفر را از مسجد اخراج کردند و فرمودند: شما که زکات نمی دهید از مسجد بیرون بروید.(6) آری نمازگزار واقعی بخیل نیست. «اذا مسّه الخیر منوعاً الاّ المصلّین»(7)

علامت نفاق

در آیه 67 سوره توبه که سیمای منافقان را بیان می کند، می فرماید: «المنافقون والمنافقات بعضهم من بعض... یقبضون ایدیهم نَسُوا اللّه فنسیهم»(8) آنان دست خود را از کمک به دیگران می بندند و (این گونه) خدا را فراموش می کنند، خدا نیز با آنان رفتار فراموش شدگان را انجام می دهد.

قبول نشدن نماز و عبادات

---

1- 244) جامع الأحادیث، ج 9، ص 52 .
2- 245) جامع الأحادیث، ج 9، ص 52 .
3- 246) کافی، ج 2، ص 374.
4- 247) جامع الأحادیث، ج 9، ص 53 .
5- 248) جامع الأحادیث، ج 9، ص 57 .
6- 249) جامع الأحادیث، ج 9، ص 31.
7- 250) سوره معارج، آیه 21 - 22.
8- 251) سوره توبه، آیه 67.

در روایات می خوانیم: «ایّها النّاس ادّوا زکاه اموالکم فمن لا یزکّی لا صلوه له و من لا صلوه له لا دین له»(1) قبولی تمام اعمال، وابسته به قبولی نماز است و قبولی نماز وابسته به پرداخت زکات است.

امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند نماز و زکات را قرین و مقرون یکدیگر قرار داد و نماز بی زکات پذیرفته نیست.(2)

حضرت موسی علیه السلام جوانی را دید که نماز با حالی می خواند، به خداوند گفت: چه نماز زیبایی دارد! به او وحی شد نماز او زیباست ولی این جوان بخیل است و زکات نمی پردازد و تا زمانی که زکات ندهد، نمازش قبول نیست.

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: نماز کسی که زکات نمی پردازد همچون لباس کهنه در هم پیچیده و به صورت نمازگزار پرتاب می شود.(3)

هم ردیف رباخواران

حضرت علی علیه السلام فرمود: «مانع الزّکاه کآکل الرّبا»(4) کسی که زکات ندهد همچون رباخوار است.

پرداخت نکردن زکات، خیانت، شرک ونوعی سرقت است، در حدیث می خوانیم: «ما خان اللّه احدٌ شیئاً من زکاه ماله الاّ مشرک باللّه»(5) چنانکه سه نوع سارق داریم که یکی از آنان کسی است که زکات نمی دهد.(6)

زکات » مصارف زکات

مصرف زکات باید دقیق و به جا و در مواردی که خداوند دستور داده است باشد. در روایات می خوانیم: اگر زکات در جای خود مصرف نشود، انسان ضامن است.(7)

قرآن بعد از آنکه موارد هشتگانه مصرف زکات را در آیه 60 سوره توبه بیان می کند، در پایان می فرماید: «فریضةً من اللّه و اللّه علیم حکیم». در هر یک از کلمات فریضه، علیم و حکیم نکته ای نهفته است:

«فریضه»، یعنی تقسیم زکات واجب است و آن را جدی بگیرید.



---

1- 252) جامع الأحادیث، ج 9، ص 30.
2- 253) جامع الأحادیث، ج 9، ص 30.
3- 254) جامع الأحادیث، ج 9، ص 30 و 33.
4- 255) جامع الأحادیث، ج 9، ص 63.
5- 256) بحار،ج 96، ص 29.
6- 257) تهذیب، ج 10، ص 153.
7- 258) جامع الأحادیث، ج 9، ص 347.

«علیم حکیم» یعنی خداوند می داند که حل مشکلات فقرا و نابسامانی ها در سایه انجام صحیح واجبات الهی و تقسیم صحیح زکات است، بنابراین مصارفی که در قرآن برای زکات آمده عالمانه و حکیمانه است و اگر زکات در جای خود مصرف نشود، برخلاف علم و حکمت است.

در برخی روایات آمده است: اگر زکات در جایی مصرف شود که مورد نهی خداوند باشد، پروردگار آن را قبول نخواهد کرد.(1)

قرآن درباره تقسیم زکات می فرماید: «انّما الصّدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها و المؤلّفه قلوبهم و فی الرّقاب و الغارمین و فی سبیل اللّه و ابن السّبیل فریضه من اللّه و اللّه علیم حکیم»(2)

همانا صدقات (زکات)، برای نیازمندان و درراه ماندگان و کارگزاران زکات و جلب دلها و آزادی بردگان و ادای بدهی بدهکاران و (هزینه جهاد) در راه خدا و تأمین در راه مانده است، این دستور، فرمانی است از جانب خدا و خداوند، دانا و حکیم است.

با توجّه به این آیه، زکات در هشت مورد قابل مصرف است:

اوّل و دوم: «الفقراء و المساکین» فقرا و مساکین

امام صادق علیه السلام در تفاوت فقیر ومسکین فرمودند: فقیر، نیازمندی است که از دیگران درخواست کمک نمی کند، ولی مسکین کسی است که به خاطر فشار فقر، از مردم درخواست کمک می کند.(3) شاید دلیل آنکه حضرت درباره فقیر فرمودند: کسی است که سؤال نمی کند، آیه 273 بقره باشد که می فرماید: «للفقراء الّذین احصروا فی سبیل اللّه» تا آنجا که می فرماید: «یحسبهم الجاهل اغنیاء من التّعفف» فقرا همان کسانی

هستند که به خاطر عفّت وسؤال نکردن از دیگران، بی خبران آنان را اغنیا می پندارند.

ناگفته نماند شرط فقیر و مسکین بودن بیکاری نیست، چه بسا افرادی دارای شغل و کار و سهم یا سهامی باشند، ولی درآمد آنان کفایت مخارج زندگی آنها را نمی کند.

قرآن درباره آن کشتی که حضرت خضر آن را سوراخ کرد، می فرماید: صاحبان کشتی جمعی از مساکین کارگر بودند. «و امّا السفینه فکانت لمساکین یعملون فی البحر»(4)

اسلام فقرزدایی را در رأس مصارف زکات قرار داده است. اگر نگاهی به آیات و روایات و سیره پیامبر اکرم و اهل بیت معصومش علیهم السلام بیاندازیم، اهمیّت مسأله را بهتر و بیشتر درک خواهیم کرد. به چند نمونه توجّه کنیم:



---

1- 259) جامع الأحادیث، ج 9، ص 347.
2- 260) سوره توبه، آیه 60.
3- 261) وافی، ج 10، ص 1640.
4- 262) سوره کهف، آیه 79.

قرآن می فرماید: در قیامت بهشتیان از دوزخیان می پرسند چه چیز سبب دوزخی شدن شما شد؟ آنان در پاسخ می گویند: «و لم نک نطعم المسکین»(1) ما به فکر گرسنگان نبودیم.

حتّی اگر انسان مال و ثروتی ندارد، نمی تواند در برابر نیازمندان بی تفاوت باشد، بلکه باید دیگران را به کمک کردن تشویق و وادار کند و گرنه مورد توبیخ واقع می شود. «و لاتحاضّون علی طعام المسکین»(2)

قرآن رسیدگی به گرسنگان و فقرا را، طی کردن گردنه های آزمایش می داند.(3)

توجّه به گرسنگان، اختصاص به گرسنگان مسلمان ندارد، بلکه باید همه مردم جامعه سیر باشند. حضرت ابراهیم پس از بنا کردن خانه کعبه، در دعای خود گفت: «و ارزق اهله من الّثمرات من آمن منهم» پروردگارا از مردم مکه هر کس ایمان دارد او را روزی ده. خداوند فرمود: من کفّار گرسنه را نیز رزق می دهم. «و من کَفَرَ فامتّعه قلیلاً»(4)

سیر کردن گرسنگان عبادتی است که امامان ما و اهل بیت علیهم السلام شخصاً انجام می دادند و برای این کار کسی را نایب نمی گرفتند. در تاریخ می خوانیم که در کیفر و جریمه کفّار سخاوتمند، تخفیف داده می شد. نه تنها انسان ها که به حیوانات و گیاهان نیز باید رسیدگی شود تا آنجا که در حدیث می خوانیم: سیراب کردن درخت تشنه همچون سیراب کردن مسلمان تشنه است.

در اسلام، توجّه به گرسنگان تا آنجا مهم است که اگر گرسنه ای نان مردم را سرقت کرد، به عنوان دزدی دستش قطع نمی شود.

و اگر شخصی غذای مردم را در انبار خود احتکار نمود و با تذکرات حاکم اسلامی بیدار نشد، حکومت اسلامی می تواند با او برخورد انقلابی کرده و گندم را از انبار او خارج کند.

سوّم: «العاملین علیها» کارگزاران زکات

یکی از مصارف زکات، کسانی هستند که برای جمع آوری، تقسیم و حفظ اموال زکاتی، تلاش می کنند(5). آری، همان گونه که زندگی قاضی باید تأمین شود تا به فکر گرفتن رشوه نیفتد، زندگی دست اندرکاران مسأله

زکات نیز باید به نحوی تأمین شود و حتّی اگر بی نیازند باید سهمی از زکات به آنان پرداخت شود(6) و بدین وسله مورد تشویق و محبت دیگران قرار گیرند تا به خاطر توسعه در زندگی به فکر رفتار ناروا نیفتند.



---

1- 263) سوره مدّثر، آیه 44.
2- 264) سوره فجر، آیه 18، همچنین حاقّه، 34، ماعون، 3.
3- 265) سوره بلد، آیه 11.
4- 266) سوره بقره، آیه 126.
5- 267) وافی، ج 10، ص 165.
6- 268) تحریر الوسیله، امام خمینی (ره).

حضرت علی علیه السلام پس از سفارشاتی که به کارگزاران مسأله زکات می کند، می فرماید: اگر به این سفارشات عمل کنید، قطعاً به پاداش بزرگتری خواهید رسید و به کمالی که در شأن شماست نزدیک خواهید شد، زیرا خداوند به اموال زکاتی و به شما کارگزاران امر زکات و به تلاش و دلسوزی که نسبت به حاکم اسلامی و فقرای تحت پوشش او دارید، نگاه لطف و مرحمتی دارد و هر کس که مورد نظر و لطف خداوند قرار بگیرد، در

بهشت با ما خواهد بود.(1)

چهارم: «المؤلّفه قلوبهم» تألیف قلوب

سهمی از زکات باید در راه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام و دعوت دیگران به دین اسلام از راه ایجاد روابط حسنه و جذب قلوب آنان مصرف شود. از قدیم گفته اند هر گردوئی گرد است، ولی هر گردی گردو نیست. هر مؤمنی مسلمان هست، ولی هر مسلمانی مؤمن نیست. بسیارند کسانی که مسلمان هستند، یعنی از شرک دورند و در مدار توحید قرار گرفته اند، ولی در مرحله ضعیفی از ایمان قرار دارند، اسلام برای آنکه دست این افراد را

بگیرد و به مراحل بالاتر ببرد، راه هایی را مطرح کرده است؛ از جمله سهمی از زکات برای کمک یا توسعه در زندگی آنان صرف شود تا با این عمل معرفت و شناخت در جان آنان تثبیت شود. کسانی که با اسلام داغ شده اند، باید با محبت ها پخته شوند، زیرا هر داغی سرد می شود، ولی هر پخته ای دیگر خام نمی شود.

کسانی که به اسلام وارد شده اند: «یدخلون فی دین اللّه»(2) با این گونه رفتارها و محبّت ها، اسلام در درون جان آنان جای گیرد.

آری، فرق است میان کسانی که داخل در اسلام شده اند با کسانی که اسلام و ایمان در روح آنان داخل شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود: مراد از «مؤلّفه قلوبهم» گروهی هستند که توحید را پذیرفته و از مدار شرک خارج شده اند، ولی هنوز معرفت پیامبر صلی الله علیه وآله در قلبشان رسوخ نکرده است. پس باید سهمی از

زکات صرف این گونه افراد شود تا محبت و معرفت در آنان تثبیت شود. (3)

امروزه ابرقدرت ها با فرستادن کتاب ها، کشیش ها، کارشناس ها، دعوت نامه ها، بورسیه ها، هیأت های علمی و فنّی و صدها راه دیگر برای توسعه فکر خود و سلطه گری، سایه شوم خود را بر کشورها گسترش داده اند، سفرها کردند، کنگره ها گرفتند، توطئه ها کردند، افرادی را با پول خریدند، به اسم جهانگرد وجب به وجب سرزمین های ما را گشتند و به اسم کارشناس فنی، اقتصاد ما و به اسم کارشناس نظامی، قوای

مسلح ما را زیر نظر گرفتند و بدتر از همه اینکه از بودجه خود ما علیه



---

1- 269) وافی، ج 10، ص 156.
2- 270) سوره فتح، آیه 2.
3- 271) جامع الأحادیث، ج 9، ص 242.

خود ما استفاده کردند، ولی متأسفانه مسلمانان با داشتن ده ها فرمان به سیر و سفر، به هجرت و تبلیغ، به فراگیری علوم از شرق و غرب، از گهواره تا گور و از زمین تا ثریا در خواب غفلت فرو رفته اند.

فراموش نکنیم که حضرت علی علیه السلام در روزهای آخر عمر مبارکشان با ناله می فرمود، مبادا دیگران در عمل به اسلام از شما جلو بیفتند.

اگر ما امروز با پرداخت حق الهی دل افراد ضعیف را جذب کنیم، تمام توطئه ها و تبلیغات و تهاجمات دشمن را خنثی خواهیم کرد.

پنجم: «فی الرّقاب» آزادی بردگان

سهمی از زکات برای آزادسازی بردگان است. در طول تاریخ، درگیری، جنگ، قتل و اسارت وجود داشته و آنچه مهم است بررسی سرچشمه ها، هدف ها و نتایج این نزاع ها است. اسلام انگیزه جنگ ابتدایی و جهاد را رفع فتنه و دفع موانع برای دعوت مردم به حق می داند و برای همه امور جنگ و از جمله اسیران، برنامه ها و آداب بسیار عالی و حکیمانه دارد.

بردگان معمولاً کسانی هستند که در جبهه جنگ با مسلمانان، اسیر شده اند که در باره آنان چند طرح را می توان تصور کرد:

1- تمام اسیران را یکجا بکشیم که این کار با عاطفه و عقل و رأفت سازگار نیست.

2- تمام آنان را یکجا آزاد کنیم. این عمل سبب می شود که آنان دوباره تجدید قوا کنند و به جنگ ما بیایند.

3- آنان را در اردوگاه ها نگهداری کنیم. این کار سبب تحمّل هزینه زیاد و باری بر دوش جامعه اسلامی است.

4- اسرا را در میان مسلمین تقسیم کنیم و پس از مدتی به تدریج آزاد نمائیم که این طرح اسلام و دارای امتیازاتی است. از جمله:

الف: در این طرح هزینه اسرا در میان مسلمین تقسیم می شود و فشاری بر نظام وارد نمی گردد.

ب: اسرا در میان توده امّت اسلامی با برنامه های اسلام آشنا می شوند و بسیاری از آنان دست از کفر و شرک برمی دارند. در تاریخ نام بسیاری از بردگانِ مسلمان شده که منشأ آثار و برکات و به دست گرفتن مسئولیّت های حساس شده اند، آمده است تا آنجا که مادر شش امام معصوم ما، از کنیزان بوده اند و فرزندان بسیاری از بردگان در زمره نوابغ قرار گرفته اند.

لذا کفّاره روزه خوردن و یا بسیاری اعمال ناروای دیگر، آزاد کردن بردگان قرار داده شده سهمی از زکات نیز برای خرید بردگان و آزاد کردن آنان اختصاص داده شده است.

ششم: «الغارمین» بدهکاران

سهمی از زکات برای بدهکارانی است که توان پرداخت بدهی خود را ندارند. پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «ایّما مؤمن او مسلم مات و ترک دَیناً لم یکن فی فساد و لا اسراف فعلی الامام ان یقضِه فان لم یقضه فعلیه اثم ذلک»(1) بر امام و حاکم اسلامی است که بدهی کسانی را که بدهکارند و بدهی آنان به خاطر اسراف و فساد نیست، از سهم زکات پرداخت نماید و در غیر این صورت گناهکار است.

چه بسیارند افراد آبرومندی که به خاطر بدهی، گرفتار وام های با بهره (ربا) می شوند و هر روز بدهی آنان اضافه می گردد و به تدریج ورشکست شده و به فروش خانه و مغازه و ماشین خود مجبور می شوند و آبروی چندین ساله آنان یکجا فرو می ریزد و فرزندانشان تحقیر می شوند. اگر هر یک از احکام الهی درست عمل شود، مشکلات جامعه حل می شود. خدای علیم و حکیم، از علم و حکمت بی نهایت خود دستور داد تا بخشی از سهم

زکات صرف پرداخت بدهی بدهکاران شود.

بدهکاری که امروز گیرنده زکات است، همچون پیچ و مهره زنگ زده ای است که اگر کمی روغن به آن برسد، دوباره به حرکت درمی آید و فعالیّت های اقتصادی خود را از سرگرفته و چه بسا در فاصله کمی، خودش هم از زکات دهندگان شود.

هفتم: «فی سبیل اللّه» در راه خدا

یکی از مصارف زکات، کارهای عامّ المنفعه است که رنگ الهی داشته باشد، یعنی خداپسندانه و به مصلحت عموم مردم باشد. همچون ساخت مدارس، مساجد، مسکن برای محرومان، درمانگاه، پل و یا کمک به ازدواج جوانان، کمک به زلزله زده ها، جنگ زده ها، یا کمک به کتابخانه ها، تبلیغات اسلامی، تعظیم شعائر اسلامی، اصلاح و آشتی میان مسلمین، ایجاد اشتغال برای بیکاران، آموزش حرفه و فن برای کسانی که تخصص ندارند

و ده ها نمونه دیگر.(2)

یکی از امتیازات دین اسلام آن است که هرگز بن بست ندارد و در کنار کارهای مشخص و رسمی، انواع کارهای داوطلبانه و آزاد را نیز قرار داده است:

اگر هفده رکعت نماز واجب و رسمی داریم، بیش از سیصد نوع نماز مستحبی داوطلبانه داریم.

اگر سفر حج در ایام مخصوص است، سفر عمره در هر ماه جایز است.

اگر خواندن سوره حمد در نماز واجب است، بعد از آن خواندن بیش از صد سوره دیگر آزاد است.

اگر روزه در ماه رمضان رسمی است، در تمام ایام سال (غیر از عید فطر و قربان) روزه گرفتن داوطلبانه و اختیاری است.

اگر خمس و زکات به مقدار معینی واجب شده است، پرداخت انواع صدقات و انفاقات بستگی به اراده پرداخت کننده و شرائط دیگر دارد.



---

1- 272) جامع الأحادیث، ج 9، ص 259.
2- 273) تحریر الوسیله، امام خمینی (با اضافات).

اگر در مصرف زکات نامی از بدهکاران، بردگان، فقرا و کارگزاران زکات آمده است، مورد «فی سبیل اللّه» دست را باز گذاشته است که هر کار خداپسندانه دیگر را نیز می توان انجام داد.

ممکن است در زمانی کار خداپسندانه ساختن آب انبار باشد و در زمان دیگر لوله کشی آب. اگر در زمانی چاپ کتاب راه خداست،ممکن است در شرایط و زمان دیگر کار خداپسندانه امر دیگری باشد. بنابراین عبارت «فی سبیل اللّه» هر کار خیری را دربرمی گیرد.

هشتم: «ابن السّبیل» در راه مانده

«ابن السّبیل» یعنی فرزند راه، یعنی کسی که در وطن خود فقیر نیست، ولی در سفر به مناطق دیگر به خاطر تصادف، دزدی، بیماری، گرانی و یا هر امر دیگر نیاز به کمک دارد که اگر مورد حمایت قرار نگیرد، جان یا آبروی او در معرض خطر قرار می گیرد و نیاز مالی از یک سو و احساس غربت از سوی دیگر، فشار روحی و روانی خاصّی بر او وارد می کند. مکتب زنده اسلام که در تمام برنامه هایش به مسأله جان و مال و آبرو و

شخصیّت افراد توجّه خاصی دارد، در اینجا نیز با اختصاص سهمی از زکات، هم آبرویشان را حفظ می کند وهم دغدغه آنان را برطرف می نماید.

زکات » آیا مصرف زکات تنها در هشت مورد ذکر شده است؟

در آیه 58 سوره توبه، منافقان پیامبر عزیز را در مورد نحوه مصرف زکات سرزنش کرده و می گفتند: چرا زکات جمع آوری شده را فقط در موارد خاص مصرف می کند. خداوند می فرماید: انتقاد و کنایه آنان بر اساس منافع شخصی است، اگر مقداری از زکات به آنان داده شود راضی می گردند و اگر داده نشود، عصبانی می شوند. «و منهم من یلمزک فی الصّدقات فان اُعطوا منها رضوا و ان لم یعطوا منها اذا هم یسخطون»

و در آیه بعد می فرماید: اگر این منافقان (به جای انتقاد و انتقام)، به آنچه خدا و رسول به آنان عطا کرده بود، راضی بودند و می گفتند خداوند ما را کفایت می کند، و در آینده خدا و رسول از فضلش به ما لطف خواهند کرد، برایشان بهتر بود.

سپس آیه 60، با صراحت و قاطعیّت مصرف زکات را در هشت مورد منحصر کرده است.

ما این آیه را به صورت یک تقسیم ریاضی ترسیم می کنیم که جمله صدقات، مقسوم و هشت مورد مصرف، مقسوم علیه باشد و اینک باید شاهد خارج قسمت باشیم که بیانگر چهره نظام اسلامی است.

آری، اگر نظام اسلامی مقداری از اموال اغنیا و پردرآمدها را بگیرد و در مصارف هشت گانه ای که ذکر شده است مصرف کند، جامعه اسلامی به جامعه ای تبدیل می شود که در آن زندگی فقرا تأمین شده است، دل ها جذب و نیروهای اسیر آزاد شده اند، مهره های ورشکسته اقتصادی به حرکت درآمده، انواع کارهای عامّ المنفعه و خداپسندانه صورت گرفته و گرفتاران و درراه ماندگان نجات یافته اند.

در جمله پایانی آیه به دو نکته مهم اشاره می شود: یکی این که تقسیم زکات بر هشت گروه از طرف خداوند واجب شده است: «فریضةً من اللّه» و دیگر جایی برای چانه زدن نیست.

دوّم اینکه سرچشمه این قانون و این نحوه تقسیم، علم و حکمت الهی است: (و اللّه علیم حکیم)

آری، اگر مبنای قانون، اطلاعات محدود بشری، خواسته ها، یافته ها، بافته ها، عادات و رسوم، شرایط سیاسی و اجتماعی، قبیله ای و قومی باشد، جای تردید و اظهارنظر هست که چرا زکات در هشت مورد مصرف شود ولی قانونی که برخاسته از علم و حکمت بی نهایت الهی است و مطابق با عقل و فطرت و نیازهای واقعی بشر در تمام عصرها و نسل هاست، باید با عشق پذیرفته شود و همان گونه که در انجام دستورات پزشک متخصص چون

و چرا نمی کنیم، باید در انجام فرامین الهی نیز تسلیم باشیم.

اگر گفته شود نیازهای افراد یا جوامع در شرایط مختلف تفاوت دارد، پس آیا بهتر نبود مصرف زکات را خود ما تعیین می کردیم؟

در پاسخ می گوییم:

در آیه ای که مصارف هشت گانه زکات مطرح شده است، عبارت «فی سبیل اللّه» به کار رفته که معنای آن این است که زکات را می توان در راه خدا مصرف کرد و راه خدا در هر زمان می تواند مصداق و جلوه ای داشته باشد. گاهی مصداق راه خدا، تأمین امکانات ازدواج برای افراد بی همسر است و گاهی ایجاد شغل برای افراد بیکار، گاهی هم فراهم کردن زمینه برای تحصیل افراد متعهّد. بنابراین تأمین نیازهای واقعی فرد و

جامعه از هر نوع که باشد، مصداق «فی سبیل اللّه» به حساب می آید.

زکات » آیا زکات باید به هشت قسمت مساوی تقسیم شود؟

در آیه شصت سوره توبه برای زکات هشت مصرف نام برده شده که عبارتند از: فقرا، مساکین، دست اندرکاران دریافت زکات، هزینه جذب دل ها، خرید و آزاد کردن بردگان، کمک به بدهکاران، هزینه کردن در کارهای خداپسندانه و عام المنفعه، کمک به مسافرانی که در راه به مشکلات برمی خورند. در اینجا سؤالی مطرح است و آن اینکه آیا باید زکات در این موارد یکسان هزینه شود؟

پاسخ را از امام صادق علیه السلام می شنویم: امام از شخصی به نام عمرو بن عبید می پرسد: زکات مال خود را چگونه تقسیم می کنی؟ گفت: به هشت جزء مساوی. امام فرمود: ممکن است تعداد یک صنف (مثلاً فقرا) ده هزار نفر، ولی تعداد صنف دیگر چند نفری بیشتر نباشد. گفت: بله، ولی تقسیم من یکسان است. امام فرمود: این عمل تو خلاف راه و روش پیامبر است. پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله در تقسیم زکات، مصلحت اندیشی

می فرمودند.(1)



---

1- 274) تفسیر کنزالدّقائق، ج 5، ص 480

آری، زکات از بودجه های حکومت است و باید دست حاکم اسلامی در نحوه مصرف آن باز باشد.

زکات » چرا در جامعه فقیر وجود دارد؟

فقر انواعی دارد: گاهی به خاطر تن پروری است. گاهی به دلیل نادانی است. گاهی به جهت حقارت و خودکم بینی است. گاهی به طور طبیعی است. گاهی هم انتخابی است.

آنجا که ریشه فقر، تن پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار باشد، اسلام به شدّت از آن انتقاد کرده است، ولی در جایی که فقر انتخابی باشد، یعنی انسان زندگی ساده و زاهدانه ای را انتخاب می کند تا گرفتار ثروت اندوزی، جمع مال، حفظ مال، بخل و حرص نشود، در نظر اسلام این فقر ارزش است.

آنچه مربوط به بحث زکات می شود، فقر طبیعی است. یعنی فرد، تمام تلاش خود را کرده است، امّا به دلایل مختلف درآمد او کفاف زندگیش را نمی دهد و یا اصولاً امکان کار و تلاش ندارد، از کار افتاده است و یا سرپرست خانواده در اثر سانحه یا به مرگ طبیعی از دنیا رفته و خانواده اش درآمدی ندارند. این فقر بر اساس تن پروری، جهل، حقارت، استعمار و استثمار نیست. اینجا یک آزمایش الهی برای فقیر و غنی است که

فقیر چه مقدار صبر می کند و غنی چه مقدار بذل می کند. اسلام برای حلّ این نوع فقر دستوراتی از قبیل پرداخت خمس، زکات، انفاق، صدقه و... داده است.

بنابراین کسی نمی تواند بگوید که نظام دینی، ابتدا جامعه را به دو قطب فقیر و غنی تقسیم کرده و سپس سفارش به انفاق و خمس و زکات می نماید، بلکه این امری طبیعی است که بر اساس تفاوت استعدادها، ابتکارات و گاهی مقدّرات حکیمانه الهی جامعه به دو گروه تقسیم می شود، ولی این تفاوت ها با دستورات واجب یا مستحب جبران می شود.

زکات » به چه کسانی نباید زکات بدهیم؟

در این بحث با توجّه به روایات، کسانی که حق گرفتن زکات ندارند، معین شده اند، از جمله:

1- کسانی که می توانند بدون مشقّت حرفه ای بیاموزند و از طریق آن امرار معاش کنند.(1) امام باقر علیه السلام فرمود: «ان الصّدقه لاتحلّ... لذی مرهٍ سوی قویٍ»(2) افراد تندرست و قوی، نباید زکات بگیرند و نباید به آنها زکات داد.

آری، در جامعه افرادی با این که قدرت بر کار کردن دارند، به خاطر تن پروری خود را مشمول زکات می پندازند.

2- به کسی که شارب خمر است، زکات ندهید.(3)



---

1- 275) تحریر الوسیله، امام خمینی(ره).
2- 276) وافی، ج 6، ص 174.
3- 277) وافی، ج 6، ص 192.

3- به کسانی که سرسختانه و با علم و آگاهی با مسلمین عناد می ورزند و نسبت به اهل بیت پیامبر علیهم السلام کینه و لجاجت دارند، زکات ندهید. (1)

4- در روایت می خوانیم: به افراد ناصبی نیز زکات ندهید، مگر آن که از زبان او بترسید و از طریق زکات بتوانید دین و آبروی خود را حفظ کنید. (2) و همچنین نااهلانی که از طریق شعر و تهمت و امثال آن آبروی دیگران را مخدوش می کنند.(3)

5 - امام رضا علیه السلام فرمود: به کسانی که انحراف آنان نسبت به اهل بیت روشن و شناخته شده است، زکات ندهید.(4)

6- به کسانی که تحت سرپرستی و واجب النفقه فرد هستند، زکات نمی رسد. «و کلّ من هو فی نفقتک فلا تعطه»(5)

7- به افراد غَنیّ، زکات پرداخت نمی شود.(6)

8 - به صاحبان حرفه زکات نمی رسد.(7)

9- به کسانی که انحراف عقیده دارند، مثلاً واقفیّه و هفت امامی هستند، زکات پرداخت نمی شود.(8)

البتّه پرداخت کمی از زکات به گروهی که در راه حق نیستند ولی با حق هم لجاجتی ندارند، بلامانع است.(9)



---

1- 278) جامع الأحادیث، ج 9، ص 280.
2- 279) جامع الأحادیث، ج 9، ص 279.
3- 280) جامع الأحادیث، ج 9، ص 280.
4- 281) جامع الأحادیث، ج 9، ص 277.
5- 282) جامع الأحادیث، ج 9، ص 267.
6- 283) وافی، ج 10،ص 160.
7- 284) وافی، ج 6، ص 174.
8- 285) جامع الأحادیث، ج 9، ص 287 - 279.
9- 286) جامع الأحادیث، ج 9، ص 280.

زکات » آداب پرداخت زکات

برای کمک به فقرا، آداب فراوانی ذکر شده است که مراعات آنها ارزش کار را بالا می برد، از جمله:

ادب روحی و روانی

پرداخت زکات باید برخاسته از رضایت قلبی و طیب خاطر باشد. رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: «من اعطی زکاه ماله طیبةً بها نفسه اعطاه اللّه بکل حبّةٍ منها قصراً فی الجنّه من ذهب...»(1) هر کس زکات مال خود را عاشقانه بدهد در برابر هر دانه گندم و جوی که می پردازد، قصری در بهشت دریافت می کند.

حضرت علی علیه السلام فرمود: اگر پرداخت زکات با رضایت قلبی همراه نباشد، فرد گرفتار پشیمانی و از دست دادن پاداش عمل خواهد شد.(2)

نکته دیگر این که زکات دهنده توجّه داشته باشد که هر چه دارد از خداوند است و پرداخت زکات، او را به خودپسندی و غرور که سبب نابودی عمل است نکشاند. قرآن درباره آبادکنندگان مساجد که اهل نماز و زکاتند، می فرماید: «فعَسی اولئک ان یکونوا من المهتدین»(3) امید است که از هدایت شدگان باشند. آری، گاهی عبادات انسان، به خاطر غرور و عجب نابود می شود و انسان را به کمال مطلوب نمی رساند.

ادب اجتماعی

گر چه در ظاهر، زکات به شخص فقیر پرداخت می شود، ولی در حقیقت این خداوند است که زکات را دریافت می کند. «یقبل التّوبه عن عباده و یأخذ الصّدقات»(4) پیامبر و امام و فقیر، نماینده و دست خدا هستند و لذا باید کمال احترام به آنان گذاشته شود.

امام صادق علیه السلام از یکی از یاران خود پرسید: زکات مال خودت را چه می کنی؟ گفت: فقرا نزد من می آیند و به آنها پرداخت می کنم. امام فرمود: این کار تو سبب ذلّت فقرا است و هر کس دوست خدا را ذلیل

کند، گویا در کمین جنگ با او نشسته است.(5) آری به جای آنکه فقرا برای دریافت زکات به در خانه تو آیند، تو باید زکات را به منزل آنان ببری.

در حدیث دیگر می خوانیم: اگر گیرنده زکات از این که بفهمد آنچه به او می دهید زکات است، رنج می برد، زکات را به او بدهید ولی نگویید که این زکات است و مؤمن فقیر را ذلیل نکنید.(6)

در حدیث دیگر می خوانیم: اگر شخصی احساس کند که بهتر است به جای پرداخت پول به فقرا، برای آنان لباس و جنس دیگری خریداری کند، می تواند به جای پرداخت نقدی، لباس و جنس برای



---

1- 287) جامع الأحادیث، ج 9، ص 32.
2- 288) جامع الأحادیث، ج 9، ص 34.
3- 289) سوره توبه، آیه 18.
4- 290) سوره توبه، آیه 104.
5- 291) جامع الأحادیث، ج 9، ص 351.
6- 292) جامع الأحادیث، ج 9، ص 351.

فقرا خریداری کند. «... اشتری لهم ثیابا و طعاما و ادّی انّ ذلک خیر لهم لا بأس»(1)

اسلام برای حفظ آبروی فقیر می فرماید: «لا یعطی احدٌ اقلّ من خمسه دراهم»(2) کمتر از پنج درهم به او ندهید.

امام خمینی قدس سره می فرماید: اگر شخصی از گرفتن زکات شرمنده می شود، مستحب است هنگام پرداخت در قلب نیّت زکات کنید، ولی در عمل آن را به عنوان هدیه پرداخت نمایید.(3)

نه تنها هنگام پرداخت زکات باید آبروی مردم را مراعات کرد، بلکه بعد از آن نیز نباید با منّت گذاشتن، گیرنده زکات تحقیر شود، چنانکه قرآن می فرماید: «لاتبطلوا صدقاتکم بالمنّ و الاذی»(4) منّت و آزار، سبب بطلان پاداش می شود.

اگر بدانیم که فقیر مأمور الهی است تا مال ما را پاک کند و آن را برای قیامت حمل کند، با او برخورد کریمانه ای خواهیم داشت.

در اسلام احترام گذاشتن به فقرا به قدری مهم است که در تاریخ می خوانیم: جنس کمی را نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آوردند. حضرت آن مقدار کم را به بعضی از فقرا داد، ولی نگران شد که مبادا در دل دیگر فقرا کدورتی ایجاد شود. نزد سایر فقرا آمد و رسماً عذرخواهی کرد که چون مال کم بود به همه نرسید و فرمود: به کسانی دادم که حساسیّت آنان بیشتر بود.(5)

ادب زمانی

رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام فرمود: از اخلاق مؤمنین، سرعت در پرداخت زکات است.(6)

سرعت در پرداخت زکات برکاتی دارد از جمله:

الف: نشانه عشق و علاقه نسبت به انجام تکالیف الهی است.

ب: فقیر در اثر تأخیر پرداخت، آبروی خود را با سؤال و درخواست نمی ریزد.

---

1- 293) وسائل، ج 6، ص 115.
2- 294) بحار، ج 96، ص 79.
3- 295) تحریر الوسیله، ج 1، ص 391.
4- 296) سوره بقره، آیه 264.
5- 297) جامع الأحادیث، ج 9، ص 312.
6- 298) جامع الأحادیث، ج 9، ص 49.

ج: راه را به روی وسوسه های شیطان و افراد بخیل یا پیش آمد حوادثی که ممکن است مانع پرداخت شوند، می بندد.

د: فقرا از اضطراب و دغدغه و دلهره، زودتر نجات می یابند.

امام صادق علیه السلام به مناسبت آیه «و آتوا حقّه یوم حصاده»(1) فرمود: قبل از آنکه محصول خود را به خانه ببرید، زکاتش را بدهید که به سخاوت نزدیک تر است.(2)

پرداخت علنی

نکته دیگر در آداب پرداخت زکات آن است که علاوه بر کمک های مخفیانه ای که نشانه اخلاص و حفظ آبروی گیرندگان است، باید گاهی از اوقات پرداخت ها آشکار باشد تا هم دیگران تشویق شده و کمک کردن به دیگران جزء فرهنگ جامعه شود و هم انسان به بخل و بی تفاوتی متهم نشود. امام صادق علیه السلام فرمود: «کلما فرض اللّه علیک فاعلانه افضل من اسراره»(3) هر چه را خداوند واجب نموده است، علنی انجام دهید.

بوسیدن دست

حضرت علی علیه السلام فرمود: «اذا ناولتم السائل فلیُردّ الّذی ناواه یده الی فیه فیُقبّلها فانّ اللّه تعالی یأخذ قبل أن تقع فی یده»(4) هر گاه با دست خود به فقیری کمک کردید، همان دست را ببوسید چون در حقیقت خداوند کمک شما را دریافت کرده است.

درخواست دعا از گیرنده

در روایات می خوانیم که دعای فقیر در حق کسی که به او کمک می کند مستجاب می شود، لذا از فقیر تقاضا کنید تا در حق شما دعا کند.(5)

پرداخت در مسجد

هنگامی که یاران رسول خدا صلی الله علیه وآله اموالشان به مقدار نصاب می رسید، زکاتشان را به مسجد می آوردند و حضرت در همان مکان زکات جمع شده را میان فقرا تقسیم می فرمودند.(6)

1- 299) سوره انعام، آیه 141.
2- 300) جامع الأحادیث، ج 9، ص 195.
3- 301) جامع الأحادیث، ج 9، ص 240.
4- 302) محجّه البیضاء، ج 12، ص 93.
5- 303) زکات در اندیشه ها، ص 22.
6- 304) جامع الأحادیث، ج 9، ص 86 . دوری از گناه

رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمودند: هر کس زکات مال خود را به مستحق بدهد و نماز را با شرایط و حدود معین شده انجام دهد و بعد از نماز و زکات گناهی که سبب بطلان عملش شود انجام ندهد، در روز قیامت همه به او غبطه می خورند.(1)

پرداخت از حلال

خداوند پاک و طیّب است و جز مال پاک را نمی پذیرد.(2)

گروهی قبل از اسلام آوردن درآمدهای ناحقی داشتند، هنگامی که اسلام آوردند خواستند آن اموال نامشروع را صدقه بدهند که پیامبر اجازه نفرمود.(3)

امام حسین علیه السلام فرمود: صدقه دل پسند صدقه ای است که انسان با عرق پیشانی و غبار صورت آن را به دست آورد و به فقرا بپردازد.(4)

پرداخت از مال مرغوب

قرآن می فرماید: «لن تنالوا البرّ حتّی تنفقوا مما تحبون»(5) به نیکی نمی رسید مگر آنکه از آنچه دوست دارید، در راه خدا انفاق کنید.

قرآن از مشرکانی که در تقسیم مال خود بخش های ناپسند را سهم خداوند قرار می دادند، انتقاد می فرماید. «یجعلون للّه ما یکرهون»(6)

آری این عمل یک نوع بی ادبی نسبت به مقام پروردگار است.(7)

قرآن می فرماید: «انفقوا من طیّبات ما کسبتم و ممّا اخرجنا لکم من الأرض و لاتیمّموا الخبیث منه»(8) از اجناس دل پسندی که به دست آورده اید و یا ما برای شما از زمین بیرون آورده ایم، به دیگران انفاق کنید و هرگز به فکر انفاق از مال نامرغوب نباشید.

بر اساس روایات، در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی بدترین نوع خرما(9) را به فقرا می دادند و قرآن با جمله «و لا تیمّموا الخبیث منه» آنان را از این عمل بازداشت.(10)

برداشت محصول در برابر چشم مردم

---

1- 305) جامع الأحادیث، ج 9، ص 33.
2- 306) محجّه البیضاء، ج 3، ص 89 .
3- 307) جامع الأحادیث، ج 9، ص 184.
4- 308) جامع الأحادیث، ج 9، ص 186.
5- 309) سوره آل عمران، آیه 92.
6- 310) سوره نحل، آیه 62.
7- 311) محجّه البیضاء، ج 2، ص 89 .
8- 312) سوره بقره، آیه 267.
9- 313) خرمایی بود که هسته آن بزرگ ولی گوشت آن کم بود.
10- 314) جامع الأحادیث، ج 9، ص 184.

امام صادق علیه السلام فرمود: محصولات کشاورزی خود را شبانه برداشت نکنید، سپس این آیه را تلاوت فرمودند: «و آتوا حقه یوم حصاده»(1) یعنی حق محرومان را در روز برداشت بدهید و فرمود: اگر شما محصول خود را شبانه برداشت کنید، فقرا اطلاع پیدا نمی کنند و گرسنه می مانند و شما از برکات پرداخت زکات محروم می مانید.(2)

زکات » چگونگی پرداخت زکات

آیا بهتر است زکات را مردم با دست خود و مستقیماً به فقرا بدهند یا از طریق حکومت اسلامی و حاکم پرداخت شود؟

شاید از آیات و روایات بتوان استفاده کرد که اصل و قانون آن است که زکات از طریق حاکم اسلامی جمع آوری و تقسیم شود زیرا:

1- خداوند پیامبرش را مأمور گرفتن زکات کرده است، «خُذ من اموالهم صدقه»(3) اگر گرفتن رسول خدا واجب است، پس پرداخت مردم به پیامبر نیز واجب می باشد.

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود: «اُمرتُ ان اخذ الصدقه من اغنیاءکم فَاَردّها فی فقراءکم»(4) من مأمورم که از اغنیا زکات بگیرم و به فقرا بدهم. پس از پیامبر اسلام نیز امامان معصوم علیهم السلام مسئول این بوده اند.

شخصی می گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که زکات فطره برای کیست؟ حضرت فرمود: برای امام است، گفتم این خبر را نقل کنم؟ فرمود: بله(5)

2- پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله برای زکات، کارگزارانی تعیین کرده بود که در قرآن از آنان به نام عاملین یاد شده است، این افراد از طرف حضرت مسئول جمع آوری زکات بودند.(6) از جمله: شخصی به نام رافع را به سوی قبیله جهینه، بسر را به سوی قبیله بنی کعب، ولید بن عقبه را به سوی قبیله بنی المصطلق و مردی از بنی سعد را به سوی قبیله بنی سعد فرستاد.(7)



---

1- 315) سوره انعام، آیه 141.
2- 316) جامع الأحادیث، ج 9، ص 196.
3- 317) سوره توبه، آیه 103.
4- 318) جامع الأحادیث، ج 9، ص 239.

5- 319) جامع الأحاديث، ج 9، ص 403.
6- 320) وسائل، ج 6، ص 3.
7- 321) برگرفته از مغازی ترجمه مهدوی دامغانی، ج 3، ص 740.

3- حضرت علی علیه السلام نیز افرادی را برای جمع آوری زکات می فرستاد و در نهج البلاغه حدود 20 دستور برای شیوه برخورد آنان با مردم بیان شده است.(1)

4- در قرآن می خوانیم: بعضی از منافقان به نحوه تقسیم زکات پیامبرصلی الله علیه وآله اعتراض می کردند و نیش می زدند، اگر جمع آوری و تقسیم زکات مربوط به پیامبر نبود، دلیلی برای تحمّل این همه نیش نبود. بگذریم که قرآن می فرماید: «و منهم من یلمزک فی الصّدقات فان اُعطوا منها رضوا»(2) «انتقاد و سرزنش این منافقان برخاسته از عقده و منافع شخصی آنهاست و هرگاه کمی از زکات به آنها داده شود، دیگر

انتقاد نمی کنند».

5 - سهمی از زکات برای جذب دلها اختصاص داده شده است. «مؤلفه قلوبهم»

رسول خدا صلی الله علیه وآله برای جذب رؤسای قبائل چیزهایی به آنها می داد و شکی نیست که رئیس قبیله جذب افراد عادی نمی شود، ولی جذب رئیس حکومت می شود. پس باید زکات نزد حاکم اسلامی جمع آوری و با نظارت او تقسیم شود تا بتوان افرادی را به اسلام جذب نمود.

6- در روایات برای حاکم اسلامی وظایفی تعیین شده است، از جمله اینکه بدهی بدهکاران را بپردازد. «فعلی الامام ان یعطیه»(3)

و در بعضی روایات می خوانیم که حاکم باید بخشش هایی داشته باشد. «فعلی الامام أن یعطیهم»(4)

بنابراین مکتبی که برای امام و حاکم اسلامی هزینه تعیین می کند باید منبع درآمد هم معیّن نماید. پس زکات باید در دست حاکم اسلامی باشد.

7- در روایات می خوانیم: پنهان کردن زکات از امام، نشانه نفاق است.(5)

اگر پنهان کردن زکات نشانه نفاق است، پس باید زکات نزد امام المسلمین جمع آوری و توسط او تقسیم شود.

8 - در صدر اسلام افرادی کارشناس و متخصص در تخمین مبلغ زکات بودند و از طرف رسول خدا صلی الله علیه وآله و حضرت علی علیه السلام به مناطق اعزام می شدند. اگر پرداخت زکات از وظائف فردی باشد و از وظائف رسمی نظام اسلامی نباشد، نیازی به فرستادن گروه تخمین و ارزیابی از طرف حکومت نبود.



---

1- 322) جامع الأحادیث، ج 9، ص 331.
2- 323) سوره توبه، آیه 58 .
3- 324) جامع الأحادیث، ج 9، ص 259.
4- 325) جامع الأحادیث، ج 9، ص 265.
5- 326) مستدرک الوسائل، ج 7، ص 123.

9- حضرت علی علیه السلام به مخنف بن قیس که مسئول زکات بود، فرمود: «لیس له ان ینزل بلادنا و یؤدی صدقه ماله الی عدوّنا...» هر کس از پیروان ما که زکات مال خود را به کارگزاران شام پرداخت کند، درست نیست، زیرا نیروی سواره و پیاده ما از او حمایت کرده است و سزاوار نیست که افرادی از خدمات ما بهره مند شوند، ولی زکات اموالشان را به دشمنان ما بدهند.(1)

از این حدیث معلوم می شود که زکات بودجه حکومت است و باید به حاکم داده شود تا امنیّت منطقه را با تدبیر، تأمین کند.

10- حضرت علی علیه السلام در نامه های 25، 26 و 67 به مسئول زکات سفارشاتی می کند که نشان می دهد باید اختیار زکات به دست حاکم اسلامی باشد، نمونه آن، این که می فرماید:

زکات را به حاکم اسلامی برسانند تا او تقسیم نماید.

زکات را فوری نزد ما آورید، تا بر طبق کتاب خدا و سنّت پیامبرش تقسیم کنیم.

حضرت علی علیه السلام به مأمور خود می گوید: «ارسلنی الیکم ولیّ اللّه و خلیفته حتّی أخذ منکم حق اللّه فی اموالکم. فهل فی اموالکم من حق فتؤدّوه الی ولیّه»(2) به مردم بگو! ای بندگان خدا، ولیّ خدا مرا نزد شما فرستاده است تا حق خدا را که در اموال شماست بگیرم، پس آیا برای خداوند در اموال شما حقی هست تا آن را به ولی خدا برسانم؟ به همین دلیل ابوبکر با گروهی که زکات نمی دادند برخورد نظامی کرد و در

تاریخ نام آن گروه به اصحاب ردّه معروف شده است.

11- دلیل پرداخت زکات حل مشکلات فقراست و اگر قدرت حکومت نباشد، بسیاری از مردم زکات نمی دهند و فقرا در فقر می سوزند. بنابراین باید حاکم اسلامی در مسأله زکات نقش فعال و قهار داشته باشد.

12- اگر قرار باشد هر کس با دست خود زکات مال خود را به افراد مستحق بدهد و نظارت حاکم اسلامی در کار نباشد، افراد زیادی سوء استفاده کرده و از چند نفر زکات می گیرند.

13- در تأمین زندگی فقرا از طریق حکومت، ذلت و خواری و تحقیر نیست. ولی اگر فقیر به طور مستقیم از دست افراد کمک بگیرد، احساس حقارت می کند. بنابراین برای حفظ کرامت و آبرو و شخصیّت فقرا باید زکات نزد حاکم عادل اسلامی جمع آوری و تقسیم شود.

14- امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می نویسد: بهتر است که زکات را در زمان غیبت حضرت مهدی علیه السلام به فقیه و حاکم اسلامی بدهند. زیرا او به محل مصرف آن آگاه تر است و اگر فقیه و حاکم اسلامی بنابر مصلحت اسلام یا مسلمانان حکم کند که مردم زکات مال خود را به او بپردازند، پیروی از وی هر چند که از او تقلید نکنند، واجب است.(3)



---

1- 327) مستدرک الوسائل، ج 7، ص 107.
2- 328) نهج البلاغه، نامه 25.
3- 329) تحریر الوسیله، ج 1، ص 343.

سؤال: با این همه دلائل، چرا گروهی از بزرگان فقها بر این عقیده اند که مردم خودشان زکات مالشان را بپردازند؟

پاسخ: شاید دلیل این بزرگان حدیثی باشد که می فرماید: «اخرجها من مالک... ثم اعطها کیف شئت»(1) زکات را از مال خود خارج کن و هرگونه مصلحت می دانی خرج کن.

البتّه ممکن است این روایات در زمان تقیّه صادر شده باشد که دست امامان معصوم علیهم السلام در آن هنگام بسته بوده است و قدرتی برای جمع آوری زکات نداشتند و اگر اموالی را جمع آوری و تقسیم می کردند، کینه و حسادت حاکمان ستمگر را برمی انگیختند و برای طرفداران وفاداری که برای رساندن زکات به آن بزرگواران مراجعت می کردند، ایجاد زحمت می کردند. به همین دلیل امامان معصوم علیهم السلام برای

حفظ جان طرفداران خود، دستور می دادند که هر کس زکات مالش را خودش بدهد و هر کس به شما زکات داد، بگیرید و هر کس نداد کاری به او نداشته باشید.

ناگفته پیداست که اکثر مراجع تقلید (حفظهم اللّه) به پرداخت کنندگان، اجازه پرداخت زکات را می دهند.

زکات » مقدار دریافت زکات

امکانات نسبی مانع گرفتن زکات نیست، به چند حدیث توجّه کنید:

شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: فلانی منزلی دارد که چهار هزار درهم ارزش دارد، شتری دارد که هر روز دو تا چهار درهم علاوه بر هزینه علف سود دارد، به علاوه همسر و غلام دارد. امام فرمود: «فَتَأمُرنی اَنْ امره ان یبیع داره و هی عزّه و مسقط رأسه او یبیع جاریته التی نقیّه الحر و البرد و تصون وجهه و وجه عیاله او امره اَن یبیع غلامه و جَمَله و هی معیشته و قوّته؟ یأخذ الزکاه فهی له حلال و لا یبیع

داره و لا غلامه و لا جَمَله»(2) آیا از من می خواهی که او را وادار کنم منزلی که زادگاه و سبب عزّت اوست یا غلام و شتری که وسیله زندگی اوست بفروشد؟ ! هرگز، او می تواند زکات بگیرد و لازم نیست خانه و شتر و غلامش را بفروشد.

به امام صادق علیه السلام گفتند: عیسی بن اعین به نیازمندی چنین گفت: چون دیدم که تو گوشت و خرما خریدی، پس فقیر نیستی و با اینکه زکات دارم به تو نمی دهم. هر چه فقیر عذر آورد که خرید گوشت و خرما دائمی نبوده است، بر عیسی بن اعین اثر نکرد. امام برای مدتی دست مبارکشان را بر پیشانی گذاشتند سپس سر بلند کرده و فرمودند: خداوند عنایتی به اموال اغنیا و



---

1- 330) وسائل، ج 6، ص 213.
2- 331) وافی، ج 10، ص 172.

سپس توجّهی به اموال فقرا فرمود، پس در اموال اغنیا

سهمی که برای فقرا کافی باشد قرار داد.(1)

شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: از سهم زکات تا صد درهم به فقیر بدهم؟ حضرت فرمود: بله.

پرسید: از سهم زکات تا دویست درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا سیصد درهم بدهم؟ فرمود: بله

پرسید: از سهم زکات تا پانصد درهم به فقیر بدهم؟ فرمود: بله آن قدر بده تا او را بی نیاز کنی.(2)

امام صادق علیه السلام از حضرت علی علیه السلام نقل می فرماید که: «انّما هی لاقوام لیس لهم فی الاماره نصیب و لا فی العماره حظٌّ و لا فی التّجاره مال و لا فی الاجاره معرفه و قدره ففرض اللّه فی اموال الأغنیاء ما یقوتهم و یقوم بِاَوَدَهم»(3) زکات برای کسانی است که نه مقام حکومتی دارند و نه ساختمانی و نه ثروت و تجارتی، و نه برای اجیر شدن آشنایی با حرفه ای دارند و نه توان بدنی برای کارهای

ساده، پس خداوند در اموال اغنیا سهمی را برای این افراد واجب فرموده است، به مقداری که در زندگی فلج نباشند و بتوانند روی پای خود بایستند.

از امام پرسیدند: زندگی شخصی از طریق پدر یا عمو و یا برادرش در حدّ ساده تأمین می شود. آیا می تواند برای توسعه زندگی زکات بگیرد؟ امام فرمود: مانعی ندارد.(4)

در حدیث دیگری می خوانیم: برای ازدواج کردن می توان زکات گرفت.(5)

در حدیث دیگری آمده است که فقیر می تواند به قدری بگیرد که حتّی بتواند صدقه بدهد.(6)

در بعضی روایات می خوانیم: فقیر می تواند زکات بگیرد و زندگی خود را تأمین نماید و حتّی اگر حج نرفته است، با آن به مکّه نیز برود.(7)

البتّه باید توجّه داشت که رفتن به مکه در آن زمان از مدینه یک هزینه استثنائی به حساب نمی آمده است.

ص: 77

---

1- 332) وافی، ج 10، ص 177.
2- 333) جامع الأحادیث، ج 9، ص 306.
3- 334) جامع الأحادیث، ج 9، ص 236.
4- 335) جامع الأحادیث، ج 9، ص 254.
5- 336) وافی، ج 10، ص 177.
6- 337) وافی، ج 10، ص 175.
7- 338) وافی، ج 10، ص 177.

گیرندگان خمس و زکات و انفاقات نیز باید به نکاتی توجّه نمایند:

1- آنچه می گیرند در موارد ضروری صرف کنند.

2- از پرداخت کننده تشکر و در حق او دعا کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود: «لعن اللّه قاطعی سبیل المعروف فیکفره فیمنع صاحبه من ان یصنع ذلک الی غیره»(1) خدا لعنت کند کسی را که راه خیر را به روی دیگران می بندد. از کمک کنندگان تشکر نمی کند و آنان را با بی اعتنایی و کفران خود، از این که به دیگری کمک کنند، دلسرد می کند.

3- نه پرداخت کننده را تحقیر کند و نه آنچه را می گیرد.

کسانی که مال اندک خود را خالصانه برای کمک به جبهه به رسول خداصلی الله علیه وآله می دادند، مورد تحقیر بعضی از افراد قرار می گرفتند و قرآن این تحقیر را به شدّت نکوهش می کند. «الّذین یلمزون المطّوِعین من المؤمنین فی الصّدقات و الّذین لایَجِدون الاّ جُحدَهم فیسخرون منهم سَخِر اللّه منهم و لهم عذاب الیم»(2)

4- اموال شبهه ناک را نگیرد.

گاهی اوقات، افرادی برای اهداف نابجا اموالی را به نام هدیه، چشم روشنی، عیدی، سوغاتی و غیره به دیگران می دهند تا دل آنان را به سوی خود جذب کنند و بستر را برای رسیدن به اهداف خود آماده نمایند. جالب آنکه هیچ مقامی از تیررس و شکار این افراد مصون نیست.

این قبیل افراد از بردن هدایایی در دل شب به در خانه حضرت علی علیه السلام نیز دریغ ندارند.(3)

5 - بیش از نیاز خود نگیرد.

6- ضمن تشکر از پرداخت کننده، خدا را سرچشمه لطف بداند و مردم را به عنوان واسطه فیض تلقّی کند.(4)

زکات » گیرندگانی که اولویّت دارند

والدین و بستگان

در قرآن می خوانیم: «قل ما انفقتم من خیر فللوالدین و الأقربین»(5) هر چیزی که می دهید قبل از هر کس، والدین وبستگان خود را در نظر بگیرید.



---

1- 339) محجّه البیضاء، ج 2، ص 91.
2- 340) سوره توبه، آیه 79.
3- 341) در نهج البلاغه با واژه «طارق» (کسی که شب پیدا می شود) از این قبیل افراد نام برده شده است.
4- 342) محجّه البیضاء، ج 2، ص 90.
5- 343) سوره بقره، آیه 215.

حتّی اگر وصیّت می کنید، قبل از هر کس برای والدین و بستگان خود وصیّت کنید. «ان ترک خیراً الوصیه للوالدین و الاقربین»(1)

شعار اسلام این است که «لا صدقه و ذو رحم محتاج»(2)، اگر بستگان محتاج باشند کمک شما به دیگران ارزش ندارد.

## طرفدارن مکتب اهل بیت علیهم السلام

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: زکات حق کیست؟ فرمود: طرفداران ما. پرسیدند: اگر زیاد آمد، فرمود: به همان افراد اضافه بدهید و این سؤال را چند بار تکرار کردند، باز امام فرمود: به طرفداران مکتب اهل بیت علیهم السلام اضافه بدهید و سؤال را تکرار کردند. امام صادق علیه السلام با کلمه «لا و اللّه» فرمود: به غیر آنان ندهید، مگر در شرایط حسّاسی که نیاز به ترحّم باشد که در این صورت به حدّاقل اکتفا

کنید. سپس امام برای بیان حداقل، انگشت شصت خود را روی چهار انگشت گذاشتند.(3)

البتّه اکتفا به حداقل در مواردی است که مخالفان در برابر اهل بیت، سرسختی کنند ولی اگر مخالفتشان بر اساس لجاجت نباشد و یا احتمال جذب و گرایش آنان به مکتب اهل بیت وجود داشته باشد، شاید بتوان از باب «مؤلفه قلوبهم» سهم چشم گیری از زکات به آنان پرداخت کرد.

بنابراین جایگاه اصلی مصرف زکات، طرفداران مکتب اهل بیت هستند و مصرف زکات درباره غیر آنان باید در چهارچوب اصول و نظریه فقها عمل شود.

## اهل ایمان و تقوی

در روایات می خوانیم، نسبت به مؤمنین تا 000/10 (درهم و دینار) بخشیده شود، ولی نسبت به نااهل و فاجر به مقدار حداقل. زیرا مؤمن کمک را در راه اطاعت خدا و فاجر در راه معصیت خدا صرف می کند. «لانّ المؤمن ینفقها فی طاعه اللّه عزّ و جلّ و الفاجر فی معصیه اللّه عزّ و جلّ»(4)

آری، کمک رسانی به افراد متّقی، گامی در توسعه خیر و برکت و صلاح است و کمک رسانی به نااهل، گامی در گسترش فساد و تباهی، و انسان باید به وسیله زکات علاوه بر سیر کردن گرسنگان، مکتب حق و راه صلاح را گسترش دهد.

کمک به اهل علم، توسعه فرهنگ است. از امام باقر علیه السلام پرسیدند: چگونه مال خودم را به دیگران عطا کنم؟ فرمود: بر اساس فقه، عقل و سابقه هجرت.(5)



---

1- 344) سوره بقره، آیه 180.
2- 345) بحار، ج 77، ص 59 .
3- 346) جامع الأحادیث، ج 9، ص 277.
4- 347) جامع الأحادیث، ج 9، ص 266.
5- 348) وافی، ج 10، ص 203.

# آبرومندان

قرآن می فرماید: «للفقراء الّذین اُحصروا فی سبیل اللّه لا یستطیعون ضرباً فی الأرض یحسبهم الجاهل اغنیاء من التعفّف تعرفهم بسیماهم لایسئلون النّاس اِلحافاً»(1) (انفاق شما) برای نیازمندانی باشد که در راه خدا در تنگنا قرار گرفته اند (و حمایت آنان از آیین خدا آنها را از وطن خویش آواره ساخته و شرکت درمیدان های جهاد به آنان اجازه نمی دهد تا برای تأمین هزینه زندگی، دست به کسب و تجارت

بزنند)، نمی توانند مسافرتی کنند و از بس اهل صبر و حیا هستند، بی خبران آنها را بی نیاز می پندارند، امّا آنها را از چهره هایشان می شناسی (که صورت خود را با سیلی سرخ نگه می دارند) و هرگز با اصرار چیزی از مردم نمی خواهند.

بر همین مبنا در رساله مراجع تقلید می خوانیم: مستحب است در پرداخت زکات، کسانی را که اهل سؤال نیستند، بر اهل سؤال مقدّم بدارید.

امام صادق علیه السلام فرمود: به فقرایی که در جامعه عزیزتر و دارای منش و جلوه ای هستند، گاو و گوسفند و شتر را (به قصد زکات) هدیه کنید، امّا به فقرای معمولی درهم و دینار را به عنوان زکات بدهید.

از حضرتش پرسیدند: دلیل این تفاوت چیست؟ فرمود: در جامعه فقرایی هستند که زندگی خوبی داشته اند و از گرفتن صدقه خجالت می کشند. بنابراین باید در پرداخت، به زیباترین نوع با آنان برخورد شود. «یدفع الیهم اجمل الأمرین عند النّاس».(2) نکته مهم و قابل توجّه اینجاست که امام با این که فرمود برای افراد با شخصیّت گاو و شتر بفرستید، لکن در پایان حدیث، زیبایی کار را به مردم واگذار کرد: «اجمل الامرین

عند الناس» زیرا ممکن است در شرایطی و درمناطقی هدیه کردن گاو و گوسفند سبک و اهدای طلا و نقره سنگین تر باشد.

بنابراین ملاک در پرداخت زکات، آن است که ما حالات و شرایط گیرنده را با شرایط حاکم بر جامعه و افکار عمومی در نظر بگیریم و هر کدام زیباتر است، همان راهدیه کنیم.

فراموش نمی کنم که برای تبلیغ به روستایی رفتم. مردم آن جا شیر گاو گوسفند خود را در روز عاشورا در دیگ های بزرگی می ریختند و شیر روز عاشورا را هدیه امام جماعت و روحانی منطقه می کردند. سپس شیرها را ماست و پنیر کرده و بعد از عاشورا به جای پول به او می دادند. من که در آن زمان تازه داماد بودم و نیاز به پول داشتم، مجبور شدم ظرف های پنیر را از روستا به شهر آورده و بفروشم و این خاطره تلخ را بعد

از سی سال هنوز فراموش نکرده ام. اگر مردم آن منطقه که عاشق امام حسین علیه السلام و مخلص بودند و به قصد خدمت این عمل را انجام می دادند، به حدیث فوق توجّه می کردند و آن نیّت خالصانه با رفتاری همراه می گشت که گیرنده کمک به دردسر نیفتد، روحانی تازه داماد مجبور به پنیرفروشی نمی شد!



---

1- 349) سوره بقره، آیه 273.
2- 350) وافی، ج 10، ص 205.

## کسانی که نیاز بیشتری دارند

رسول خدا صلی الله علیه وآله عطاهای خود را بر اساس نیاز افراد در نظر می گرفتند. «کان النّبیّ یعطی العطاء علی قدر عیله»(1)

## ثروتمندان دیروز

کسانی که در گذشته، خود اهل بذل و بخشش و پرداخت زکات بوده اند، ولی امروز محتاج زکات هستند، سزاوار است در اولویّت دریافت زکات قرار گیرند.(2)

## اهل منطقه

در روایات می خوانیم: رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات بادیه نشینان را به بادیه نشینان و زکات شهرنشینان را بین شهرنشینان تقسیم می فرمود.(3)

امام صادق علیه السلام فرمود: نه صدقه مهاجرین برای اعراب حلال است و نه صدقه اعراب برای مهاجرین.(4) البتّه این در صورتی است که در منطقه فقیر وجود داشته باشد، امّا اگر در منطقه ای نیازمند نبود، انتقال زکات به غیر بلامانع است.(5)

زکات » شیوه دریافت زکات

حضرت علی علیه السلام در نامه بیست و پنجم نهج البلاغه دستوراتی به دست اندرکاران دریافت زکات می دهد که چون آن دستورات، امروز برای همه کسانی که از طرف دولت اسلامی برای انجام مأموریّتی به سراغ مردم می روند مفید است، آن نامه را نقل و ترجمه می کنم:

1- انگیزه تو برای گرفتن زکات، انجام فرمان خداوند یکتا باشد، نه امر دیگر. «انطلق علی تقوی اللّه وحده...»

2- هیچ مسلمانی را مترسان. (فکر نکن چون تو مأمور حکومت هستی باید مردم از تو حساب ببرند و تو متکبّرانه و با ژست بر آنان وارد شوی). «لا تروّعنَّ مسلما»

3- در صورت کراهت مردم، حق نداری وارد زمین و مزرعه و باغ آنان شوی. «لاتجتازنّ علیه کارهاً»

4- بیش از حق خدا از آنان نگیر. «لاتأخذنّ منه اکثر من حقّ اللّه»



---

1- 351) محجّه البیضاء، ج 2، ص 92.
2- 352) محجّه البیضاء، ج 2، ص 91.
3- 353) بحار، ج 100، ص 20.
4- 354) وافی، ج 10، ص 202.
5- 355) جامع الأحادیث، ج 9، ص 385.

5 - هر گاه بر قبیله ای وارد شدی، به منزل مردم نزو بلکه کنار چشمه آبی فرود آی. «انزل علی مائهم من غیر ان تخالط ابیاتهم»

(مهمان شدن کارمندان آفاتی دارد، از جمله ممکن است به خاطر پذیرایی، قلب کارمند جذب صاحبخانه شود و در گرفتن حق خدا از او سهل انگاری کند و ممکن است مردم میزبان را واسطه قرار دهند تا کمتر بگیرد، یا ممکن است میزبان در قبیله خود افتخار و از میزبانی خود سوءاستفاده کند.)

6- با آرامش و وقار بر مردم وارد شو. (بوق و کاروان و اسکورت و هیأت همراه لازم نیست). «ثم امض الیهم بالسّکینه و الوقار»

7- تو بر مردم وارد شو وبر آنان سلام کن، (نه انتظار سلام از مردم داشته باش و نه انتظار اینکه مردم گرد تو جمع شوند). «تقوم بینهم فتسلّم علیهم»

8 - از احترام به مردم فروگذار مکن. «و لا تخرج الاّ بالتّحیّه»

9- در گرفتن زکات، خدا محوری را فراموش مکن و به مردم بگو: شما بنده خدا هستید، «عباد اللّه» و من فرستاده و مأمور خدا هستم «ارسلنی الیکم ولیّ اللّه» و سهمی که می دهید حق خداست. «لاخذ منکم حق اللّه»

10- در گرفتن زکات از مردم پیش داوری نکن، بلکه از خود مردم سؤال کن که آیا در مال شما حق خدا هست یا نه؟ اگر هست، حق خدا را به ولی خدا بدهید. «فهل للّه فی أموالکم من حق فتُؤدّوه الی ولیّه»

11- به مردم اعتماد کن و اگر کسی گفت حقّ خدا در مال من نیست، گفتارش را بپذیر و دوباره به او مراجعه نکن. «فانْ قال لا، فلا تراجعه»

12- چون کسی که زکات می دهد به تو لطف می کند، «فان انعم لک منعمٌ» همراه او حرکت کن (فانطلق معه) و در مسیر راه او را مترسان، تهدید مکن و سخت نگیر. «من غیر ان تخیفه او توعده او تعسفه او تُرهقه»

13- هر چه از طلا و نقره داد بگیر و چانه نزن، «فخذ ما اعطاک» اگر شتر و گوسفند دارد چون سهم او بیش از سهم زکات است، بدون اجازه او وارد بر آنها مشو. «فان کان له ماشیه او ابل فلاتدخلها الاّ باذنه فانّ اکثرها له»

14- هنگامی که وارد آغل شدی، سخت گیری نکن و صاحبش را مرنجان. «لاتدخل علیها دخول متسلط علیه... و لاتسُوءن صاحبها»

15- حیوانات را رم نده و آرامش آنها را نگیر. «لاتنفّرن بهیمه و لاتفزعنّها»

16- در تمام مراحل حال مردم را مراعات کن. گله و دام را دو بخش کن. هر بخش را صاحبش اراده کرد، بردارد و شما بخش دیگر را انتخاب کن. بار دوم بخشی که سهم تو است به دو قسمت

تقسیم کن، باز هم هر قسمت را که او خواست بردارد آزاد است و این کار را آن قدر تکرار کن تا سهم زکات در آخرین تقسیم تو روشن شود.

17- پشیمانی مردم را در انتخاب بخشی که برداشته است، بپذیر. «فان استقالک فاقله»

18- حیوان پیر و از کار افتاده، دست و پا شکسته و عیب دار را مگیر.(1) «لاتأخذن عوداً و لا هَرِمه و لا مسکوره و لا مهلوسه و لا ذات عوار»

19- سهم خدا را به کسی بسپار که به دین و دلسوزی او نسبت به مال مسلمین اطمینان داری. «لاتأمنّن علیها الاّ من تثق بدینه رافقاً بمال المسلمین»

20- سهمی که جمع آوری شده باید به دست ولی مسلمین برسد و او آن را میان فقرا تقسیم کند و کسی که حیوانات زکاتی نزد ما می آورد، باید شخصی مهربان و درستکار باشد، درشتی نکند، آنها را به سختی نراند و خسته نکند. «لاتوکّل بها الاّ ناصحاً شفیقاً امیناً حفیظاً غیرمعنّف و لامُجْحِف و مُلعبٍ و لا متعبٍ»

21- شتری که به عنوان زکات گرفته می شود از بچه اش جدا نشود. «لایحول بین ناقه و بین فصیلها»

22- تمام شیر آن را ندوش و مقداری از شیر برای بچه اش در پستان باقی بگذار. «و لا یمصر لبنها فیضرّ ذلک بولدها»

23- با سوار شدن بر حیواناتی که به عنوان زکات گرفته شده اند، آنها را خسته نکن. «لایجهدنّها رکوباً»

24- در دوشیدن شیر و سوار شدن، عدالت را میان شتران مراعات کن. (مبادا یک شتر را یک ساعت سوار شوی و یک شتر را دو ساعت) «و لیعدل بین صواحباتها»

25- اگر حیوانی در مسیر راه خسته شد، باید به او استراحت داد. «و لیُرفّه علی اللاغب»، حیوانی را که پایش سائیده شده و حیوانی که به خاطر درد لنگان و کج می رود، با آرامش براند. «و لیستأن بالنقب و الظالع»، در مسیری که حیوانات زکاتی را می بری اگر به محل های آب

رسیدی، آنها را وارد کن. «و لیوردها ما تمرّ من الغُدر»، مسیر حیوانات را از جادّه های سرسبز به مناطق بی گیاه تبدیل نکن. «و لایعدل بها عن

نبت الأرض الی جواد الطّریق»، به حیوانی که خسته شد استراحت ده. «و لیروحّها فی الساعات»، و چون به آب و گیاه رسیدند به آنها مهلت بهره گیری ده. «و لیمهلها عند النطاف و الاعشاب».



---

1- 356) از قطب راوندی نقل شده که ظاهر سخن امام این است که اول حیوانات معیوب و پیر را از گله جدا کن، بعد حیوانات سالم را دو بخش و هر بخش را باز به دو بخش تقسیم کن تا آنکه در آخرین بخش سهم زکات روشن شود.

همه این دستورات برای آن است که حیواناتی که سهم فقرا است فربه و پرمغز نزد ما جمع شود و ما آنها را طبق کتاب خدا و سنّت پیامبرصلی الله علیه وآله تقسیم کنیم، البتّه مراعات این دستورات در مأموریّتی که داری پاداش تو را بزرگتر و رشد معنوی تو را ان شاء اللّه بیشتر می نماید.

در این چند سطر نهج البلاغه، این همه دستور برای انجام یک مأموریّت، نشان دهنده جامعیّت و دقت و لطافت اسلام است.

راستی اگر همین یک نامه را برای اهل توحید بخوانیم، خدامحوری آن همه را جذب می کند. اگر برای حقوقدانان و کسانی که دم از بشردوستی می زنند بخوانیم، باید در برابر این نامه سجده کنند. اگر برای طرفداران حقوق حیوانات بخوانیم، از ادعاهای خود دست برمی دارند. زیرا در این نامه، هم خداوند محور همه چیز است و هم به مردم در عالی ترین سطح، احترام گذاشته شده است و هم حق حیوانات مراعات شده.

محوریّت خدا در کلماتی از قبیل: تقوی اللّه، عباد اللّه، ولیّ اللّه، حقّ اللّه، کتاب اللّه، سنّه رسول اللّه، امر اللّه، ان شاء اللّه، به چشم می خورد.

احترام به مردم در جملاتی از قبیل:

1- نترساندن مردم. «لاتروّعنّ مسلما»

2- عدم مزاحمت برای مردم در منزل و باغ و مزرعه. «من غیر ان تخالط ابیاتهم»

3- حضور در میان مردم. «تقوم بینهم»

4- سلام بر مردم. «فتسلم علیهم»

5 - پرسش از مردم. «فهل للّه فی اموالکم»

6- اعتماد به مردم. «فان قال لا فلاتراجعه»

7- نرمی با مردم. «من غیر ان تخیفه، توعده، تعسفه، ترهقه»

8 - آزار ندادن مردم. «لاتسوءن صاحبها»

9- آزادی دادن به مردم. «ثم خیره»

10- پذیرش عذر مردم. «فان استقالک فاقله»

11- اجازه گرفتن از مردم. «لاتدخلها الاّ باذنه»

به چشم می خورد. در این نامه مراعات حقوق حیوانات در عالی ترین سطح مطرح است، حیوان را نترسان، تمام شیرش را مدوش، آن را از فرزندش جدا مکن، خسته مکن، به خسته ها رفاه بده، در جاده خشک حرکت مده، در بهره گیری عدالت داشته باش و امثال آن...

بعد از نگاهی گذرا که به نامه حضرت علی علیه السلام به کارگزاران و دست اندرکاران حکومت برای گرفتن زکات داشتیم، به چند حدیث دیگر نیز توجّه کنیم:

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که فرمود: در گرفتن زکات، خشونت، قهر، کتک، سخت گیری، تحمیل بیش از طاقت ممنوع است(1) و در حدیث دیگر از اینکه مردم را وادار به سوگند کنیم که زکات داده اند، نهی فرمود.(2)

اگر برخورد ما اسلامی باشد (و همان گونه که در نامه 25 گذشت) مردم بدانند که حاکم اسلامی به خاطر وظیفه الهی به سراغ مردم رفته یا افرادی را برای گرفتن زکات اعزام می کند، انگیزه او سیر کردن فقرا است، راه و روش او کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه وآله است، تمام مردم (جز افراد لجوج و مریض) با آغوش باز این حکم اسلام را خواهند پذیرفت.

اگر مردم از نحوه جمع آوری و تقسیم آگاه باشند، به پرداخت زکات گرایش بیشتری خواهند داشت. در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات در مسجد جمع آوری می شد و شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آنها را تقسیم می فرمود.(3) و بر پرداخت کننده صلوات و درود می فرستاد(4) و صلوات او برای آنان آرام بخش بود و سنگینی گذشت از مال را از دوش آنان برطرف می کرد.

اوّل کسی که زکات خود را نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله آورد شخصی به نام ابو اوفی بود. حضرت زکات او را گرفت و فرمود: «اللّهم صلّ علی ابی اوفی و آل ابی اوفی»(5) خداوندا! بر ابی اوفی و خاندان او درود بفرست.

اگر هنگام گرفتن زکات، دهنده آن را آزاد بگذاریم که اگر خواست جنس بدهد و اگر نخواست قیمت آن را پرداخت نماید، این آزادی نیز نوعی تشویق عملی است.(6)

زکات » توافق عادلانه

یکی از مسائی که پرداخت زکات را برای مردم آسان تر می کند، توافق گیرنده با پرداخت کننده است. در حدیث می خوانیم: اگر گیرنده زکات آن حیوانی را که مشمول زکات است نیافت، می تواند با دهنده زکات توافقی عادلانه داشته باشد، یا شتر بزرگتری بردارد و ارزش اضافه آن را به صاحبش بپردازد و یا حیوان کوچکتری بردارد و صاحبش مبلغی که ما به التّفاوت است همراه شتر به گیرنده زکات رد کند.(7)

زکات » تسهیلات در گرفتن زکات

ص: 85

---

1- 357) جامع الأحادیث، ج 9، ص 335.
2- 358) جامع الأحادیث، ج 9، ص 101.
3- 359) جامع الأحادیث، ج 9، ص 186.
4- 360) سوره توبه، آیه 104
5- 361) جامع الأحادیث، ج 9، ص 336.
6- 362) جامع الأحادیث، ج 9، ص 333.
7- 363) جامع الأحادیث، ج 9، ص 337.

برای تشویق مردم باید ما به سراغ آنان برویم، مثلاً وسیله حمل و نقل گندم و جو و... را به سرِ زمین ببریم، زیرا تهیه وسیله و حمل محصول برای دولت آسان و برای مردم مشکل است.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا ما مردم را جمع کنیم و زکات مالشان را بگیریم یا اینکه به سراغ مردم برویم؟ فرمود: شما به سراغ آنان بروید.(1)

زکات » چه مالی زکات دارد؟

تقریباً تمام فقها در رساله های خود فرموده اند که زکات مربوط به نه چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، گوسفند، گاو، شتر، طلا و نقره مسکوک، همان چیزهایی که مورد تولید و مصرف عموم مردم آن زمان بوده است. البتّه فقهای بزرگوار شرایطی را برای مالی که مورد زکات است در رساله های خود آورده اند. از جمله اینکه طلا و نقره به شکل سکّه رایج باشد. گندم و جو، اگر از آبیاری باشد مقدار کمتری زکات

می پردازد، ولی اگر از طریق دیم به دست آید، زکات بیشتری دارد، گاو و گوسفندی زکات دارد که در چراگاه بچرد و صاحبش برای تأمین علوفه آنها هزینه ای نپردازد. تفصیل شرایط در رساله های عملیّه مطرح شده است و هر کس باید به مرجع تقلید خود مراجعه و به فتوای او عمل کند تا در قیامت حجّت داشته باشد.

در کنار نظریه قریب به اتّفاق مراجع تقلید، بعضی از علما و دانشمندان نظر دیگری دارند که به آن اشاره می کنیم. این افراد می گویند: دلیل وجوب زکات فقرزدایی است و تا فقر هست باید زکات از اجناس دیگر نیز گرفته شود تا فقر ریشه کن شود و در زکات، تفاوتی میان گندم و جو و سایر اجناس نیست، آنچه مهم است، ریشه کنی فقر است.

این افراد شواهدی نیز برای سخن خود می آورند از جمله در روایات می خوانیم: اگر مشکل فقرا با این موارد حل نمی شد، خداوند در مال اغنیا سهم بیشتری برای فقرا قرار می داد، پس محور زکات حل مشکل فقرا است و چون امروزه با پرداخت زکات این نُه چیز، مشکل حل نمی شود، باید از اجناس دیگر نیز زکات گرفته شود.

همچنین در روایات می خوانیم رسول خدا صلی الله علیه وآله زکات را از غیر این نه چیز عفو فرمود. کلمه «عفو» نشان می دهد که دامنه زکات در ابتدا گسترده بوده است، ولی در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله چون با پرداخت زکات نُه چیز مشکل فقرا حل می شد، حضرت زکات باقی اجناس را عفو کردند و این عفو حکومتی، تنها برای زمان خاصی است و لذا بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله، حضرت علی علیه السلام

برای اسب ها زکات تعیین کرد. بنابراین دست حاکم اسلامی برای کم و زیاد کردن اقلام مشمول زکات باز است و هر گاه تعداد فقرا زیاد شد، حاکم



---

1- 364) جامع الأحادیث، ج 9، ص 334.

اسلامی می تواند بر چیزی زکات قرار دهد و اگر مشکل فقرا حل شد، می تواند زکات جنسی را عفو کند.

ما به همین مقدار اشاره اکتفا و دامنه این بحث را جمع می کنیم و بررسی آن را به حوزه های علمیه واگذار می کنیم و همین قدر می گوئیم که:

اوّلاً: حل مشکل فقر، تنها از راه گرفتن زکات نیست، بلکه راه های دیگری نظیر خمس، انفاقات، کفّارات، قرض الحسنه، ایجاد شرکت های تعاونی، اشتغال، مضاربه و امثال آن نیز هست.

ثانیاً: باید فرهنگ ساده زیستی و زهد و قناعت و صرفه جویی و مصرف صحیح در مردم زنده شود تا میلیون ها نفر به خیال فقر ناله نزنند و توقّع نداشته باشند که با کار کم، نان زیاد بخورند.

زکات » گستره زکات

در پایان کتاب به این نکته مهم اشاره می کنیم که در اسلام زکات دارای معنای گسترده ای است و برای هر چیز زکاتی تبیین شده است، مثلاً:

زکاتِ آبرو، حل مشکلات مردم است، چنانکه حضرت علی علیه السلام فرمود: همان گونه که ادای زکاتِ مال واجب است، ادای زکات آبرو نیز واجب است.

امام صادق علیه السلام فرمود: بر هر عضوی زکاتی واجب است:

زکات چشم، نگاه با عبرت و چشم پوشی از گناهان است.

زکات گوش، شنیدن و گوش دادن به علم و حکمت و قرآن است.

زکات زبان، نصیحت مسلمین و بیدار کردن غافلین و تسبیح خداست.

زکات دست، نوشتن علوم و بخشش مال است.

زکات پا، تلاش و سعی در راه جهاد، تحصیل، اصلاح میان مردم، عیادت و زیارت خوبان است.

زکات علم، نشر آن است.

زکات قدرت، انصاف است.

زکات زیبایی، عفت است.

زکات پیروزی، احسان است.

زکات شجاعت، جهاد است.

زکات سلامتی، سعی در اطاعت اوامر و نواهی الهی است.

زکات حکومت، کمک رسانی به درماندگان است.

و زکات عقل، تحمّل کردن بی خردان است.(365)

ص: 87

زکات » زکات در عصر امام زمان علیه السلام

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمودند: قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام فرهنگ اقتصادی مردم به نحوی است که حرام خواری ارزش و غنیمت، ولی پرداخت زکات خسارت شمرده می شود. «حتّی تَرَون الحرام مغنماً و الزّکاه مغرما»(1)

امّا در آن روزگار که امام مهدی علیه السلام ظهور کند، ثروتمندان باید حق خدا را بدهند و اگر ممانعت کنند، گرفتار قهر ولیّ اللّه قرار خواهند گرفت.(2) آری دوران ظهور، دوران پایان گرسنگی و فقر است، گرچه به بهای محو ثروتمندان بی درد و مرفّهان بی تفاوت باشد. در آن روز تبعیض ها از بین خواهد رفت و اموال عمومی به طور مساوی در میان مردم تقسیم خواهد شد و در آن روز کسی را که نیازمند به زکات باشد،

مشاهده نخواهی کرد. «یُسوّی بین النّاس حتّی لا تری محتاجاً الی الزّکاه»(3)

«والحمد للّه ربّ العالمین»



---

1- 366) بحار، ج 52، ص 263.
2- 367) وسائل، ج 6، ص 19.
3- 368) بحار، ج 52، ص 390.

درباره مرکز

بسمه تعالی
هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ
آیا کسانی که میدانند و کسانی که نمیدانند یکسانند ؟
سوره زمر/ 9

مقدمه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال 1385 هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:
موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:
1.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
2.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
3.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
4.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
5.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
6.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:
1.عمل بر مبنای مجوز های قانونی
2.ارتباط با مراکز هم سو
3.پرهیز از موازی کاری
4.صرفا ارائه محتوای علمی
5.ذکر منابع نشر
بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :
1.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
2.برگزاری مسابقات کتابخوانی
3.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
4.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
5.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com
6.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...
7.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
8.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...
9.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
10.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
11. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در 8 فرمت جهانی:
JAVA.1
ANDROID.2
EPUB.3
CHM.4
PDF.5
HTML.6
CHM.7
GHB.8
و 4 عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :
ANDROID.1
IOS.2

WINDOWS PHONE.3
WINDOWS.4
به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .
درپایان :
از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: 03134490125
دفتر تهران: 88318722 ـ 021
بازرگانی و فروش: 09132000109
امور کاربران: 09132000109